

بهار ۱۳۷۳

صافی: ۹۲-۱

واپس

شانزده ساله

مجله فرهنگی فارسی و ترکی

سال شانزدهم

اون آلتی یاشیندا

تورکجه و فارسجا فرهنگی مجموعه

اون آلتینجی ایل

شماره امتیاز ۸۵۴۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

دکتر جواد هیئت

قیمت: ۱۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ایچیننده کیلر

(فهرست)

صفحه

- ۱- قصه غرائب و ارزش تاریخی آن : دکتر سعید شمشک ، ترجمه و تلخیص دکتر جواد هیئت و اسماعیل هادی ۲
- ۲- دو قنور جواد هیئت دن جمهور رئیس سلیمان دمیرالده مکتوب . ۲۵
- ۳- تورک دلی اصفهاندا صفوی لر درباریندا : پروفور تورخان گنجه‌ای ، انگلیزجه دن - چتورن : دو قنور جواد هیئت . ۳۱
- ۴- کوکوموز ، تاریخیمیز بیزدن نجه ایزوار : پروفور شامل قوربانوف . ۳۹
- ۵- تبریک . وارلیق ۴۴
- ۶- پروفور رستم علی یف بن یاسیندا : دو قنور جواد هیئت . ۴۵
- ۷- ایکی بویوک ایرانشناسین ماتمینده : ح . م . ساوالان ۵۰
- ۸- حاج مهدی شکوهی : نزهت تبریزی . ۵۴
- ۹- اوشاق موسیقیسی و شعر آخاشی . ۶۶
- ۱۰- حیدر بابایا سلام نمایش تجمه آلقینلادی : حسن راشدی ۶۷
- ۱۱- قوشلارین عکسی ، ادبیات و فولکلوریک آیفامیزدا : رحیم رازقی وند ۷۰
- ۱۲- پهلوی رژیمینده جنوبی آذربایجاندا شفاهی خلق ادبانی نین طوبلانماسی ، آراشدیر یلماسی و نشری تاریخیندن (۲) : ح . م . فرزانه ۷۸
- ۱۳- غزل میرسلام معاصر ۸۹
- ۱۴- «غیرت» غزنی و بورچالی قارداشلار تبریک : دو قنور جواد هیئت ۹۰
- ۱۵- «غیرت» لی قارداشلاریمیزا تبریک : محمد : رضا هیئت ۹۱
- ۱۶- باش صاغلینی . ۹۲
- ۱۷- نامه سرگشاده دانشجویان مشکین شهری دانشگاههای شور به هیئت محترم دولت - جمهوری اسلامی ایران : نقل از دهفته نامه امید زنجان . ۹۳
- ۱۸- بیزه گان مکتوبلار : ح . م . ساوالان ۹۷
- ۱۹- بیزه گلن مکتوبلاردان : حسین جمشیدی - جواب : دو قنور جواد هیئت . ۱۰۲
- ۲۰- یثنی چیخان کتابلار : عزیز محسنی . ۱۰۵
- ۲۱- تبریک مکتوبلاری : علی کمالی ، اسماعیل هادی ، عبدالحمید رحمانی تخلیلی دکتر مجید فرهوش . ۱۱۶
- ۲۲- فضولی نین ۵۰۰ ایبللیگی . ۱۱۸
- ۲۳- علی ای همای رحمت : ترجمه ائدن : مرحوم مبارزعلیزاده ۱۱۹
- ۲۴- آختاریرام (شعر) : دکتر رحیم چاوش اکبری ۱۲۰
- ۲۵- یثنی ایل (شعر) : حسین . م . گونئیلی ۱۲۱
- ۲۶- یاواش - یاواش (شعر) ، ابوالفضل روزی طلب (شاهین) ۱۲۱

- ۲۷- يالقيز . بايقوش «شعر» : صالح گرامی ور.
 ۲۸- ستو گيليم (شعر) : اقبال منصوريان.
 ۲۹- جدول : ع. ح اردبيلي.
 ۳۰- آذربايجاندا دير (شعر) : سولماز فهيمی.
 ۳۱- جانيم قاراباغ (شعر) : يوسف بهنمون دالغين
 ۳۲- آنکارادا «ايران کولتور- صنعت ، خبر بولتنی» : دوكتور جواد هيئت
 ۳۳- بيز وطن اوچون دوغولدوق (شعر) : بختيار واهابزاده
 ۳۴- وئرگي، بؤلگور (شعر) : م. م. ناظر شرفخانه
 ۳۵- اورميه دانشگاهيندا تورک ديلي کورسوسو آچيليشدير : محمد رضا هيئت
 ۳۶- آذربايجان مهدي قانون خواهی و دموکراسی : صمد سرداری نيا



بيلديريش

صون آيلاردا گؤزله نيلمز درجه ده هر شه بين باهالانماسی و اوجمله دن چاپ و نشر ايشلرينده قيمت لرین بؤكسلمه سی و پست مصرفی نين ۲۰ - ۱۰ برابر اولماسی سببی ايله مجله ميزان مصرفی (هزينه سی) كشمچميشه نسبتله بوزده ۴۰ آرتميشدير . اونا گؤره مجبوری اولاراق بوصایی دان مجله نين صاتيش قيمتی ۱۰۰ تومن و بير ايلليک آبونمانی ۴۵۰ تومن اولاجاقدير .

خارجده کی آبونمان : آمريکا . ۱۰۰ دولار ، اروپا ۸ دولار و تورکيه ۶ دولار دير . بومناسبتله عزيز اوخوجولاريميزا بيلديبرمك ايسته ييريك کی ۱۵ ايل تامام وارليق مجله سینی اوخوجو و آبوننه لریميزين اؤده دېكلاری پول ايله ياناشی مطب گلير بندن آلدیغيميز كؤمك له چيخارا بيلديك و بوگونه قده ده كيمسه دن يارديم ايسته مه ديك هئچ بير كسدن و يا حكومت دن ده اعلان - آگهی آلماديق .

بوگون فارسجا چيخان يوز صحيفه ليك درگيلر (تکاپو و ...) ۱۵۰ نومنه صاتيلير اونلارين تير اژلاری دها آرتيق اولماقلا برابر اعلان - آگهی لردن ده كؤمك آليرلار . وارليق درگيسي خلقه ميزين ان اسکی وان چوخ گؤوندیگی مجله اولدوغو اوچون اؤز - اؤزونو اداره ائتمه سی و بيزه بوخ خلقه سؤيكنمه سی گره کای دبر .

عزيز آبوننه لریميزدن يوخاريدا کی گئزچگی نظرده توتمالاری و اونا گؤره آبوننه پوللارینی گؤندرمه لری خواهش اولونور . ناسفله سؤيله مه لی ييك کی آبوننه لرینی اؤده مه بن اوخوجولاريميزا مجله نی گؤندره ييلمه به جگيك . وارليق



قصة غرائق و ارزش تاریخی آن

(تکیه گاه کتاب "آیات شیطان")



نویسنده: دوجنت دکتر سعید شمشک
ترجمه و تلخیص از: دکتر جواد هیئت و اسماعیل هادی
با مقدمه‌ای کوتاه از اسماعیل هادی

تعالیم اسلام از اعتقاد گرفته تا فقه (حقوق) به دو منبع عمده متکی است: قرآن و سنت. منبع اصلی قرآن است و لیکن سنت نیز در راستای تفسیر قرآن و توضیح مواردی که در قرآن کریم به اجمال آمده است، منبع دوم و در حد خود قرآن دارای اهمیت فراوان است. سنت عبارت است از قول، عمل یا تقریر رسول الله (ص). منظور از قول و عمل آن است که رسول الله (ص) سخنی را صراحتاً در مقام بیان حکم شرعی عنوان کند و یا آن که عملی انجام دهد که بر ما روشن گردد. قصد پیامبر از آن تشریح یک حکم شرعی است. مثلاً در منظر راوی وضو بگیرد و راوی از آن نحوه وضو گرفتن را بیاموزد. منظور از تقریر نیز آن است که عملی در محضر حضرت رسول (ص) صورت گیرد و آن حضرت با سکوت خویش آن را تأیید کند. چراکه تبلیغ احکام الهی و ارشاد خلق بر عهده نبی است و اگر آن حضرت بر عملی اعتراض نکند به معنای امضاء آن است. تا این جا مورد اتفاق است. اما شیعه علاوه بر خود پیامبر سیره

اما مان رانیز جزء سنت می‌داند ولکین به نظر می‌رسد این مسئله نباید چندان مشکلی به وجود آورد چون خود اما مان (ج) بارها براین نکته تأکید کرده‌اند که آنان در مسیر سنت رسول الله (ص) گام بر می‌دارند و طبعاً عملی برخلاف سنت پیامبر اکرم یا مزید بر آن انجام نمی‌دهند و لذا در نهایت مرجع یک سنت بیش نیست .

قرآن متن مشخصی دارد و همه مسلمین بر آن اتفاق دارند و کلمه‌ای بر آن اضافه نشده است. اما سنت از طریق راویان به دست ما رسیده است. عده‌ای از این راویان مستقیماً با رسول الله (ص) نشست و برخاست داشته‌اند و جزو یاران آن حضرت بوده‌اند که ما اینان را صحابه گویند، برخی نیز زمان رسول الله را در نیافته‌اند و صحابه آن حضرت را دیده و از آنان نقل قول کرده‌اند و اینان را تابعین نامند. اهل سنت صحابه را عادل و عاری از خطا و دروغ می‌دانند. و هر خبری که از پیامبر (ص) نقل شده باشد اعم از آن که متواتر باشد یا خبر واحد قبول دارند.

خبر متواتر آن است که راویان آنان به حدی متواتر باشد که احتمال دروغ و تبانی در آن نباشد. اما خبر واحد خبری است که به حد تواتر نرسد.

در پذیرش خبر متواتر (به شرط داشتن شرایط تواتر) اختلافی نیست ولی شیعه درباره خبر واحد نظرگاه‌های متفاوتی دارند. علمای متقدم همچون سید مرتضی و پیروان او (طبرسی، ابن زهره، قاضی ابن براج، ابن ادریس) خبر واحد را به شدت رد می‌کنند تا جایی که ابن ادریس در مقدمه کتاب "السراثر" آن را هدم دین می‌نامد و لیکن اغلب علمای شیعه از شیخ طوسی به این سوی خبر واحد را پذیرفته‌اند.

ما در کتاب "منابع حقوق در اسلام" در مورد نظرگاه طرفین بحث نسبتاً تفصیلی با زکرده و درباره ارزش خبر واحد سخن گفته‌ایم کتاب یاد شده در دست جاب است در صورت نشر می‌توان به آن مراجعه کرد. با توجه به جعل و وضع و دروغ پردازیهایی که در زمینه حدیث صورت گرفته است، چاره‌ای جز آن نیست که یا باید خبر واحد، به عبارت دیگر بخش اعظم حدیث را همانند پیروان سید مرتضی یک باره به کنار نهاد و یا آن که حداقل "نقادی عقلی" را بر نقادی حدیث افزود. حدیثی که متن آن مخالف قرآن و سنت مسلم نبوی بوده و یا مخالف صریح عقل و منطق سلیم باشد فاقد ارزش خواهد بود.

جعل و وضع حدیث نکته‌ای نیست که بر کسی پوشیده باشد در این خصوص از قدیم تلاش‌های فراوانی صورت گرفته است. شهید ثانی در کتاب "الرعاية فی علم الدرّایه" می‌گوید علاوه بر زنادقه حتی برخی افراد مؤمن و معتقد نیز از روی حسن نیت حدیث جعل کرده‌اند:

"چنان که "گرامیه" (یک فرقه بدعت‌گذار است) برخی از بدعت‌گذاران دیگر و متصوفه معتقدند برای ترغیب مردم به اطاعت خدا و ترساندن آنان از ارتکاب گناه، جعل حدیث جایز است. شهید خود از این نمونه احادیث برخی روایات راجع به ثواب قرائت سور قرآنی و غیره به دست داده است. ... قرطبی از بعضی از رایگرایان نقل کرده است که گفته‌اند هر آن چه موافق قیاس جلی است می‌توان به پیامبر نسبت داد؛

باری، در مورد روایت مجعول بعضاً خود جاعل آن را جعل می‌کند، بعضاً از دیگران، مثلاً اسلاف و اقوال حکمای گذشته را می‌گیرد و به عنوان روایت نقل می‌کند، یا آن که حدیث ضعیف را گرفته و با سلسله سند قوی به عنوان حدیث صحیح آن را ترویج می‌کند. ... (شهید ثانی؛ الرعاية، ص ۱۵۲ - چاپ قم)

چنان که یهودیانی که خود را وارد جامعه اسلامی کرده بوده‌اند افسانه‌های دینی خود را در قالب احادیث اسلامی در آوردند که اینان به اسرائیلیات معروف است و زنادقه نیز افکار الحادی خود و ساطیر ملل مختلف را که شنیده بوده‌اند در قالب روایت آورده‌اند. نقل است که وقتی "ابن ابی العوجاء" را برای اعدام می‌برده‌اند با افتخار تمام گفته بود "باکی نیست چون چهار هزار حدیث جعلی در میان احادیث شما جا داده‌ام!" شرح حال این ماشین حدیث‌ساز و شیطنت‌های دیگر زنادقه و غیره را می‌توان در کتاب "یکصد و پنجاه صاحبی ساختگی!" نوشته علامه عسگری می‌خواند.

محمود ابو زیه، عالم مصری با نوشتن کتاب "ابی هریره، شیخ آشخور" که دست در کاسه معاویه داشته و برای وی حدیث جعل می‌کرده است میزان عدالت صحابه را نشان داده است. این ابوهریره که یک سال و اندی همراه پیامبر بوده است چندین برابر حضرت علی و عایشه و دیگران که در خلوت و جلوت همراه پیامبر بوده‌اند، از آن حضرت نقل حدیث کرده است! افتضاح دروغ بستن به نبی اکرم از جانب ابوهریره به حدی بالا گرفته بود که عمر وی را تا زیانه زده و از به اصطلاح

حدیث‌گویی نهی کرده بود.

محمود ابو ربه با پرداختن به جزئیات زندگی ابوهیریه که در بدو ورود از یمن برای اخذ غنایم از پیامبر اکرم و به هوای مال دنیا با گریه خود آمده بود و به همین جهت به ابوهیریه معروف شده و عمری را با گدایی و ذلت‌گذرانده و آنگاه در عهد معاویه به استانداری مدینه منسوب و دارای آلاف و الوف گردیده و به آلت دست معاویه تبدیل شده بود، با ظرافت و دقت تمام آورده و میزان و ارزش احادیث وی را بررسی کرده است.

نویسندگان دیگری نیز در کتاب صحاح اهل سنت گشت و گذاری کرده و احادیث کفرآمیزی را استخراج کرده‌اند، البته احادیثی از این دست اختصاص به اهل سنت ندارد در کتب شیعه نیز روایاتی با مضامین خرافی و غیره به چشم می‌خورد نیم‌نگاهی به کتاب علل الشرائع مرحوم صدوق و غیره این حقیقت را روشن می‌کند، به عنوان مثال به متن این روایت توجه فرمائید:

" عن امیر المؤمنین (ع) إِنَّهُ قَالَ: ثَلَاثَةٌ يَضْحَكُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...، خداوند بر سه طایفه در روز قیامت می‌خندد/لبخند می‌زند... (ظاهراً) منظور ابراز رضایت است. رک: محدث نوری: مستدرک الو- سائل - ج ۱، ص ۴۸۸ - مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث - بیروت، کتاب الطهاره - باب نوادر ما يتعلق بابواب الجنابة) انتساب حالت "خندیدن" به خداوند نشانه نگر آن است که در صدور روایت از معصوم باید تردید نمود.

این گونه است که حتی عاملان به خبر واحد نیز شرایطی را برای عمل بدان لازم دیده‌اند، این شرایط عمدتاً در مورد وثاقت راوی دور می - زند ولیکن به نظر می‌رسد علاوه بر نقادی سلسله سند روایت باید متن آن را هم ملحوظ نمود و در صورت مخالفت با قرآن کریم و سنت مسلم و عقل و منطق در عمل بدان توقف نمود.

از سوی دیگر در علم تفسیر نیز امروزه روایت نقش‌چندانی ایفا نمی‌کند و تلاش برای "تفسیر موضوعی" است که در آن یک‌آیه از قرآن در کنار آیات مشابه و نظرگاه کلی قرآن قرار گرفته و تفسیر می‌گردد و تفسیر روایی اهمیت اولیه خود را از دست داده است. در هر حال وجود این روایات مجعول و یا ضعیف که متأسفانه در کتب خود مسلمان جای گرفته‌اند، بهانه‌ای به دست مستشرقین مغرض داده است

که دین مقدس اسلام را مورد تهمت و افتراء قرار دهند. و آخرین این سوء استفاده‌ها یا به عبارت دیگر توطئه‌ها کتاب خائنانه " آیات شیطانی " *Satanic Verses* است که متأسفانه به دست یک فرد به ظاهر مسلمان و خود فروخته تحریر گردیده است. هرچند نگارنده کتاب یاد شده را ندیده است ولی از قرار مسموع با دستاویز قرار دادن حدیث سرآپا مجعول " غرانیق " و پرورش داستا نسرایبی آن وساحت - نبی اکرم / مورد اسائه ادب قرار داده است .

البته اولین بار نیست که به پیامبر گرامی اهانت می‌گردد. از زمان خود آن حضرت که مشرکین مکه ایشان را " ساحر و مجنون " خطاب می‌کرده - اند، این جریان وجود داشته است و طبعاً آدم هتاک و بی‌منطق جز بردن آبروی خود به کسی نمی‌تواند لطمه بزند. منطق اسلام بر یاوه‌گویی افراد مغرض برتر است و ما خوفی از این بددهنی‌های جاهلانه نداریم و خورشید حقیقت با گل پاشیهای بجه‌گانه تاریک نمی‌گردد و این همه اهمیت دادن به یک مشت اراجیف خیال‌بافانه نه به خاطر اهمیت خود آن بلکه صرفاً برای بسیج نیروی جهان غرب در جهت لکه‌دار نمودن چهره مسلمین است که قطعاً به رسوایی خود توطئه‌گران و بیداری بیشتر مسلمانان خواهد انجامید.

در هر حال آنچه در ذیل می‌خوانید تحقیقی است علمی که آقای دکتر " سعید شیمشک " در مجله " وزین " بیلگی و حکمت " (علم و فلسفه) تحریر نموده است و در اینجا خلاصه آن بفارسی نقل شده است :

لازم به ذکر است که مجله " بیلگی و حکمت " اخیراً در ترکیه منتشر می‌گردد و نشانگر بینش عمیق دینی و تفکر والای نویسندگان آن مجله است. ما این گرایش‌آگاهانه به اسلام را به برادران مسلمان خود تبریک می‌گوئیم. علاوه بر خود مقالات مجله، آگهی‌های منتشره کتب چاپ شده در مجله نیز نشانگر وسعت چاپ کتب اسلامی در ترکیه است، در همین شماره مجله یاد شده آگهی انتشار ده‌ها جلد کتاب تحقیقی در زمینه علوم مختلف اسلامی از نویسندگان ترک و غیر ترک مشاهده می‌گردد. از بدایة‌المجتهد ابن رشد تا موافقات شاطبی، کتاب الزهد احمد ابن چنبل گرفته تا آثار عالمان معاصر چون، علامه طباطبائی، امام خمینی^(پ)، علی شریعتی، ابوالاعلی مودودی، محمدحسین بهشتی، محمدجواد باهنر... آگهی دهها اثر اسلامی را در این مجله می‌توان یافت و این کار فرهنگی عمیق به همت مردان مؤمنی صورت می‌گیرد که ایمان خود را به لائیزم

نباخته‌اند. نگاه دیگر به این گونه مجلات نشان می‌دهد که ما چه قدر در اشتباهیم که مردم مسلمان ترکیه را جدا شده از اسلام تلقی می‌کنیم، و از برادران خود غافلیم.

ا. هادی

قصه غرائیق:

مدخل:

از نقطه نظر دینی، دو عنصر اصلی اهمیت حیاتی دارد. یکی خود پیامبر و دیگری کتابی که آورده است. هر گونه شبهه در رابطه با پیامبری پیغمبر مستقیماً به شبهه در خود دین برمی‌گردد. چنان که دریافت وحی از یک مجرای درست و انتقال دست نخورده آن به مردم از جانب پیامبر نیز اهمیت فراوان دارد. از این روست که مخالفان سعی دارند یکی از این دو عنصر را هدف حملات خود قرار دهند. چنان که مخالفین اسلام نیز از همین طریق قصد رخنه نموده‌اند. حال چه به واسطه قلب واقعیت‌هایی که خودشان ساخته‌اند و چه از طریق جعلیاتی که در فرهنگ خود مسلمانان وجود داشته و خوراک تبلیغاتی دشمنان اسلام گردیده است. و جای تأسف است که در فرهنگ مسلمانان مواد خامی برای این گونه تبلیغات زهرآگین یافت می‌شود.

متأسفانه بعضی زگردآورندگان احادیث بدون توجه به محتوای آنها فقط با نقل منبع حدیث خود را از مسئولیت روایت آن مبرا دانسته‌اند. در زمینه تفسیر، پیداست که برای شناخت کلی دین و فهم روند نزول قرآن مراجعه به احادیث نبوی که در خصوص تفسیر آمده است و مراجعه به تفسیر و برداشتی که اصحاب آن حضرت از قرآن کریم داشته‌اند ضروری است و احادیثی که در این خصوص آمده است می‌تواند منبع خوبی باشد، و لیکن باز جای تأسف است که در این جا نیز احادیث ناصحیح دوشادوش احادیث صحیح وارد جریان تفسیر شده‌اند.

در آغاز قرن نوزدهم ضمن فعالیت‌های استعماری تلاش مستشرقین برای شناخت اسلام فزونی یافت و این تلاش‌تها برای شناخت درست و صادقانه مذاهب اسلامی نبوده، بلکه هدف اصلی هموار نمودن راه برای استعمار بوده است. از این رو برای تضعیف اعتقاد مسلمانان دنبال دستاویزی می‌گشته‌اند، و طبعاً روایات مجعول و ضعیف می‌توانست وسیله خوبی برای این منظور باشد.

در میان این گونه روایات مجعول دردناکتر از همه آنان روایاتی است که به افسانه "غزانیق" مربوط می‌گردد. این نوع روایات مجعول هم شخصیت رسول اکرم (ص) و هم خود وحی و قرآن و عاری بودن آن از هر خللی را زیر سؤال می‌برد. مستشرقین الحق به این نوع روایات نام مناسبی هم انتخاب کرده‌اند: آیات شیطانیه؛ باید اعتراف نمود که محتویات این نوع روایات مناسب همین نام است. ممکن است که مستشرقین به این نوع افسانه‌ها دامن زده و آنها را بزرگ جلوه داده‌اند^(۱). ولیکن حقیقت آن است در میان خود مسلمانان، در کنار رد شدید آن از جانب علماء، برخی از محدثین از این روایات دفاع کرده‌اند؛ از این رو مادر این مقاله مسئله‌رانه از دیدگاه مستشرقین بلکه در چهارچوب منابع خودی بررسی کرده و از معیارهای خود بهره خواهیم گرفت و صحت و سقم این گونه روایات را بر اساس معیارهای خودمان بررسی خواهیم کرد. در این راستا استادمان پرفسور دکتر اسماعیل جراح اوغلو که در رابطه با تلاش و سوء استفاده مستشرقین از افسانه غزانیق مقاله‌ای تحریر کرده‌اند^(۲) و همچنین پرفسور دکتر حسین خاتمی در پاسخ به آیات شیطانیه سلمان رشدی، کتابی تحت عنوان "روایات شیطانیه"^(۳) نوشته‌اند و ما از هر دو اثر فوق در این مقاله بهره‌جستاهیم.

چکیده افسانه

ما در مورد تضادهای فراوانی که در نقل این افسانه دروغین وجود دارد، سخن خواهیم داشت. عجالتاً از این تضادها چشم‌پوشیده و به نقطه مشترکی که در این به اصطلاح روایات آمده است اشاره می‌کنیم، خلاصه افسانه چنین است:

در همه آیاتی که در مکه به حضرت رسول (ص) نازل می‌شد، بت‌ها مورد حمله قرار گرفته و عبادت مشرکین به بت‌های دست‌ساز خود که قادر به هیچ کاری نبوده‌اند، محکوم می‌گردیده و این باعث ایجاد شکاف عمیق بین مسلمین و مشرکین گردیده بود. روزی پیامبر در کنار مشرکین بنشسته و سرگرم گفتگو بوده‌اند، پیامبر مایل نبود که وحی نازل شود زیرا اگر نازل می‌شد، بت‌ها را تقبیح می‌کرد و باعث اختلاف بیشتر بین مسلمانان و مشرکان می‌گردید، مگر اینکه در مدح بت‌ها باشد؛ تا

اختلاف از میان برخیزد. پیامبر در این اندیشه بود که وحی آمد و سوره نجم نازل شد، پیامبر شروع به قرائت آیات نازل شده نمود، تا به این

آیه رسید:

" أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ (۴)"

"یا لات و عزا را دیده‌اید؟ ویا آن سومی، منات را" (لات و عزا و منات نام سه بت مشرکین بوده است) بعد از قرائت این آیات شیطان - العیاذ باللہ - پیامبر را به اشتباه انداخت و این سخنان بی اختیار بر زبان پیامبر جاری شد:

" تِلْكَ الْغُرَانِيقُ الْعُلَىٰ وَإِنْ شَفَا عَتَهِنَّ لِيُتْرَجِي (۵) !
(این دُرنا یان بلند پرواز، که شفا عت آنان مورد انتظار است)

آنگاه پیامبر (ص) سوره را خواند و بعد از اتمام به سجده رفت و مسلمین نیز سجده کردند، مشرکین نیز همراه آنان سجده کردند و بر مدح بت‌ها از زبان پیامبر شادمان شدند و گفتند " بعد از این میان ما و محمد دیگر اختلافی نیست. در اصل ما خداوند را آفریدگار و رزاق می‌دانیم از این بت‌ها را فقط به عنوان وسیله شفاعت بین خود و خدا می‌شناسیم".

شب جبرئیل نازل شد و از پیامبر خواست که وحی را بازخواند، پیامبر سوره نجم را خواند، کلماتی را هم که شیطان القاء کرده بود خواند. جبرئیل گفت: " چه می‌خوانی؟ من این کلمات را نیاورده‌ام! " پیامبر از این که چیزی اضافه بر وحی را تبلیغ کرده است خیلی غمگین و افسرده گردید و بعد به روایتی این آیات برای دل‌داری پیامبر نازل شد:

" نزدیک بود ترا از آن چه به تو وحی کرده بودیم منحرف سازند، تا چیز دیگری را (غیر از وحی) بر ما نسبت دهی تا آنان با تو دوستی نمایند، اگر ما گام‌هایت را استوار نمی‌ساختیم ممکن بود که اندکی به آنان تمایل نشان دهی، اگر چنین می‌شد البته ترا در دنیا و آخرت دوچندان عذاب می‌دادیم و در برابر ما یار و کمک رسانی هم پیدا نمی‌کردی (۶)."

بر اساس بعضی روایات پیامبر (ص) همچنان اندوهگین و بیمناک بود تا آن که آیه زیر نازل شد:

" ما پیش از تو هیچ رسولی و نبی‌ای را نفرستادیم مگر آن که چون

تمنائی میکرد شیطان در تمنای او چیزی میافزود، پس خداوند آن چه را که شیطان القاء میکند باطل کرده و آیات خود را استوار میسازد، که البته خداوند دانا و حکیم است، (سوره حج - آیه ۵۲).

بر اساس این نوع روایات مجعول، بدنبال مدح اشتباهی بت‌ها از جانب رسول الله (ص) و همگامی مشرکین با آن حضرت، برخی از مسلمانانی که به حبشه هجرت کرده بودند از این جو آشتی با خسر شده و به مکه باز می‌گردند و چون به مکه میرسند متوجه نادرستی خبر میشوند.^(۷)

تبیین های مختلف پیرامون روایات

در متن این روایات تضادهای زیادی دیده می‌شود، برخی دال بر آن است که عبارات ۴ فزوده بر متن قرآن از خود پیامبر صادر شده است، برخی دیگر می‌گویند شیطان با تقلید صدای پیامبر این سخنان را گفته و مشرکین حاضر اشتباهات آن را از خود پیامبر دانسته‌اند، برخی دیگر می‌گویند اینان حرف‌های خود پیامبر بود ولیکن پیامبر سخن خود را چنین آغاز کرده بود که: " شما مشرکان می‌گوئید که... " یعنی پیامبر این عبارات را به صورت نقل قول از مشرکین آورده است.

علمای ناقل روایات نیز به لحاظ همین نقل‌های مختلف، در مورد آنها نظرات مختلفی دارند، برخی هم معتقدند این نوع روایات سراپا جعلی است و جنین حادتهای اساساً رخ نداده است که روایت صحیحی هم در مورد آن باشد.

ما قبل از پرداختن به صحت و سقم این روایات مروری می‌کنیم به اقوال مختلفی که در این باره ابراز شده است.

- طبری (متوفی ۳۱۰ هجری = ۹۲۳ میلادی):

تفسیر طبری از جمله تفاسیر قدیمی است که در موارد مختلف به حادته غرانیق اشاره می‌کند، طبری در این تفسیر که بیشتر روایی است و در مواردی تفسیر درایتی (استدلالی) به این نوع روایات سلسله سند تنظیم کرده و از قبیل احادیث صحیح دانسته است، به رغم تضاد هایی که در متن این قبیل روایات وجود دارد، طبری بی‌هیچ نقد و بررسی آنان را آورده و حتی آنان را در حد حدیث صحیح تلقی می‌کند!^(۸)

-بغوی (متوفی به سال ۵۱۶ هجری = ۱۱۲۲ میلادی):

بعد از نقل روایات وارده در این باب، به نظر کسانی که می‌گویند این سخنان را شیطان القاء کرده بود اشاره می‌کند و با این نظر مخالفت می‌کند. به نظر وی اغلب مفسرین بر این باورند که این سخنان از خود پیامبر بوده است. و سخن کسانی را که می‌گویند پیامبر در حالت خواب این حرف‌ها را گفته است می‌آورد.^(۹)

-ابن تیمیّه (متوفی به سال ۶۲۵ هجری = ۱۲۵۴ میلادی):

سعی دارد میان ابن داستان و عصمت پیامبر ارتباطی ایجاد کند. او اشاره می‌کند که علمای متأخر این داستان را قبول ندارند و لایق معتقد است که اینان تکیه‌گاه قوی ندارند. چرا که این نوع روایات هم در کتب تفسیر و هم در کتب حدیث آمده است. وی تضادی میان این داستان و عصمت پیامبر نمی‌بیند چرا که خداوند حرف‌های شیطان را باطل کرده و نتیجتاً این حادثه به عصمت لطمه نزده است. او نیز به همان نتیجه‌ای می‌رسد که زمخشری^(۱۰) رسیده است: این حادثه برای امتحان میزان ایمان مسلمانان بوده است (۱۱).

-ابن حجر عسقلانی (متوفی به سال ۸۵۲ هجری = ۱۴۴۹ میلادی):

ابن حجر مؤلف شرح معروف صحیح بخاری زیر عنوان "فتح الباری" بعد از شمردن سند روایت می‌گوید "غیر از روایت سعید ابن جبیر، بقیه روایت‌های منقول در این زمینه یا ضعیف هستند یا منقطع (مرسل) مع هذا این که داستان از چند طریق روایت شده است نشانگر آن است که این مسئله صحت دارد. به علاوه روایت از دو طریق مرسل نیز وارد شده است و این دو طریق با شروط قبول روایت از جانب مسلم و بخاری موافق است. یکی از طرق، نقل طبری از یونس ابن یزید و نقل او از ابن شهاب است و دیگری نقل دوم طبری از معتمر ابن سلیمان و حمید ابن سلمه است (۱۲).

در نتیجه ابن حجر روایات وارده را ضعیف و منقطع می‌داند و تنها به روایت سعید ابن جبیر و دو روایت مرسل دیگر که از طریق طبری وارد شده است به دیده اعتبار نگریسته و در مجموع چون در یک باب سه روایت را در کنار هم قرار داده، از صحت آن جانبداری می‌کند.

- سیوطی: (متوفی ۹۱۱ هجری = ۱۵۰۵ میلادی):

سیوطی در تفسیر روایتی خود بنام الدُّر المنثور همه روایات را کنه در قبول این قصه آمده است جمع و نقل نموده است .

نقد روایات مربوط به قصه بعداً" ارزیابی خواهد شد .

متقابلاً" بنظر بعضی از دانشمندان پیغمبر (ص) در تلاوت قرآن هرگز آنچه وحی نبوده بر زبان نیاورد و اگر روایات مربوط به این قصه صحیح بوده باشد گوینده آنها شیطان بوده است .

درحالا نظر ایسن دانشمندان را نقل می‌کنیم :

- جَسَّاس (وفات ۹۸۰- میلادی = ۳۷۰ هجری) :

پیغمبر (ص) در محلی دور از مشرکین مشغول خواندن سورهٔ نجم بود وقتی به افرأیتم اللات و العزی... رسید یکی از شیاطین انس (اطرا- فیان) چنین گفت " تلك الفرائق العلی و ان شفاعتهن لترتجی". مشرکین چنین تصور کردند که ابن سخنان از جانب پیغمبر (ص) گفته شد. جَسَّاس ضمن تاکید بر این نسکته از حسن بصری چنین روایت میکند: " پیغمبر (ص) از قرآن آیاتی دربارهٔ بت‌ها برای مشرکین خواند و به آنها چنین گفت: (بنظر شما این بت‌ها چون درناهای بلند پرواز می‌مانند که امید به شفاعت آنها می‌رود. " یعنی پیغمبر (ص) در مقام رده این سخنان را گفته است (۱۳).

- قُشیری (وفات ۱۰۷۲- میلادی = ۴۶۵ هجری) :

پیغمبر به هنگام خواندن قرآن آهسته و با تأنی می‌خواند و گاهی قدری مکث می‌کرد. شیطان در این اثنا بعضی سخنان گفته (۱۴) یعنی قُشیری هم نظر جَسَّاس را تایید می‌کند .

- قاضی ابن عربی (۱۱۵۱- میلادی = ۵۴۶ هجری) :

ابن عربی بعد از نقل خلاصهٔ روایات، به چند دلیل قصه را رد می‌کند. خلاصهٔ آنها چنین است: ۱- خداوند متعال که فرشتهٔ خود را واسطهٔ ابلاغ وحی به پیغمبر (ص) قرار داده به پیغمبر خود قدرت شناخت او را هم داده است پس وقتی پیغمبر فرشته فرستاده خدا را می‌بیند او را می‌شناسد. وانگهی اگر شیطان بتواند وارد وحی الهی بشود دیگر به هیچ آیه‌ای نمیتوان اطمینان کرد .

۲- همهٔ مسلمین در این متفق القول اند که خداوند پیغمبر خود را از

کفر و شرک در امان داشته است. پیغمبر (ص) هم از نظر ایمان وهم عمل از اینگونه مسایل مُنزه است. در حالیکه معصیت در اعمال پیغمبران جایز نیست چگونه میتوان چیزی را که از نظر اعتقادی کفر است به او نسبت داد.

۳- خداوند متعال خود را به پیغمبر شناسانده، براهین و استدلال را به او آموخته، ملکوت را به او نشان داده و از حال پیغمبران گذشته به او خبر داده است. چنین کسی چگونه ممکن است با زیجۀ شیطان قرار گرفته و گفته‌های او را بعنوان وحی الهی تبلیغ نماید؟!

۴- تمام وحی‌ها تیکه در شبانه‌روز نازل شده حاکی از این بوده که بت‌ها موجوداتی بی‌جان و فاقد نیروی بینائی و شنوائی بوده و هرگز نمی‌توانند ضرر و یا فایده‌ای به انسان برسانند. با وجود همه اینها چگونه ممکن است پیغمبر (ص) در مورد آنها بگوید: آنها خداوندگاران والاکی هستند و به شفاعت آنها امید می‌رود؟!

روایات حاکی از آنستکه پیغمبر (ص) از اختلاط تلقینات شیطان با آیات قرآنی ناراحت شده و بدین جهت آیه زیر نازل شده است (۱۷):

" وَاِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُوكَ عَنِ الَّذِي اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَةً"

اینهم جهالت راویان را نشان میدهد، زیرا «کادوا» از شدن چیزی خیر نمی‌دهد بلکه " ممکن بود بشود ولی نشد" را نشان میدهد. آیه میگوید: «چیزی نمانده بود پیغمبر را از آنچه به او وحی میشود دور کنند ولی نتوانستند، اگر می‌توانستند کاری کنند که پیغمبر غیر از قرآن را به خدا نسبت دهد، او را در مقام مفتی قرار میدادند. اما پیغمبر در مقام مفتی قرار نگرفت. اگر آنها در فتنه‌شان موفق می‌شدند و پیغمبر هم در مقام مفتی (به خدا) قرار میگرفت آنها دوست پیغمبر می‌شدند. »

خدا میفرماید: " اگر به تو ثبات نداده بودیم تا حدی به آنها تمایل پیدا می‌کردی."

آیه: " وَاَوْحَيْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُوْلٍ وَاَنْبِيَاۗءٍ اِلَّا اِذَا تَمَنَّی الْقٰی الشَّیْطٰنُ فِیْ اٰمْنٰیهِتِهٖ... "

نیز دلیل بر درستی نظر ماست. خداوند متعال با این آیه از سنست خود درباره پیغمبران خبر میدهد: پیغمبران وقتی سخنی از خداوند نقل می‌کنند شیطان از سوی خود چیزهایی به آن می‌افزاید.

پیغمبر (ص) وقتی قرآن میخواند کلمات را جدا جدا میخواند و در مقاطع آیات مکث می‌کرد. وقتیکه مکثی بین "الکم الذکر وله الاثنی" و "و منات الثالثه الاخری" می‌نماید، شیطان صدای خود را شبیه صدای پیغمبر می‌کند و میگوید: و اینهن الغرانقه العلاء، وان شفاعتهن لترتجی". مشرکین و بعضی اشخاص کم بصیرت و کوردل این سخنان را نیز گفته پیغمبر پندار - شتند و همگی با پیغمبر سر به سجده فرود آوردند. اما آنها ئیکه دارای علم و ایمان اند نباید گفته‌های خداوند و شیطان را با هم مخلوط کنند.

- قاضی عیاض (۱۲۴۹- میلادی = ۵۴۴- هجری):

هیچکدام از روایات مربوط به قصه از طرف مؤلفین احادیث صحیح روایت نشده است. هیچ کدام از آنها متکی به سند متصل و سالم نیست همچنین بین روایات تضاد موجود است. از این جهت قصه از لحاظ نقلی هم درست نیست.

از نظر متن هم نادرست است. اُمت در مورد عصمت پیغمبر (ص) متفقاً لرای هستند و او را از این نوع اشتباهات منزّه می‌دانند.

مدح خداوندگاران بجز خداوند متعال کفر است. پیغمبر از اینگونه چیزها منزّه است و از اینکه با تلقینات شیطان چیزی از جانب خود به قرآن اضافه کند منزّه است. اگر چنین چیزی رخ داده بود، مشرکین و یهود آنها را در هر فرصتی به زبان می‌آوردند و حتی بعضی از مسلمانان که ایمانشان ضعیف بود از اسلام برمی‌گشتند.

قاضی عیاض ضمن تاکید بر نادرستی قصه میگوید: اگر به فرض چنین چیزی هم اتفاق افتاده باشد، آنچه علاوه بر قرآن گفته شده، افزوده شیطان در لحظات مکث پیغمبر در مقاطع آیات بوده است.

- فخرالدین رازی (۱۲۱۰- میلادی = ۶۰۶- هجری):

اهل تحقیق با اتکا به قرآن، سنت و عقل معتقدند که این روایت باطل و ساختگی است.

دلایلی از قرآن کریم

روایت با آیات زیر مغایر است:

" اگر او (محمد ص) با جعل بعضی سخنان بما افترا می‌زد، البته دست

راست (قدرت) او را قطع می‌کردیم، شاه‌رگ او را می‌بریدیم. کسی هم از شما نمیتوانست مانع آن بشود (۲۰).

" بگو تغییر و تعویض آن (قرآن) از طرف من غیر ممکن است. فقط به آنچه به من وحی میشود تابع هستم (۲۱). (سوره یونس)
" او از روی هوا و هوس سخن نمی‌گوید. (سخن او) جز وحی منسزل نیست (۲۲). " (سوره نجم)

- دلایلی از سنت :

از محمد بن اسحاق ابن خزیمه دربارهٔ قصه سؤال شد و او گفته است :
" این قصه از طرف زنادقه جعل شده " و کتابی در این موضوع تألیف کرده است .

بیهقی نیز گفته است : این قصه از لحاظ نقل ثابت نیست ، راویان قصه نیز مورد اعتماد نیستند .

بخاری در " صحیح " خود می‌نویسد : پیغمبر سورهٔ نجم را خواند و مسلمین و مشرکین ، انسانها و جن ها سجده کردند ولی از قصهٔ غرانیق چیزی نمی‌گوید .

- دلایل عقلی سرافسانه بودن این داستان را نیز میتوان چنین خلاصه کرد :

کسی که قصه غرانیق را به پیغمبر نسبت بدهد مرتکب کفر شده است زیرا بطور قطع و یقین میدانیم که تلاش عمدهٔ پیغمبر در رد بت ها و بت پرستی بوده است .

از آنچه گفته شد بطور خلاصه چنین برمیآید قصهٔ غرانیق جعلی و ساختگی است .

رازی بعداً " علاوه می‌کند که در مورد پیغمبر (ص) حتی سهواً هم امکان ندارد چیزی را از قرآن حذف و یا به آن اضافه کند ، و نیز ممکن نیست در موقع قرائت آیات و مکشهای پیغمبر شیطان و یا دیگری چیزی مانند قصهٔ غرانیق را به آن بیفزاید .

- محمد عبده (۱۹۰۵ - میلادی = ۱۳۲۳ . هجری) :

معتقد است که روایت ساختگی است .

از محدثین معاصر ناصرالدین الالبانی در مورد قصه اثر مستقلی نوشته (نصب المجانیق لنبث قصة الغرانیق. شام ۱۹۴۹) و در این اثر چگونگی جعل این قصه را شرح میدهد .

شرقشناسان برای اینکه نبوت حضرت محمد (ص) و کلام الله بودن قرآن را زیر سؤال ببرند، قصه غرانیق را دامن زده اند. در پاسخ به آنان مقالات بسیاری درباره قصه غرانیق در دنیای اسلام نوشته شده است. دوران اخیر بسیاری از کسانی که به شرح زندگانی پیغمبر (ص) پرداخته اند با این مسئله برخورد نموده اند. در این مورد میتوانیم مقاله استادمان اسماعیل جعفری و غلوه تحت عنوان "استثمارگران مسئله غرانیق" را نام ببریم.

بعد از انتشار کتاب آیات شیطان (The Satanic Verses)، (۳۹) و (۳۸) که به قصد تخطئه رسول الله و معرفی آن حضرت - العیاذ باللله - به عنوان فریبکار و مبتلا به جنون شهوت!!، بر تعداد این گونه مقالات متقابل افزوده شده است.

نخستین آنها اثر علی بن حسن بن علی بن عبدالحمید الحلبی الاثری بنام: "دلایل للتحقیق الابطال قصة الغرانیق روایتا" و دریایتا" می باشد (۴۰). در این کتاب ۲۵۰ صفحه ای ضمن بررسی روایات قصه به این نتیجه رسیده است:

الف: قصه باطل بوده و پایه و مبنای درستی ندارد. با عقاید اسلامی، قواعد دینی، آیات و روایات صحیح مغایرت دارد. بنا بر این مردود است. ب: سند صحیح ندارد.

ج: متن های مختلف آن همگی پریشان و متضاد است

د: آنچه در بعضی روایات آمده، روایات دیگر را تکذیب میکند.

ه: چنین قصه ای نمیتواند قابل قبول باشد.

اثر دوم از آن حسین خاتمی (پرفسور ایرانی مقیم ترکیه) است بنام "روایات شیطان". مؤلف، کتاب سلمان رشدی را و انعکاس آن وجهه گیری و جانبداری مستشرقین و خود قصه غرانیق را دقیقاً بررسی کرده و معمول بودن قصه را شرح داده است.

در اینجا قصه غرانیق را از نظر سند و متن بررسی میکنیم:

از لحاظ سند: با آنکه قصه از طرق مختلف روایت شده ولی در میان روایات حتی یکی هم دارای سند صحیح و متصل نیست. اغلب راویان آن متهم به دروغگوئی بوده. و یا مورد اعتماد نیستند. از علمایی که قصه را از نظر اسناد روایات بررسی کرده اند بجز ابن حجر عسقلانی (شارح بخاری)، (۱۴۴۹- میلادی = ۸۵۲- هجری) کسی آنرا

قبول نکرده است، نظر ابن حجر هم چنین است: بجز روایت سعیدبن جبیر همه روایات در این باره ضعیف و یا منقطع اند. ابن حجر اشاره به متعدد بودن روایات درباره قصه می‌نماید ولی زیادی روایات همیشه نمیتواند دلیل صحت قضیه باشد. بویژه کسه در این جا اغلب آنها روایات مرسل و ضعیف بوده اند.

ارزش روایات مرسل:

روایت مرسل حدیثی است که در سند روایت آن نام راوی ن ذکر نشده باشد (۴۲) مثل نقل حدیثی از رسول الله بوسیله تابعین. در سنت همه صحابه عادل تلقی میشوند ولی نقل قول تابعین بدون ذکر منبع مورد قبول قرار نگرفته است. بنابراین احادیث جزو حدیث های ضعیف پذیرفته شده و نمیتوانند بعنوان حجت بکار روند. ابن صلاح در این خصوص می‌نویسد در این امر همه محدثین اتفاق نظر دارند (۴۴).

از شرایط پذیرفته شدن روایت مرسل آنستکه مغایر حدیث و یا روایت مستند و قابل اعتماد نباشد. قصه غرانیق نه تنها مغایر احادیث نبوی بلکه مغایر قرآن است.

- از نظر متن: در اسلام نقد متون روایات به قدر کافی صورت نگرفته است بنظر ما وقت آن فرارسیده که متن این روایات از طرف اهل فن مورد بررسی و نقد قرار بگیرد، زیرا روایات اگر هم متکی به سند صحیح بوده باشند همیشه برای قبول کافی نخواهند بود. باید متن روایت نیز نقد و بررسی شده باشد.

بهترین معیار برای نقد متن یک روایت قرآن کریم است. حتی روایت متکی به سند صحیح هم اگر با قرآن در تضاد باشد نمیتواند حجت قرار گیرد. در این صورت روایات مرسل (ضعیف) مانند قصه غرانیق که با متن و روح قرآن مغایر است چگونه میتواند حجت به شمار آید.

قصه غرانیق و تضاد آن با قرآن:

از آنچه فوقاً از آیات نقل شد معلوم میشود روایات آیات مذکور مغایر یکدیگرند. زیرا مفهوم آیات فوق الذکر نشان میدهد که حادثه غرانیق واقع نشده است. یعنی: "نزدیک بوده واقع شود ولی خداوند به پیغمبر شبات داده تا او دچار فتنه شیطان

نشود و کلامی غیر از وحی الهی نگوید." از مفسرینی که در عین حال زبان‌شناس بوده‌اند، مانند زمخشری (وفات ۱۱۴۴- میلادی = ۵۳۸ هجری) آیه را چنین معنی کرده‌اند: "اگر ما به تو ثبات ندها بودیم، قدری به به آنها تمایل پیدا میکردی". شیطان قادر نیست میان خداوند و پیغمبر او مداخله کند، خداوند در این باره چنین می‌فرماید: "و ما تنزلت به الشیاطین و ما ینبغی لهم و ما یتطیعون، انهم عن السمع المعز ولون (۶۲)". آن (قرآن) را شیطان نازل نکرد، این در حد و توان آنها نیست، بدون شک آنها از شنیدن وحی دور نگهداری شده‌اند."

در جائیکه شیاطین از شنیدن وحی دور نگهداری شده‌اند چگونه می‌توانند سخنی را به آن مخلوط کنند؟ شیاطین فقط می‌توانند بسینه گناهکاران دروغگو و مفتریان تلقین کنند، نه به انبیاء (ع).

خداوند متعال ضمن مخالفت پیغمبر (ص) از هر خطا و لغزشی، کتاب خود را نیز از اباطیل حفظ کرده است: "لَا یاتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید." "باطل را از هیچ سو بدان راهی نیست"

قصهٔ غرانیق و سورهٔ نجم:

سورهٔ نجم با شرح حادثهٔ معراج وارد موضوع میشود، بعد از پرستش بت‌ها بوسیلهٔ بت‌پرستان بحث شده و تاکید میشود که غیر از خداوند نباید کسی و یا چیزی را عبادت کرد و همچنین میگوید کسانی که با پیغمبر مخالفت کنند عاقبت دچار خسران خواهند شد. با چنین مقدمه‌ای، مدح بت‌ها چه معنی میتواند داشته باشد؟ به عبارت دیگر زمینه‌ای برای چنین مسئله‌ای وجود نداشته است، و آنکه آیات مربوط به بتها در سورهٔ نجم آمده در حالیکه آیه‌ای که برای تسلی پیغمبر نازل شده در سورهٔ حج است. سورهٔ حج هم مدنی است و بنا بر این سن حداقل ۸ سال با سورهٔ نجم فاصلهٔ زمانی دارد؛ این تضاد چگونه قابل حل است؟ همچنین در روایات نقل شده آیه‌ای که در آن از سه بت لات، منات و عزا صحبت شده و بر حسب آن روایات به مسئلهٔ غرانیق اشاره شده چهارده نقل مختلف (واریانت) دارد، یعنی این قسمت اضافه شده به ۱۴ شکل مختلف آمده است؛

تِلْكَ اِذْ نَفَخْنَا فِي السَّمَاءِ اِذْ اُنزِلَتْ اَنْبُيَاةٌ مِنْ رَبِّكَ اَنْ يَنْبِئُوا قَوْمَهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ. تِلْكَ اِذْ نَفَخْنَا فِي السَّمَاءِ اِذْ اُنزِلَتْ اَنْبُيَاةٌ مِنْ رَبِّكَ اَنْ يَنْبِئُوا قَوْمَهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ.

تلك الفرانيق العلي، و ان شفاعتهن لترجي،
 تلك الفرانيق العلي، منها الشفاعة لترجي،
 تلك الفرانيق العلي و شفاعتهن ترتضي، و مثلهن لاينسي،
 تلك الفرانيق العلي و شفاعتهن لترجي، مثلهن لاينبس .
 انهن الفرانيق العلي،
 و انهن لهن الفرانيق العلي، و ان شفاعتهن لهن التي ترتجي،
 ان شفاعتهن ترتجي،

و هي الفرانيق العلي ، شفاعتهن لترجي،
 ان شفاعتهن لترتجي و انها لمعي الفرانيق العلي،
 و انهن لمن الفرانيق العلي، و ان شفاعتهن لترتجي،
 انما هي عندكم كالفرانيق العلي و ان شفاعتهن لترتجي.

بنا بر بعضی روایات کسی که بتها را می‌ستاید خود پیغمبر است،
 در بعضی از آنها گفته شده که پیغمبر در حال خواب اینها را به
 زبان آورده، در برخی دیگر پیغمبر سهواً آنها را گفته است و در پاره—
 ای دیگر گفته شده آنچه در ذهن پیغمبر بوده، به زبان اش جاری شده
 است. در روایت دیگر آمده است، که پیغمبر از زبان مشرکین به آنها
 گفته است که شما چنین پندارید که ...

در روایات دیگر آمده که پیغمبر در حال تلاوت قرآن بود که شیطان
 این سخنان را گفته و حاضرین گمان کرده‌اند که پیغمبر آنها را
 میگوید. در بعضی روایات گفته شده که پیغمبر در حال نماز سوره نجم
 را خواند و کلمات علاوه شده را در آن اثناء گفت، در بعضی دیگر اشاره
 شده که وقتی با مشرکین صحبت می‌کرد به زبان آورد، در روایت دیگر
 پیغمبر دور از مشرکین بوده و اسامی بتها را با خود زمزمه
 می‌کرد که مشرکین وقتی نام بتها را شنیدند اطراف پیغمبر جمع
 شدند آن وقت پیغمبر برای آنها سخنان علاوه شده را بازگو کرد. ...
 ... و این همه تضاد و اختلاف در نقل، خود دلیل دیگری بر ساختگی
 بودن این افسانه است .

— ارزیابی قصه از نظر اعتقادات اسلامی:

میدانیم که قرآن بتدریج نازل شده است. یکی از علل این امر تطبیق
 آن با زندگی روزمره بوده است. پیغمبران ضمن انجام رسالت خود از

طرف مردم مورد اعتماد قرار گرفته و همچنین از طرف خداوند محافظت شده‌اند و علت موفقیت آنها هم همین بوده‌است. اگر از زبان پیغمبر سخنی مغایر گفته‌های قبلی بویژه در مورد وحی الهی شنیده می‌شد اعتماد مردم از او سلب می‌گردید.

با فرض قبول قصه‌ی غرانیق هم پیغمبر اسلام متهم به کفر می‌شود؛ هم قرآن کریم با باطل مخلوط می‌گردد. که البته این هر دو مغایر اعتقادات اسلامی است.

از دیدگاه تفسیر:

و اما تفسیر آیه‌ای که گویا بعد از قصه‌ی غرانیق برای تسلی پیغمبر (ص) آمده‌است یعنی: "وما ارسلنا من قبلك من رسول ولا نبی الا اذا تمنى القی الشیطان فی اُمْنِیَّتِه فینسخ الله ما یلقى الشیطان ثم یحکم الله آیاته واللہ علیم حکیم". (سوره حج ۵۲)

"ما قبل از تو هیچ پیغمبر و نبی ای نفرستادیم که آن رسول و یا نبی وقتی چیزی را تمنا می‌کرد شیطان در تمنای او چیزی مخلوط نکند. خداوند القاء شیطان را باطل می‌کند و بعد آیات خود را مستحکم می‌سازد. خداوند عالم و حکیم است. (۴۳)".

کلمه "اُمْنِیَّه" که در آیه فوق آمده‌است سه نوع معنی کرده و نسبت به آن تفسیرهای متفاوت و مختلفی از آیه داده‌اند: تلاوت، سخن گفتن و تمنا. مفسرینی که اُمْنِیَّه را به معنای قرائت و یا صحبت پذیرفته‌اند قصه‌ی غرانیق را قبول دارند، فقط عده‌ای از آنها کلمات خارج از قرآن را به پیغمبر و عده‌ای هم به شیطان نسبت می‌دهند ولی می‌گویند حاضرین خیال کردند از زبان پیغمبر (ص) جاری شده‌است.

معنی سوم اُمْنِیَّه، تمنا است که با معنی لغوی آن نیز مطابقت دارد. به نظر ما کلمه اُمْنِیَّه به همین معنی بکار رفته‌است، به علاوه دلیل قاطعی برای به کارگیری کلمه در غیر معنی لغوی آن موجود نیست. زمخشری معتقد است که کلمه به معنی تمنا به کار رفته‌است. ابن عباس هم در تفسیر کلمه اُمْنِیَّه می‌نویسد: آرزو و تمنای هر پیغمبری اسلام آوردن امت او است (۸۲) و بعد او نیز این کلمه را تمنا معنی می‌کند. در آیات دیگر قرآن نیز این کلمه به همین معنی آمده است. در آیات تیکه قبل از غرانیق نازل شده تذکراتی مشابه به پیغمبر (ص) داده شده است (سوره حج، ۴۴، ۴۵).

اما اگر اُمْنیه را به معنی خواندن و قرائت هم معنی کنیم باز معنی آیه چنین خواهد بود: " پیغمبر وقتیکه در حال خواندن وحی نازل شده از طرف خداوند بود، شیطان برای مخلوط کردن وحی و یا تلقین علیه آن، وسوسه‌هایی می‌کند تا پیغمبر را مشغول کند و نگذارد وحی منبزل را حفظ کرده و بی‌کم و کاست برای مردم تبلیغ نماید ولی خداوند وسوسه‌های شیطان را باطل و بی‌اثر می‌سازد تا بتواند وحی را آنچنان که نازل شده، همانگونه به مردم تبلیغ نماید.

در مورد بازگشت مهاجرین مسلمان از حبشه به مکه دو علت رامی - توان ذکر نمود (۸۸):

۱- خلیفه دوم مدت کوتاهی بعد از مهاجرت مسلمانان به حبشه اسلام آورد با اسلام آوردن او مسلمانان مدتی امنیت بیشتری احساس کردند و بطور آشکار عبادت در کعبه را آغاز کردند. قریشیان نیز از ترس جنگ داخلی، از فشار خود به مسلمانان کاستند. در این میان بر تعداد مسلمانان نیز افزوده شد. این اخبار وقتی به مسلمانان حبشه رسید اشتیاق آنان را برای بازگشت به مکه افزونتر ساخت.

۲- در همان زمان در حبشه بر علیه نجاشی شورش برپا شد. علت عمده شورش مردم تسامحی بود که نجاشی در حق مسلمانان نشان میداد. لذا در بازگشت مسلمانان به مکه دو عامل فوق دخالت داشتند و ربطی بسه افسانه غرانیق ندارد.

نیتجه:

روایات مربوط به پیغمبر هر دینی مهمترین آنها محسوب میشود. زیرا خدشه‌دار کردن سیمای پیغمبر خود دین را خدشه‌دار می‌کند.

اصرار مستشرقین در تکیه بر قصه غرانیق و بحث و گفتگو درباره آن در هر فرصت مناسبی در همین راستاست...

متأسفانه قصه غرانیق به دلایلی، اشتباهات از طرف بعضی از علمای مسلمان نیز پذیرفته شده است. در حالیکه روایت نه از نظر سند و نه از نظر متن قابل قبول نیست.

روایات قصه از زمره روایات مرسل بوده و بنابراین جزو احادیث ضعیف به‌شمار می‌رود و به عقیده محدثین از نظر دینی نمیتواند حجت قرار بگیرد.

و اما اگر روایت بر سند صحیح هم متکی بود به علت تضاد با مفاد

قرآن باز بی‌ارزش بود چون در تضاد روایت و قرآن قطعاً روایت ارزشی نخواهد داشت. بعلاوه از نظر عدم حفظ امانت الهی از طرف پیغمبر نیز با عقاید اسلامی سازگاری ندارد.

بنابه روایات فوق‌الذکر حادثه بعد از مهاجرت مسلمانان به حبشه اتفاق افتاده و بعد از رسیدن خبر به حبشه مسلمانان به مکه مراجعت نموده‌اند. از طرفی مهاجرت مسلمانان به حبشه در سال پنجم بعثت اتفاق افتاده است ولی آیه تسلی که بنا به روایات فوق بعد از این حادثه برای رفع ناراحتی پیغمبر (ص) نازل شده در سوره حج میباشد و سوره حج در مدینه نازل شده و در بین آنها حداقل ۸ سال فاصله زمانی موجود است که اینهم یکی دیگر از تضادهایی است که جا علیین این افسانه قادر به حل آن نیستند.

در آیه تسلی یک قاعده و سنت عمومی از طرف خداوند به آگاهی پیغمبر میرسد: "آرزو و تمنای هر پیغمبری نشان دادن راه حق به مردم و گرویدن مردم به اوست. پیغمبران نهایت سعی خود را در این راستا می‌نمایند ولی شیطان همیشه در حال معارضه و مبارزه است و لذا در اول کار پیغمبران از طرف قوم خود تکذیب میشوند و مورد تهمت و آزار قرار می‌گیرند ولی در آخر کار پیغمبران پیروز می‌شوند و کوشش و تلاش شیطان بی‌فایده بوده و به هدر می‌رود. و معنای آیه تسلی جز این نیست.

بنابراین قصه غرانیق با آنکه از طرف برخی از محدثین اسلامی پذیرفته شده است به علت این که از طریق روایات مرسل و متضاد نقل شده و با قرآن کریم در تضاد است ارزشی ندارد.

۴۰۴ دانشیار دانشکده الهیات

منابع و مراجع : ۲۴- جی صحیفه ده

DİPNOTLAR

1. Bkz. Karen Armstrong, *Muhammed* (A Western Attempt To Understand Islam) London 1991, s. 111.
2. Garamik Mesalesinin İsmarcıları: *A. C. İlahiyat Fakültesi Dergisi* c. XXV, Ankara 1981, s. 69-91.
3. Bkz. Prof. Dr. Hüseyin Hatemi *Şeytan Rivayetleri* (İstanbul 1989).
4. Hac süresi 22:52 "Lâ ilâh illâ Allâhu ve Muhammedün rasûlühü" olan *Menâz ilâ gümâz mûâ*.
5. "Kâfirler yâ nice hatalarınız ve sefaletleri mülâkâ umulur".
6. İbrâ süresi 17:73-75.
7. Kur'anla ilgili rivayetler için bk. Taberî, *Câmiu'l-Beyân an Te'vîli'l-Kur'ân* Beyrut 1988 XVII: 186-190 *Tarbu'u'l-İnâm ve'l-Mulâkâ* —Da n. Süveydî— Beyrut tahzîz II: 339-341 Süvîdî *ed-Durrü'l-Mensûr* Tahran tahzîz IV: 366-368.
8. Bkz. *Câmiu'l-Beyân an Te'vîli'l-Kur'ân* Beyrut 1988 XVII: 166-187.
9. Bkz. *Madîmu'l-Tenzîl*, Beyrut 1987 III: 293-294.
10. Bkz. *el-Keşf an Habîlîk Gâidimîdî-Tenzîl* Beyrut-tahzîz III: 164-165.
11. *Mecmûa Fehristü Şeybi'l-İlm* —Çev. ve tef. Abdurrahman b. Muhammed— baskı yen ve tarih yok X: 291-292.
12. İbn Hacer el-Askalânî *Ferbu'l-Bâri*, el-Matba'atu's-Selâfiyye VIII: 439.
13. *Abdümü'l-Kur'ân*, Beyrut-tahzîz II: 346.
14. *Lâidü'l-İğdrâ*, Misir-1981, II: 554.
15. *ed-Durrü'l-Mensûr* Tahran-tahzîz IV: 366-368.
16. Ebbâbu'n-Nuzûl, Misir-1968, s. 177-178.
17. İbrâ süresi, 17:73. Âyetin anlamı: "Az dâba onlar seni sana vahyettiğimizden ayrılarak ondan bahışını ilâze ifira emen için fitneye dâ girerlerdir".
18. *Abdümü'l-Kur'ân*, Misir-1958, III: 1287-1291.
19. Ali el-Karî, *Serhu's-Sijâ*, Beyrut tahzîz, II: 224-235.
20. Hâkkâ süresi 69:44-47.
21. Yûnus süresi 10:15.
22. Necm süresi 53:3.
23. İbrâ süresi 17:73.
24. İbrâ süresi 17:74.
25. Furkan süresi, 25:32.
26. Âlî süresi, 87:6.
27. Rivayetleri bir kısmına göre Peygamber (s.a.v.) namaz kılarken Necm süresini okuma ve namazda müşki ileni putlarını ovuştur. Bir kumara göre ise, müşki ileni meclisinde sohbet ederken Necm süresini okumay ve bu sırada müşki ileni putlarını ovuştur. Kâzî bu makûleye bu iki durumdan da mümkün olduğunu anlamaktadır.
28. Mâide süresi, 5:67.
29. *et-Tefsîru'l-Kebîr* İkinci baskı, Tahran tahzîz XXIII: 541-52.

قال ابن عباس في رواة عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم: إذا حدث قلبك الشيطان في حديثه، فيبطل الله ما بقى الشيطان ويحكم الله آياته، وقال: وإنيته وقراءته.

30. (Buhârî *Kütübü'l-Tefsîr* Hac süresi).
31. "Asâdirü'l-Müskilâtin nakken Ali b. Hasan el Halebî *Delâilü'l-Zabâhîl il-Bâdîlî Kussânîl Garâibü'l-Câide*-1992 s. 195-202.
32. Râfî XXIII: 50.
33. Aksekihinün bu eserin, M. Havri Kirbağoğlu sadeleştirerek *"İlmü'l-Arşîrîmâlar"* dergisinde cilt 6 sayı 2 1992'den itibaren yayımlanmaya başlamıştır.
34. *A. C. İlahiyat Fakültesi Dergisi* c. XXV, Ankara-1981 s. 69-91.
35. Bkz. *Tarbu'hu'nca Te'vîlî Müvâzîfî ve Hz. Peygamberin Husn-ı Cev* Ahmed Asar—İstanbul 1992 III: 246-256.
36. Bkz. *Muhammedîlî Kesîlülâh*, İsmâkî-1985 II: 30-153.
37. Bkz. *es-Sîretü'n-Nebaviyye* Rivâd 1992 s. 199-205.
38. Karen Armstrong a.g.e. s. 111.
39. *Seytan Avımları*.
40. Faer Câide de 1992 yılında basılmıştır.
41. İbn Hacer el-Askalânî *Ferbu'l-Bâri* el-Matba'atu's-Selâfiyye VIII: 439.
42. Talat Koçyiğit, *Hadis İncihânı* Ankara 1980 s. 291. "Selahattin Polat *Müsel Hazâret ve Delîlî Ölmü Yomâdîlî Degeri* Ankara-1985, s. 51.
43. Hâfî el-Bâğdâdî, *et-Keşf ü'l-İlmü ve Rivâye* Medine-tahzîz s. 387.
44. İbnü'l-Salâh *Muhaddîme* Halep-1966 s. 100.
45. Şâfi *Rûâie* Beyrut-tahzîz s. 462.
46. *Ferbu'l-Bâri* VIII: 439.
47. Alıyyü'l-Kârî *Serhu's-Sijâ* II: 228.
48. İbn Kesîr *Tefsîrü'l-Kur'ân il-Âzîm* Kahire-tahzîz IV: 438-439.
49. Şeykânî, *Ferbu'l-Kâidî* III: 462.
50. Bkz. İbn Seyyidî'n-Nâs *Yâhu'u'l-Eser* —(Darü'l-Ma rifet—, Beyrut-tahzîz II: 121.
51. Hz. Âşe'nin üstadlarına dair musakâle eserler de yazılmıştır (bk. M.

52. Hâkkâ süresi 69:44-47.
53. Hâkkâ süresi 69:44-47.
54. İbrâ süresi 17:73.
55. İbrâ süresi 17:73.
56. Taberî XVII: 367. Süvîdî *ed-Durrü'l-Mensûr* IV: 367.
57. İbrâ süresi 17:73.
58. Fîrî Hâşşân *et-Tefsîrü'l-Munîr* Rivâd-tahzîz VI: 65.
59. *İşlâhu'l-Ahli's-Selîm* Kahire tahzîz V: 188.
60. İbrâ süresi 17:42.
61. Nahl süresi 16:99-100.
62. Nahl süresi 26:210-212.
63. Bkz. Sâfî süresi 26:223-222.
64. Fussat süresi 41:42.
65. Necm süresi 53:14.
66. Necm süresi 53:26.
67. Necm süresi 53:26.
68. Kur'anla ilgili rivayetleri çoğu Kur'an ilâze edilen Peygamber tarafından rivayet edildiği ileri sürmektedir. Nenek vâkıfı ile en kuvvetli rivayetler bu yöndedir. Ancak kıssay kabul eden âlimlerin çoğu bu sözleri şeytan tarafından rivayetlendiği ileri sürmektedir. Bazı âlimler rivayetleri sahih olmasa lâzımdığından bu sözleri şeytan tarafından rivayetlendiği söylemektedir. İbâzî, Kâzî İbn Arâfî, *Abdümü'l-Kur'ân* III: 1291. Kâzî Hâfî *Serhu's-Sijâ il-Alıyyü'l-Kârî* II: 235. Bazıları da direkt olarak bu görüşü ileri sürmektedir. Bu âlimlere göre Peygamber (s.a.v.) Kur'an okuduğunda âyet-i şerihâ ile beraber okunmuş. İşte bu arada kemeler arasında şeytan Peygamber'in ses tonunu taklit ederek bu sözün selâmını ve mülahazatı ilâze eden Peygamber tarafından rivayetlendiği zannettimştir. Küşeyrî *Tefsîrü'l-İğdrâ* Misir 1982, II: 554. Cevâz *Abdümü'l-Kur'ân* Beyrut tahzîz III: 346. Muhammed Hamedullah *İlmü'l-Peygamber* —Çev. M. Saîd Mütlü— İstanbul 1972 I: 87-89.
69. Üstler bu görüşü ileri sürerler. Peygamberin (s.a.v.) bu sözleri söylemesini Peygamber'in masumiyetini bağdaştırmamalarıdır. Bu görüşünde de haklıdır. Ancak dikkatle derin tahlilinin bu sözleri Peygamber tarafından rivayetlendiği zannettimlerin aynı sonucu doğurmaz mı? Mârifet Kâzî'nin de belirttiği gibi böyle bir durum da Peygamber'in vahiy diye tebliğ ettiği hükümlerle görevi sırası *et-Tefsîrü'l-Kebîr* XXIII: 52. Hen oradakilere hepzi şeytanın bu sözleri, doğru söz da Peygamber'in kendisi için duyurması? Duydusya için bu onunla hemen oradaki vahiy olmuştur?
70. Herveyden önce Kur'anla ilgili rivayetler sahih ve müstahab bir sende rivayet edilmiş değildir. Nâfîh olmaları varsayımından hareketle bir takım çıkış yolları aramaya gerek yoktur.
71. İbn Seyyidî'n-Nâs *Yâhu'u'l-Eser* —(Darü'l-Ma rifet— tahzîz I: 121).
72. *Tarbu'hu'nca Te'vîlî Müvâzîfî ve Hz. Peygamberin Husn-ı Cev* Ahmed Asar—İstanbul 1992 III: 246-256.
73. Hac süresi 22:52.
74. Bakara süresi 2:79.
75. İbâzî Râfî XIII: 51.
76. Küşeyrî el-İstisnâî Beyrut tahzîz s. 476.
77. Bulantî *Kütübü'l-Tefsîr* Hac süresi.
78. Bkz. Taberî XXIII: 190.
79. İbn Fârûs *Mu'cemü'l-Muhayyîlî İşlâhu* Misir-1972, s. 276.
80. Zümrah s. 1157.
81. Mesal olarak İbâzî Kâsûs süresi 28:82. Âlî İmrân süresi s. 143. Nisâ süresi 4:32-123. Cümâ süresi 62:7. Bakara süresi 2:96.
82. Süvîdî *ed-Durrü'l-Mensûr* IV: 346.
83. Yûsuf süresi 12:103.
84. Keht süresi 18:6.
85. Fâur süresi 35:8.
86. Hac süresi 22:82-84.
87. Hac süresi 22:82-85.
88. Muhammed Hüseyin Hevâzî *Havâru Muhammed* Kahire 1354 h. s. 126. Muhammed İ. Muhammed Ebu'l-Hevâzî *et-Tefsîrü'l-Nebaviyye*, I: 351.

○ دوكتور جوادهيئت دن جمهوررئيسي سليمان دميراله مكتوب☆

(۱)

مکتوب استانبول تورکجه سيله يازيلميشدير. يورادا مکتوبون آذرى -
لشديريلميش متننى درج ائديرىک .

يارب بو قارانلىق گئجه نين بوخ مو ما با حى
نور ايسته ييرىک سن بيزه يانقبن مى وئيررسن
م . عا کف

سابقين سليمان دميرل حضرتلرى !
تورکيه جمهور رئيسي

سيزى بو مشغول گونلرينيزده ناراحات ائتديگيم اوچون عذر ديله -
ييرم . بو جاسارتى، سيزى ۵۰ ايلدن برى ، يعنى طلبه ليک زامانيميزدان
تانيدىغيمدان و سيزده انساني ، ملي و دينى دويغولارين گوجلـو
اولدوغونو بيلديگيمدن و عيىنى زاماندا تجربه لى و بصيرتلى بيـر
دؤلت رئيسى اولدوغونوزدان آليرام .

مسلمان آذرى قارداشلاريميزين فاجعه لى و ضعيتينى و تاريخـى
دوشمنلرى آراسيندا يالقيز ، کيمسه سيز قالدیقلارينى آجيخلاماغي لازم
گؤرموره م . بوسنى ده دين داشلاريميزا ائديلن صرب - کروات ظولـم و
تجاووزونه اوره گيميز سيزلارکن ، اوزاقدا اولدوغوموز اوچون تـأثيرلى
بیر يارديم ائده بيلمه ديگيميزدن وجدان عذابى چکيريک . بونـون
آجيسينى دويارکن ، لاپ يانيميزدا و گؤزوموزون اؤنونده آذرى قارـ
داشلاريميزين داها آجى وداها قورخونج فلاکتينه شاهيد اولوروق . بو
گون آرازين قوزئيينده کى دینداش و سوي داشلاريميز يعنى قارداشلارـ
يميز ، تاريخده از راستلاشديغيميز بير فاجعه و سوي قيريمينا (قتل
عام) معروض قالميشلار . هم ده بؤيوک بير ملت ويا گوجلـو بير دؤلت
طرفيندن دشپيل ، بوتون تاريخ بويو حمايه ميز آلتيندا ياشايـان و
۱- مکتوبون بير نسخه سى ايران و اسلام جمهوريسى خارجى ايشلر وزيرى
جناب دوكتور ولايتى به گؤندريلميشدير .

عدالتیمیز سایه سینده بوتون انسانی حقلردن فایدا لانا ن ارمنیانر طرفیندن ! طبیعی دیر کی، اولارین بئله بیر آزعینلیق و جنایتسه تشوٹ و جسارت گؤسترمه لرینه سبب بوتون مسلمانلارین علی الخصوص تورکلرین دوشمنلری اولان سو گونکو بؤیوک دؤلتلرین دستک لری و یاردیملاری اولموشدور. فقط، سبب نه اولورسا اولسون، دوروم میداندا دیر. ارمنیلر ان مدرن سیلاحلارلا آذری قارداشلاریمیزین وطنینه هجوم ائدی، انسانلاری، سؤوک - کیچیک، قادین - کیشی دئمه دن فحیصع شکیلده اؤلدورور، اولوربی، یوردلارینی داغیدیب تالان ائدیبر و ایلدن سری داوام ائدن بو تحاوز و قتل عاملار سون زامانلاردا دها دا شدتلنمشدر.

بو دوروم قارشیسیندا بوتون دونیا افکار عمومبسی سوسور و بیرلشمیش ملتلر تشکیلاتی اؤزونو بیلمه مزلیگه وورورب. انسان حقلرینسی قورویانلار دا هئح بیر اعتراض ائتمیرلر. دونیا نین یئنی دؤزه نینده اؤزونو گوجلو گؤره ن و اؤزونو دموکراسی یارادبجیسی ومدافعه جیسی کیمی گؤسترن و ایسته دیگنی هر یئرده، ایسته دیگی شکیلده یئرینه سئتیره بیلن آمریکا دا ارمنی لوسیلربنین تأشیری آلتبندا دیر و تجاوزکار ارمنیلره یاردیم ائتمکده دیر و تاریخده کی صلیب ساواشلاری یئنی دن جانلاندیرما قدا دیر. (رسمی قایناقلاردان گلن خبرلره گؤره ارمنیلر آذربایجانین قوزئی قیسمی قازاق گنجه یه هجوم ائتمه یسه حاضرانیر و یاخین دا گنجه یه هجوم ائتمک نیتینده دیرلر.)

بئله بیر دوروم قارشیسیندا مسلمان دونباسی نین، تورکلرین، تورکیه و ایران اسلام جمهوریتینین و اولوسلاریمیزین وظیفه و مسئولیت لری نه اولابیر؟

سو مظلوم، سیلاحسیز، اوردوسوز و اسارتدن یئنیجه جیخمیش قاردا - شلاریمیزی یالقیزمی بورا خمالی ییق؟ ارمنی - داشناک اوردوسونون اولارین بوردلارینا حیا سیز جاسینا تجاوزونا، قادین و کیشیلرینی، قوفا و اوشاقلارینی آجما دان اؤلدورمه لرینه تماشاچی می قالا جاعیق؟ بو، سیزلرین شرفیمیزه، تورکلویه و مسلمانلیغا، نهایت انسالیف سا یاراشارمی؟ سو، سببیم شانلی تاریخیمیزه سیغارمی؟

آدیغیمیز خسره گؤره افغانی مسلمانلاردان ۲۵۰۰ یوز نفر ارمنیلره قارشى ساواشماق اوچون آذربایجانا گئتمیشلر. سو گؤزه ل و اومود

وئریجی حادشه قلیمیمیزه اومود ایشیغی ساجدیغی حالدا اوزونتوموزو ده آرتیرماقدادیر. چونکی بو گونه قدهر بیزلردن کونوللو ده اولسا کیمسه قارداشلاریمیزین دویوش جیهه لرینه گئده بیلمه میشدیر .

عجبا بیزلر آذریلره افغانلیلاردان اوزاق می بیق؟ یا خود داهسا مدنی لشدیگیمیز اوجون مو بئله سویوق قانلی اولدوق ؟

سایین جمهور رئیسی ، لطفاً " منی عفو ائدین بو سطیرلری گـئـؤـز یا شلاریمین قاباغین آلا بیلمه دن یازیرام . و بو آندا آلاهی تعالی دان خلقیمیزه قورتولوش ، یا دا اؤزومه اولوم ایسته بیرم . " المـسـوت خیر من رکوع بالعاری " (اولوم ذلت جکمکن یا خشی دیر) ، (امام حسین (ع) عاشورا گونو کربلا میدانیندا شهید اولما زدان قاباق سؤیله دیگی جومله لردن) .

بیز تاریخ بویو عزت و شرفله یا شادیق و زامانی گلدیکده اولومو ذلته ترجیح وئردیک . اونا گوره ده من بو گونلریمیزی خلقیمیز اوجون یا شاق سایمیرام .

بو گون منیم الیمده کی قلمـ کاغذ و قورو نفسیمدن باشقا بییر شئییم یوخدور . اونلاری دا مظلوم خلقیمیزین یولوندا سئوهـ سئوه وئرمگه راضیام . فقط بیلیرم کی ، بو گون خلقیمین قلمدن چوخ سونگوبه (سرنیزه) احتیاجی واردیر

آلتین قلم صاحبی آت سیز موسولینییه خطابا" یازدیغی شعرینی :

قلم فیرچا نه دیر برر اویونچاق

شاه اثرلر سونگولرله یازیلیر آنچاق !

سانکی بیزیم بو گونوموز اوجون سؤیله میشدیر .

بئله بیر دورومدا ایسترـ ایسته مز بو سؤاللار قارشیسیندا قالیرام عجبا ، بو گون بیزده بیر صلاح الدین ایوبی یوخ مو؟ بیز سلجوقلولارین اولادلاری دئییلیک می؟ عجبا نوری پاشا ، علی احسان پاشا و انور پاشا لارین نسلی قوروموش مو؟

بیلدیگینیز کیمی ، ۱۹۱۸ـ جی ایلده تزاریست قوشونو تورکیه یسه کلمک مقصدی ایله باکینی اشغال ائتمیش ، سونرا " آذریلر آراداکی کورپو و یوللاری داغیتدیلار " ـ دئییه اونلاری قیرماغا باشلامیشدی . او زامان عثمانلی دؤولتی مغلوب اولموش ، بؤلونمه و داغیلما عرفه سینده قالمیشدیر . بئله بیر بحرانی وضعیته مرد ، ایگید بیر تورک ژنرالی

اولان نورو پاشا کوماندانلیق ائتدیگی تورک عسگرلری ایله اسلام اوردوسو آدینا، آذری کۆنوللوری ایله // بیرلیکده آذربایحانا یورودو و باکینی، باکیلی قارداشلارینی ارمنی استیلا و قیریمیندان قورتاردی.

بو گون تورکیه نین وضعیتینی هر باخیمدان عثمانلی دۆلتی نین ۱۹۱۸ - جی اییل دؤرونون گوجلودور، داخیله کورد مسئله سینی اولدوغونسو بیلیریک و بونا قارشی جوخ اوزونتو دویوروق، فقط بو ویا هر هانسی بیر مسئله، تورکیه نین و تورک ملتینی گوجونو توکندیریب مسئولیت - بینی آرادان قالدیرا بیلمز. ایراندا پهلوی رژیمینی قالیقلاریندان اولان بعضی قاطی آریا پرست ملت چیلر و عرقچیلر اسلامین و تورکملو - یون علیهینه اولدوقلاریندان، دین سیز، تاجا وزکار ارمنیلری مسلمان آذریلردن اوستون توتورلار، بونلار حکومت و جمعیت ایچینده مظلوم آذربایجانلیلارین علیهینه منفی تأثیرات یارادیرلار. آما تورکیه ده وضعیت بونون تام ترسینه دیر. اوراداکی میلّت چیلر بو آجی و غیبر - انسانی حس و ملاحظه لری تلافی ائتمه لیدیرلر. عجباً، اونلار نه اوچون سوسورلار، مسلمان سوی داشلارینین فجیع سویقیریمینا نئجه گؤز یومو - رلار؟ اونلار دامی دیپلوما تیک محظورلاری دوشونورلر؟ اجازه وئرسه نيز ذات عالیلارینیزا خاطرلادیم کی، آذربایجانین سون زامانلاردا دؤشديوو وضعیتده تورکیه نین، خصوصاً تورکچو ضیالیلارینین غیر مستقیم ده اولسا بؤیوک، تأثیر اؤلموتدور. بونا گؤره و سیزین یاخشیی بیلدیگینیز داها باشقا سببلره گؤره تورکیه دۆلتی نین و ملتینی بو گونکو مسئولیتی جوخ بؤیوک دور.

ایران اسلام جمهوریتی، خصوصیه سون زامانلاردا هو مانیتار (انسانی) یاردیم گؤسترمکده دیر. بیز حکومتیمیزدن داها فعال داوارانما سینی گؤزله بییریک. فقط قارشیمیزدا دوران و بهانه آرایان آمریکانی و متفیقلرینی ده نظره آلماق مجبوریتینده بییک. بونا گؤره و داها باشقا سببلره گؤره حکومتیمیزدن بوندان آرتیق بیر ایش او - م - بیلیمیریک .

سایین باشقان، من دیپلومات و سیاست آدمی دئییلیم. منیم بوتون حیاتیم علم و حکیم لیکله کئچمیشدیر. فقط هئج بیر زامان انسانلیغین آجیلارینی اونوتما دیغیم کیمی، مملکتیم، ملتیم، دینداشلاریم و

سوی داشلاریمین قابیغلاری و کدرلریندن ده کناردا قالمادیم و او - نلاردان آیری یاشا مادیم، آرازین قوزئیینده کی قارداشلاریمیز منی آذریلرین آغساققالی بیلیرلر. من اؤزومو بو شرفلی آدا لایم - گؤرموره، اما اونلارین منه اولان گؤنوجی و بوگونکو آغیر و فجیع دوروملارینی گؤز اؤنوندہ آلاق، بیر آذری آغساققالی کیمسی ذات عالینیزدان خواهیش ائدیرم:

۱- هر شئیہ رغما" تجربہلی و بصیرتلی بیر دؤلت رثیسی، ملت لیدری و حق سئوہن بیر انسان کیمی جدی اؤلوم تهلکہ سینده قالان مظلوم آذری قارداشلاریمیزین یاردیمینا قالدین .

۲- آذریلر ایران و تورکیہ ملت و دولت لرینین دینداش، سوی داش و قارداش قونشولاری دیرلار. اورا دؤنہنہ قدهر ایرانین بیر پارچاسی اولموش و روس - ارمنی تجاوزو قارشیسیندا هر زامان اؤز خلقی ایله بیرلیکده ایران و تورکیہ طرفیندن دستک لئمیش و قورونموشدور. بو گون ده اونلارین هر زامانندان داها آرتیق ایران و تورکیہ نین جدی و هر طرفلی یاردیملارینا احتیاجلاری واردر. اونا گؤره ده گؤزلہ - بیریک کی، ایکی قارداش دؤلت و ملت اوچونجو قارداشینا یاردیم - ائتسین و بؤیوک دؤلت لرین سیلاحلاری ایله تپه دن دیرنا غادک سیلاحلا - نمیش ارمنیلر قارشیسیندا اونلاری مدافعه ائدیپ سوی قیریمینا مانع اولسونلار .

۳- تورکیہ دؤلتی نین خارجه ده و داخیلده بیرسیرا محظورلاری وارسا دا، تورک ملتینین آیدینلارینین خصوصاً" تورک ملیتجی لرینین گؤزلری اؤنوندہ قارداشلارینین فاجعه لی شکیلده و حقارتله سوی قیریمینا سئیرچی قالمالاری باغیشلانیلماز بیر گونا ه دیر. بو تورکلویسه ، مسلمانلیغا و انسانلیغا یاراشمایان بیر لاقئیدلیک و آذریلرین تعبیرینجه غیرتسیزلیک دیر. تورکلرین خارا کتری ایگیدلیک، مردلیک، جومردلیک قورخما زلیق و مظلومون قریا دینا جاتما ق دیر. تورکلر - دونیادا بونا گؤره شهرت قازانمیشلار. بو گون عموم دونیا افکاری و مظلوم آذری قارداشلاریمیز هر بئردن و هر کسدن جوخ تورک ملتیندن و ملتچیلریندن و ایرانندان یاردیم گؤزلہ بیلیرلر. بوگونکو داورا - نیشیمیز صابا حکمی موقعیمیزه، حیثیتیمیزه و تاریخیمیزه سیمسا و ده یهر وئره جکدیر. بوتون بونلاری گؤز اؤنونه آلاق، تورک ملتینین

و سوی داشلارینا داها گوجلو شکیلده باغلی اولان ملتچی گروپلارین
آذربایجان سسینه سس وئرمه لرینه و هر واسیطه ایله یاردیمینا
قوشولما لارینی گؤزله بیریک .

۴- آذربایجان خلقی دونیانین ان ایگید، جومرد، چالیشقان و آنلایش
لی خلقلریندن دیر. تاریخین فاجعه سی اونلاری پارچالامیش، بی—زدن
آییرمیش، روس استیلاسی و کمونیست استبدادی اونو بو گونکو ارمنی
جنایتلرینه قوربان وئرمیشدیر. فقط اونلار قیرمیزی روس بویوندوروغو
آلتیندا یا شادیقلاری زاماندا بئله بو قدهر آغیر دوروما دوشمه —
میشلر و سویقیریمینا معروض قالما میشلار. تأسف کی، یئنی استقلالا
و حریت قوشدوقدان سونرا بیر گون راحت نفس آلما میشلار؛ اوسته لیک
امنیتلرینی، دولانی شیق لارینی، یورد — یووالارینی و حتا جانلارینی دا
ایتیرمکده دیرلر. عجباً، بو دایما داوام ائدن اولوم تهلکه سیندن
قورتولماق اوچون نه ائتسینلر. تکرار روس بویوندوروغونا —
گیرسینلر، طبیعی کی بونو نه اؤزلری، نه تورکیه، نه ده ایسران و
خصوصیله بیزلر تحمل ائده بیلمهریک. بو حالدا واخت کئچیرمه دن
اونلارین یاردیمینا گئدهک و قارداشلاریمیزی بو ظولم، یانقین وقیر—
غین دان قورتاراق، اؤز شرف و حیثیتیمیزی ده قورویاق .
سسیمیزه سس وئره جه گینیزه اومودلو و امینم. ایرانلی آذری
قارداشلارینیز آدینا حورمتلریمی بیلدیریرم .

دوقتور جواد هیئت

پاریس جراحی اکادمیسی نین عضو و آزاد اسلام
اونیوئرسیتیه سی جراحی شعبه سی نین رئیسی. وارلیق
مجله سی نین تأسیس چی سی و باش رئاكتورو. تهران

☆: مکتوبون متنی باکیدا آذربایجان و اسلام غزشتلرینده و آنکارادا " تورک
کولتورو " درگی سینده نشر اولونموشدور .

○ تورک دیلی اصفهاندا صفویلر درباریندا

پروفیسور تورخان گنجه‌ای اوستاد دوکتور حمیدنطقی و منیم قدیم دوستوموز دور و تبریزی دیر، استانبولدا ادبیات فاکولتته‌سینی بیتیرندن سونرا ایتالیا ییسا گنجدیب اورادا اوزون ایللر مشهور تورکولوگ پروفیسور روسی *Prof E. ROSSI* - نین یانیندا ایشله- میشر، سونرا لندنده گنجدیب اورادا بیترلشمیش و شرق دیللی اونیورسیتته‌سینده تورک، و فارس دیسل و ادبیاتلاری معلمی اولموش و بیر نئجه ایل سونرا بو کرسی‌لرین (کاندرا) پروفیسورو اولموش دور . پروفیسور تورخان گنجه‌ای نین تورکولوژی ساحه‌سینده بیر چوخ تدقیقاتلاری و اوریژینال مقاله‌لری نشر اولونموش دور. آشاغیداکی مقاله‌نین انگلیزجه‌سی پاریس ده چیخان تورسیکا

TURCICA:

Revue d'etudes Turques. Tom XXI - XXIII. Paris

1991

درگیسینده چاپ اولونموش دور .

بو مقاله صلا حیتلی بیر اوستاد طرفیندن تار- یخی سندلره دایاناراق یازیلیب و دیلیمیزی- ن گنجمیشده‌کی پارلاق دؤره‌لریندن بیرینی گؤستر مگده دیر. مقاله عینی زاماندا فارسجا یا ترجمه اولونوب و لندن ده ایرانلیلار طرفیندن نشر اولونان فصل کتاب 3 دلی درگی ده نشر اولونموش دور (سال 4 -

شماره ۳،۲ زمستان ۷۱ و بهار ۷۲) مقاله‌نین تورکجه‌سی ،
 طرفیمیزدن انگلیزجه متنه تام صادق قالاراق ترجمه
 اولونموشدور، فارسجاسی فصل کتاب دا بعضی قیماالتما وآر -
 تیرمالارلا برابر وئرلمیشدیر، گله‌جک ساییمیزدا فارسجاسینی
 دا نقل ائده‌جه‌بیک .
 دوکتور جواد هیئت

شاه اسماعیل ۱۵۰۱ م = ۹۰۷ هـ ده نخجوان یاخینیندا شرور ساواشیندا
 الوند میرزانی مغلوب ائدیب صفوی سلطنتینی قورانندان سونرا، تبریز
 صفوی سلاله (سلسله) سینین پایتختی اولدو، شاه اسماعیلین اوغلو و
 جانشینی ظاهرده، عثمانی‌لارین هجوملارینین باسیغینی نتیجه‌سینده
 پایتختی تبریزدن قزوینه کؤچوردو (۱۵۵۵ = ۹۶۲) سونرا بیرینجی شاه
 عباس قزوینی بوراخب‌داها مرکزده اولان اصفهان کؤچدو، (۱۵۹۷ =
 ۱۰۰۶) .

پایتختین تورک دیلی بؤلگه‌دن اوزاقلاشما سی تبریزین اهمیتینی
 سیاسی و مدنی (فرهنگی) جهتدن اولدوقجا آزالتدی، هم شاه عباس - بین
 سونرا دان آپاردیغی عسگری اصلاحات نتیجه‌سینده قیزیل باش ائل -
 طایفالارینین نفوذ و قدرتی چوخا آزالدی، بونا رغما" تورک دیلی
 حاکم خاندانین و صفوی‌لرین عسگری قوه‌لرینین اوزون مدت اساسینی
 (بئل سومو) تشکیل ائدهن قیزیل باش ائل - طایفالارینین آنجا
 دبی اولدوغو اوچون تبریزده و قزوین ده اولدوغو کیمی اصفهاندا
 دا دربارین دیلی کیمی قالدی.

میلادی ۱۷ = ۱۱۱ هـ - جی عصرده ایرانا گلن اوروپالی سیاحلار و بورا -
 دایاشایان اوروپالیلار تورک دیلی‌نین صفوی‌لر اؤلکه‌سینده کیمی
 دورومو باره ده راپورتلار (گزارش) یازمیشلار، بو راپورتلار ایراندا
 کی (اتنو لنگویستیک) قومی دیل‌لرین دورومو باخیمیندان بیلگه
 وئرمه‌سه ده تورک دیلی‌نین گئنیش ساحه‌ده یا بیلمه‌غی جهتدن خصوصاً
 اونون یوکسک موقعی حقیقنده ده‌گرایی معلومات وئر مکده دیر .
 (۱)

ایتالیالی پیترو دلواله بو سیاحلارداندیر. او ایکی ایل استانبولدا تورک دیلینی اؤگره نهدن سونرا اصفهانا گلدی و بیر ایسل سونرا (۱۸ دسامبر ۱۹۱۷) دوستو ماریو اسکپانو (MARIO SCHIPANO) یا یازدیغی مکتوبدا بئله دئمیشدیر: "ایراندادا داها جوخ تورکجه دانیشیرلار. هله درباردا و بؤیوکلر آراسیندا. تورکجه دانیشماغین سببی اونا فارسجادان داها جوخ اهمیت و ثر مه بریندن دگیل، داها جوخ اونا گؤره دیرکی قیزیل باشلاردان تشکول ائتمیش اولان قوشونلار هانیمسی تورک دور. مختلف طایفالاردان عمله کلیمیش اولان قوللاریسن دا جوخو تورکجه دانیشیرلار و فارسی بیلمیرلر. بونا گؤره یالنیز امیرلر قوشون ایشلرینده یوخ وقتینین جوخو اولارلا بیرآرادا گئجن شاهین اؤزوده ایسته دیکلرینی آنلاشماق اوجون تورکجه دانیشیر. اونا گؤره ده بو دیل بوتون دربار وقادینلار آراسیندا دا یایلمیشدیر. دلواله بو مکتوبدا فارسجانین اهمیتینه، ادبی دیل کیمی رسمی یازیشمالاردا ایشلندیگینه اشاره ائدیر. دلواله ۱۹۱۸- می آیینین بیرینده یازدیغی بیر مکتوبدا شاه عباس لا گؤروشمه سی حقیقینه تفصیلاتلی ایضاحات و ثریر و دئییرکی شاهلا تورکجه دانیشیردیم وشاه منیم سؤیله دیکلریمی اطرافیندا کیلارا فارسجا یا ترجمه ائدیردی .

بیر کره بیر مطلبی آنلاتدیغیم زامان استانبول تورکجه سیلده دانیشدیغیم اوجون شاه منی یا خشی باشا دوشمه دی. جونکی سورادا عثمانلی تورکجه سی ایله دئدیکلری تورکجه بورانین تورکجه سیلده بعضی سؤزلرده فرقلی دیر.

(۲)

دلواله ایراندادا یاشادیغی زامان تورکجه بیر شعرده یازمیشدیر. ۱۶۲۰ ده اصفهاندادا یازدیغی تورک دیلی گرامری کتابینین مقدمه سینده تورک دیلینی اؤگره نهنین یولچولوق، تجارت و مذهبی تبلیغات آپارماقدا کی فایدالاریندان بحث ائدیر و تورکلرین حاکیم اولدو - قلاری ساحلرین گئنیشلیگینه و نفوذلارینا اشاره ائدیر و تورکجه نین بؤیوک اراضی ده خصوصیه آفریقادان توشوش آسیا و اوروپا داکی عثمانلی امپراطورلوغوندا و هابئله قیزیلباش تورکلرین حاکیم اولدوغو ایراندادا، تاتارلارین یاشادیغی توراندادا (اسکیتا)، قارادنیز دن ختای ساحیلرینه قدهر و بالآخره شمال و دوغو اقیانوسلارینین اوزاق ساحیلرینه قدهر هر یئرده تورکجه نین آنلاشیلدیغینا دقتی

آلمانی آدام اولنار یوس ۸-۱۶۳۶ ایلرینده فرئدریک (*Frederick Duk of Holstein*) طرفیندن روسیه و ایران سفارتلرینه منشی اولراق گؤندریلمیش و ۱۶۳۶ ایلین نوامبر آییندان ۱۶۳۷ ایلینین فئورالینا قدهر ایراندا قالمیشدیر. او شاه صفین بیر ضیافتینی آنلاشیرکن دثییرکی : ضیافت باشا چاتاندا ائشیک آقاسی باشی (*The Grand Master*) اوجادان سلندی : " سفره حقیقه شاه دولتینه، غازیله قووتینه آلاه دیه لوم آلاه آلاه، حاضیر اولانلار دا جاواب وئردیلر : آلاه، آلاه." (۲)

بو مؤلفین یازدیغینا گؤره ایرانلیلارین جوخو، اؤز دیللی ایلسه برابر تورک دیلینی ده اؤگرنیلر، خصوصیه شیروان، آذربایجان، عراق بغداد و ایروان، بورالاردا اوشاقلار تورک دیلینی اؤگرنیلر. تورک دیلی درباردا او قدهر اهمیتلی دیر کی اورادا نادر اولراق فارسجا بیر کلمه ائشیدیلمیش. سونرا مؤلیف یازیر کی ایرانلیلارین قدیم شاه عیبرلریندن قالمیش فارسجا و تورکجه جوخ ده گری دیوانلاری واردیر. سونرا تورک شاه عیبرلردن نواشی، فضولی و نسیمی و فارس شاه عیبرلردن فردوسی، سعدی و حافظ دن بحث ائدیر. (۳)

شوالیه شاردن ایکی دفعه (هر دفعه آلتی ایل ۱۶۷۰-۱۶۶۴ و ۱۶۷۷-۱۶۷۱) ایراندا قالمیش و بئله یازیر : ابهردن سونرا شهرلرده و کندلرده فارسجا دانیشیرلار، اورایا کیمی عموم خلق دیلی تورکجه دیر، اما تورکیه تورکجه سیندن بیر آرز فرقلی دیر. بو مؤلیف ایراندا کی دیلر فصلینده تورک دیلی باره ده بئله یازیر :

" تورک دیلی دربار و قوشونون دیلی دیر، اورادا آنجا تورکجه دانیشیرلار، ایستر قادینلار و یا کیشیلر آراسیندا خصوصیه بؤیوکلر جونکو درباری تشکیل وئرنلر تورکمنلرین اولادلاری دیر، اونا گؤره ده تورک دیلی بونلارین طبیعی دیللی دیر." (۴)

پدرپ سانسون ۱۶۸۳- ده پاپ-ین نماینده سی کیمی ایرانا گلمیش و اوج ایبل اصفهاندا قالمیشدیر. او ایرانلیلارین شاهلاری حقیقته عقیده و ایناملارینا و اونون معنوی قووتینه دقتی چکه رهک ائدشیر کی اونلار هر دانیشیق دا بو سؤزلری تکرار ائدیلر : (قوربان اولیم، دین ایمانوم پادشاه باشونکا دؤنیم"

۱۶۴۴- دە پدر رافائل دومانس اصفهانا كاپوشين هيئتي صدرى كيمي گنديب و اورادا ياشاميش و ۱۶۹۶ دا وفات ائتميشدير. او " ۱۶۶۰ دا ايرانين وضعيتي " آدلى كتابيندا يازيركى ايراندا (اصفهان) خلقين دىلى فارسجا دير لاکين دربارين دىلى تورکجه دير. سونرا بو ديللرين گرامريندن قيماجا بحث ائدير. او يونان و لاتين ديللرى گؤزلليک - لرېنى، او ديللرده كى صرفلرين (فعل صرفلر) بوللوغونا باغلازکـ دنشپير كى: تورکجه بو باخيمدان هئج ده اونلاردان دالى قالمير هم ده اونلارداكى قايداسيز و جئشيتلى فعل و اسم صرفلرى تورکجهده يوخدور. بو ديلده هر شئى واحد قايدايا تابع دير. او ۱۶۸۴-ده لاتين ديلينده " تورک دىلى گرامرى " نى يازميشدير كى قيسا اولماغينا باخما يارق ۱۷- عصرده اصفهان دا دانيشيلان تورکجهنى نمايش ائتديرمەسى باخيمبندان ماراقلى دير .

۱۶۸۴- ده سوئد سفيري ل . پابريسيوس (L. PABRICIUS) لا بيرليکده گلن و سونرالار فارس خليجينده هلند عسگري بيرليگى نين حکيمي اولان آلمان عالمى انگلبرت کميغى دربار دا دانيشيلان تورک دىلى باره ده بئله يازير: بو ديل داها جوخ سلطنت خاندانينين آنا دىلى دير. و درباردان حاکيم طبقه عائله لرينه او قدهر نفوذ ائتميشديركى بو گون يوکسک طبقه دن بير کيمسه تورکجهنى بيلمزه اوتانح دويماقدا دير .

۱۷- جى عصرده اصفهاندا مذهبى - رهبانى محبط ده يازيلان اوچ دىللى (ايتاليا نجا - فارسجا - تورکجه) سؤزلوک تورکجه نين دينسى تبليغات اوچون نه قدهر اهميتلى اولدوغونو گؤسترير. باشقا يئترده ده اشاره ائتديگيم کيمي بو سؤزلوک ده ادبى ديلدن فرقلى اولاراق بو دؤره عايد دانبشيق دىلى نمايش ائتديريلميشدير .

يازى دىلى نين بير مثال و نمونه سى کيمي، ايکينجى شاه عباسين ، اولکهلرينه قايدان آنا دولولو ايکى درويش باره ده شيروان بيگلر- بيگى حاجى منوجهرخانا يازديغى امان نامه و گنجيش اجازه سيني ذکر ائده بيله ريک . بو سندن دىلى خلق دىلى ايله او زامانكى دىپلوما - تىک يازيشمالاردا ايشلەنن و غلمبه اصطلاحلارلا دولو رسمى دىلين اورتاسيندا دير و دربار دا ايشلەنن ديل دير .

رسمى - دولتى مکتوبلارين مثلاً " شاه صفى- نين اطريش امپراطورو و

مجا رستان شاهي ايکينجی فردیناندا یا زدیغی، هابئله شاه سلطمان حسین - ین ساکسون دوکی و لهستان (پولاند) شاهي فرئدریک اوگوستود سا گؤندردیگی و همچنین میرزا مهدیخانین سلطان حسین - ین شهید اولدوغو گون ابراهیم آقا طرفیندن بغداد والیسی حسن پاشا یا یا زدیغی مکتوبلار گؤستریرکی تورک دیلی فارس دیلی ایله یا ناشی رسمی و دیپلوماتیک علاقه لرده ایشله نیر و بو دیلده یوکسک سویه ده ماهر یا زیجیلار (دبیرلر) یئتیشمیشدی.

هجری ۱۰۷۹- ۱۰۸۰ هـ. د. منشی المالک عنوانینی آلان رضا نصیری عثمانلی، قالموق و دیگر تورک سلطانلارینین ایرانا گؤندردیکلری مکتوبلاری آسان ترجمه ائده بیلیمک مقصدی ایله ۲۰ ایل مدته بو دیل لری سن سوزلوگونو حاضیرلامیش و اثرینی شاه سلیمان اتحاف ائتمک ایسترکن تاما ملامادان وفات ائتمیشدیر. بو معلوماتی بیزه نقل ائدن اوغلو عبدالجلیل اونون اثرینی تاما ملارکن کتابین ترتیبینی بیئر آزدگیشدریمیشدیر. بو گون الیمیزده اولان اثر بیئر مقدمه، سؤزلوک لری و بیئر ده سون یا زی *EPILOGUE* دان عبارت دیر.

مقدمه ده عثمانلی تورکجه سیندن (رومی) و ایران تورکجه سیندن (قیزیلیباش) دئییه بحث ائدیر و عبدالجلیلین وئردیگی معلوماتسا گؤره منشآت سلیمانی دان آلینمیشدیر. بو مقدمه مجلس نویس ابوا - لقا سمین محمدرضا نصیری نین املا، گرامر و حسن خط باره ده یا زدیغی رساله نین تورکجه قیسمنه تقابل ائده ر. بئله جه بو اثر حکومت خاندانیندان اوج آدامین جالیشمالارینین نتیجه سی دیر. بو اثر اسکیک و آخما قلیقلارینا باخما یاراق فایدالی بیئر قایناق دی. لاکین میرزا مهدیخانین ده گری اثریندن سونرا اونودولگودو.

ایراندا ۱۶- جی عصر ادبی تورکجه نین کؤکلرینی آذربایجان و عراقدا جلا ییریلر دؤرونده آختارماق گره کیر، سونرا کی انکشافی دا بو ایکی ایالت ده قارا قویونلو و آق قویونلولار دؤرونده عمله گلیمیشدیر. بو دیلین اؤزونه مخصوص اؤزه للیکلری (خصوصیتلری) و اونون املاسی اونو عثمانلی تورکجه سیندن آیراراق اونا مخصوص شخصیت وئرمیشدیر^(۱۰۶) بو حقیقتی بیلن معاصر عثمانلی تذکره چیسی، لطفی، فضولی نین اسلوبوندا ن بحث ائدرکن دئییرکی " اونون جاذبه لی طرزی نواشی یه یاخین و غریب اسلوبو واردیر. منجه مؤلیف بونلاری افاده ائدرکن

شا عیبرین دیلینده کی فرقلره اشاره اشمکده دیر. بو مسئله باشقا بیر عثمانلی مؤلیفی، بیانی نین پازیسیندا داها آجیق افاده ائدیلمیر. ا و دئییرکی: فضولی، نوائی تورکجه سیله عثمانلی تورکجه سی آراسیندا عجیب و جوخ گؤزله بیر اسلوب سئچمیشدیر. (تورکی).

فضولی اوز دیلی اوجون تورکی، عثمانلیلار اوجون (روم) و جغتایلار دا (تاتار) شاعیرلری دئمیشدیر. قیزیلباشی متکلمری سوزونو ایلك دفعه صادقی ایشلتمیشدیر. صفویلرین اولکه سینده دانیشیلان تورکجه یه بیئرلی اصطلاح اولاراق قیزیلباش دئییلدی. بو اصطلاح سیاسی و ایدئو - لوژیک معنا داشیدیغی اوجون صفویلردن سونرا اونودولدو.

جغتای تورکجه سیله یازیلان صادقی و امان نین بعضی شعرلریندن باشقا ایراندا ۱۷- جی عصرده یازیلان تورکجه شعر دیلی ۱۶- جی عصرین بیرینجی یاریسیندا بیئرلشمیش اولان و نوائی ایله فضولی نین تاثیر - یله جیچکلنه ن یازی دیلی اولموشدور.

صفوی شاهلاری و شاهزادالاری علم، هنر و ادبیاتی حمایه ائدردیله ر. شعر ساحه سینده بو شاهلار و شاهزادالارین جوخو شعر بازار و تورک و فارس شاعیرلرینی حمایه ائدردیله ر. بیرینجی شاه عباس شفایسی و باشقالارینا جغتای شاعبری حیدرین مخزنینی فارسجا یا ترجمه اولونما سینا امر وئردیگی کیمی صادقی دن ده منئوی رومی نی تورکجه یه ترجمه ائتمه سینا ایسته میشدیر.

اصفهان درباریندا بیرینجی شاه عباس دان بو یانا ملک الشعرا عنوان و مقامی و اونون معین معاشی و دربار مقاملاریندا مخصوص بیئرلی واردی. ملک الشعرا نین هر ایل نوروز دا پادشاهی ویا باهاری مدح ائله یین بیر قصیده، یئننی تیکیلن سارای و شاهانه تیکینتی لـر حقیقته، تاریخلری ایله برابر، شعرلر و شاهین ایسته دیگی موضوعلار دا منئوی و قصیده لر سؤیله مه سی گؤزله نیردی.

تبریزلی تاثیر ده شاه سلیمان و شاه سلطان حسین زمانیندا عینی وظیفه نی قسما" ده اولسا ایفا ائدیردی.

تذکره لرده نقل اولونان شعر پارچالاری و بیت لریندن معلوم اولور کی بو دؤره ده تورک دیلینده شعر یازان بیر جوخ شاعیرلر وارمیش. لاکین آشاغیدا آنجاق جوخلو مقداردا شعرلری بیزه حاتان و ادبی فعالیتلری اصفهان دربار و چئوره سینده تمرکز ائدن شاعیرلر ذکر

اولونا جا قدیر، بو شاعیرلر اوج گروپا آیریلیرلار:
 الف: بوتون شعرلرینی تورکجه یازان و اوللاردان تک - توک فارسجا
 شعر قالان شاعیرلر: مسیحی، ملک بیگ و قوسی.
 ب: ایکی دیلده (تورکجه - فارسجا) یازان شاعیرلر: مادقی، امانی
 و ظفر.
 ج: اساساً فارسجا یازماقلا برابر بعضاً تورکجه یازان شاعیرلر:
 مائب، واعظ و تاثیر.

قاینالار: قاینالار اختصار اولونموشدور.

¹ These accounts contain here and there Turkish words, phrases and sentences in Latin characters, which are of great interest. For this material in Olearius, see W. Helmholdt, «Die türkischen Sprachproben in Olearius' Reisebeschreibung», *Central Asiatic Journal*, XII (1968-1969), 96-100.

² See Ettore Rossi, «Versi turchi e altri scritti inediti di Pietro Della valle», *Rivista degli Studi Orientali*, XXII (1947), 92-98.

³ See Ettore Rossi, «Importanza dell'inedita grammatica turca di Pietro Della Valle», *Atti del XIX Congresso Internazionale degli Orientalisti* (Roma, 1935), 203.

⁴ Adam Olearius, *Vermehrte neue Beschreibung der muscowitischen und persischen Reyse*, Schleswig, 1656, 512: *Süffre Hakine Schahe dövvetine, Kasiler kuvvetine, alla dielum. Alla, alla* (Gott vergelte diese Mahlzeit / vermehre des Königes Guter / und mache starck dessen Soldaten (oder Diener) Gott / ich begehre (oder wunsche) es. Gott / Gott (gebe es).

⁵ *Ibid.*, 616.

⁶ *Ibid.*, 624.

⁷ *Voyages du Chevalier Chardin en Perse*, Paris, 1811, II, 385-386.

⁸ *Ibid.*, IV, 238.

⁹ British Museum MS., Add. 7691; cf. Ch. Rieu, *Catalogue of the Persian manuscripts in the British Museum*, London, 1879-1893, II, 519.

¹⁰ See T. Gandjei, «The rise and development of written Turkish in Persia», *JRAS* (1984), 321-322 (summary).

کوکوموز، تاریخیمیز بیزدن نئجه ایز وار

ملی مدنیتیمیزین، خصوصاً تاریخیمیزین، ادبیا تیمیزین، سؤز صنعتی— میزین حقیقی، اوبیکتیو تدقیقی، تبلیغی و یاییلماسی ساحه سینده رسپوبلیکا دان کناردا خیلی ایش گؤرولموشدور و ایندی ده گؤرولمکده دیر. واختیله آذربایجان دان دیدرگین سالینمیش مرحوم احمد جعفر اوغلو، میرزه بالانمدزاده کیمی اونلار جا تدقیقاتچینین اثرلری آذربایجان دیلینین، مدنیتینین، اجتماعی فیکرینین اوبیکتیو اؤیره ن نیلمه سینده مثیل سیز رول اوینا میشدیر. خصوصاً ا. جعفر اوغلو نون ۲۰-۱۵ ایل بوندان اول تورکیه ده چاپ ائتدیردیگی "تورک دیلسی تاریخی"، م. ممدزاده نین "آذربایجان ملی حرکاتی" اثرلری عوض سیز منبعلر دیر.

بئله لری، البته آزدگیل دیر. اونلار دان بیر ده ایران عالی می مشهور جراح، بین الخلق جراحلار جمعیتینده ایرانین نماینده سی دو قتور جواد هیئت دیر.

جواد هیئت بین الخلق عالمده یا خشی تانینان نادیر استعداد صاحبی دیر. اختصاصی اعتباریله حکیم اولان، استانبول و پاریس عالی طب مکتبلرینده مکمل تحصیل گؤره ن و ایلیک دفعه ایراندا اورهک و بؤیره ک کؤجورمه عملیاتینی موفقیتله حیاتا کئچیره ن و بونوا ایندی ده اوغورلا داوام ائتدیرن جواد هیئت دونیا شهرتلی جراح دیر. او، حاضریدا تهراندا آزاد اسلام اونیوئرسیتته تینین جراحیه کافئدرا — سینا رهبرلیک ائدیر. جراحیغا، طبیبین باشقا ساحه لرینه دا یرجیلدیر

له کتابی، یوزلرله مقاله‌سی، مینلرله اوغورلو تجربه‌لری، عملیاتلاری واردیر. بئله بؤیوک و گئنیش بیر فعالیت ساحه‌سینه مالیک اولان جراحین دونیا طباجت‌عیاتیندا خصوصی بیئری و موقعی واردیر. تورک دونیاسیندا ایسه جواد هیئت‌بیر تورکولوق عالیم، دیلجی، ادبیات‌تدقیقاتجی‌سی، تاریخ‌بیلجی‌سی کیمی ده مشهور دور. بو ساحه‌ده اونون جیلد لرله اثرلری، ساییز- حساب سیز مقاله‌لری، ترجمه‌لری، جیخیشلاری واردیر. تهراندا آذربایجان دیلینده ۱۵ ایلدن بری نشر اولونان "وارلیق" ژورنالی‌نین دائمی "صاحب‌امتیازی" و "مسئول مدیری" دور. بو ژورنالین صحیفه‌لرینده بیز آذربایجان ادبیاتینا، آذربایجان دیلینه، تاریخینه، فولکلورونای عاید سلسله مقاله‌لرین- جاپینی گؤرموش و اوخویوب فیض‌یاب اولموشوق.

دوقتور حمیدنطق‌نین سؤزلری ایله دئسک "جواد هیئت‌بوتون حیاتینی ایکی عشقه آدامیشدیر: خلقیمیزه و دیلیمیزه، طبابت و جراحیغا". هر ایکی ساحه‌ده او جوخ بؤیوک ایشلر گؤرموشدور. خصوصاً آذربایجان تورکجه‌سی‌نین ایشلنمه‌سی اوچون اجتماعی و سیاسی زمینه‌سی‌نین کساد اولدوغو بیر بیئرده اؤز اساسا اختصاص ساحه‌سینی آتمادان ادبیات و تاریخ مسئله‌لری ایله ده محصولدار شکیلده مشغول اولان بیئر ضیالی‌نین نجیب‌ایشلری هر جور آلفیضا و تحسینه‌لیق دیر. ائله بو ایشلرینه گؤره ده او، آذربایجانلی همکارلاری طرفیندن همیشه یوکسک قیمت‌لندیریلیمیش. م. ف. آخوندوف آدینا مکافاتا لایق گؤرولموش، آذربایجان ملی آکادمیاسی‌نین حقیقی عضو و م. ا. رسولزاده آدینا باکی دولت‌اونیوئرسبته‌تی‌نین فخری دوکتورو اولموشدور.

عالمین رسپوبلیکا مطبوعاتیندا آیری- آیری مقاله‌لریندن باشقا سون بیر نئجه ایلهده باکی‌دا اوچ کتابی چاپ‌اندیلیمیشدیر. بوکتابار البته، بوخاریدا آدینی جکدیگیم خصوصی تدقیقات اثرلری سویه‌سینده دکیل، ساده‌جه هوسکار بیر ملت پرستین ملی غروروندان دوغان زحمتی- نین بهره‌سی دیر. اونا قدهر اؤیره‌نیلیمیش، تدقیق اولونموش ساحه‌لرین یئننی تقدیماتی دیر. بیز بو اثرلرین هامیسیندا آذربایجان عالیم- لرینین، تورک‌تدقیقات‌جلارینین، بیرسیرا شرق‌شنا‌سلا رین اثرلرینین- ایزلرینی گؤروروک و مؤلفین اؤزو ده بونلاری احتراملا قئیداندیر.

جواد هیئت- ین بو اثرلرینین هامیسی اولجه ایراندا چاپ

اولونموش، ایران اوخوجولارینین رغبتینی قازانمیشدیر. فولکلور، یازیلی ادبیاتا و تاریخه عاید اولان بو کتابلار بیرسیرا غیری - اختماصی قلمیندن حیخان پراکنده لیگه، دیل و اسلوب جتینلیک لرینه باخمایاراق، فاکتیک زنگینلیگه، بیثنی لیگه و اورژینال ملاحظه لره مالیک دیر.

۱۹۹۵- جی ایله پروفیسور یاشار قارایف - ین رثداکتورلوغو ایله آذربایجان دؤلت نشریاتیندا جاپاولونان "آذربایجان شفا هی خلق ادبیاتی" کتابی فولکلوروموزون و فولکلورشنا سلیغیمیزین بوتون ساحه لرینی بیفجام شکیلده احاطه ائدیر. بورادا ایستر چار روسیه سی دؤرونده، ایسترسه ده سووئت لر دؤرونده آذربایجان عالیم لسنری طرفیندن توپلانمیش، اؤیره نیلمیش فولکلور نمونه لری ایشه بلد اولان عالیم گوزو ایله سئجیلمیش، گروپلاشدیریلیمیش، اورژینال سبکده تقدیم اولونموشدور.

کتابدا اسلامیت دن اولکی و سونراکی تورک داستا نلاریندا ن، افسانه - لریندن توتوموش لایلا بلارا، اوخشا مالارا و آغیلارا قده ر فولکلورون بوتون نوع لریندن معلومات و ثریلمیشدیر. بونلارین چوخو آذربایجانین معاصر اوخوجولارینا و اختماص صاحب لرینه تانیش اولسادا، اونلارا یاشما اصولو تزه دیر، اورژینال دیر، اوسته لیک اوستا دین شرق منبع لریندن کؤچوردویو و آغیزلاردا ن ائشیتدیگی ماتریال لار دا آزدئیلدیر. جواد هیئت کئچن ایل باکی دا نشر اولونان "آذربایجان ادبیاتینا بیر باخیش" آدلی ایکینجی کتابینین اولینده یازیر کی، او بو اثری ایل لر بویو ملی ستم آلتیندا یاشایان، محروم قالان خلقینه و خلقی نین بؤیوک شاعیری سهندین خاطیره سینه اوره ک دولوسو نیسگیل و سؤگی ایله اتحاف ائدیر. مؤلفی بو جتین ایشه سوق ائدن ده تمام آجمادیغی بو نیسگیل و سؤگی دیر.

عالیمین ایزله دیگی مقصدین نجیب لیگی، ایران اوخوجولاری اوچون ادبیاتیمیزی بیفجام شکیلده تقدیم ائتمک تشبو شو آلقیشلانما لیدیر. جواد هیئت - ین کئچن ایل بیئنه ده دؤلت نشریاتیندا جاپاولونموش اوچونجو کتابی "تورکلرین تاریخ و مدنیتینه بیرباخیش" آدلانیر. بو اثر اسلامدان اولکی و اسلامیت دؤرونو، یعنی تورک تاریخینی - ابتدا سیندان ۱۶- جی عصره قده ر کی دؤرو احاطه ائدیر. تاریخ علم لری

دو قنور و، پروفسور او کتای افندیف - یین رثدا کتور لوغو و مقدمه سی ایله چاپ اولونموش بو اثر تورک آدینین منشاء یندن، ایلك تورک دؤلتینین یارانما سیندان توتوموش بوتون سونراکی تاریخی انکشاف یوللاری حقینده تصور یارادیر.

قدیم و اولو بابالاریمیز اولان هونلارین تاریخی، آتیلا گنڈیشلری، تورکلر، ویغورلار، و غوزلار، آوارلار، خزلر، پشچنقلر، قپچاقلار، بولقا - رلار، خالجلار، ونلارین ابتدائی یوروشلری، تاکتیکی و وروشلاری، اؤزونه مخصوص مدنیت لری، دؤلت لری، دینی اعتقادلاری، مشغولیت لری، معیشتلری و س. حقینده کی فاکتلاز هر بیر آذربایجانلی اوچون، من دشیردیم ایندی دؤیوشا و ردوموزون عسگرلری اوچون ده ماراقلی و فایدالسی دیر.

جواد هیئت - یین بو اثری نه درسلیک دیر، نه ده تاریخی سالنامه، گؤسته ریلن دؤره عالیم باخشی دیر. آما بورادا عادی کوتللهوی اوخوجو اوچون ده، تاریخ - فیلولوژی اسپنکت ده تدقیقات آپارانلار اوچون ده ماراقلی ماتریاللار واردیر. نه اینکی تورک دؤلتلرینین آدینی چکمکن، حتا تورک سؤزونون اؤزوندن ده اورکدویوموز کئچمیش واختلاردا تاریخیمیزی بو اسپنکت ده شرح ائتمک چتین ایدی. داهایا دوغروسو، هامی بو تاریخدن اولدوغو کیمی، دانیشدیغی حالدا بیسز اوستونلویو یا سوسماغا، یا دایگانه لیگه و ثیریدیک، ایران کیمی قدرتلی بیر دؤلتین باشیندا تورک منشالی قدرتلی شاهلارینین دا دوردوغونو دیلیمیزه قورخا - قورخا گتیرمیشیک. حالبوکی ایراندا بوتون ایری و مقدس شهرلرین تاریخی آبدله لرینین اکثریتی همین شاهلارین دؤروندن یادگار دیر. بونو جواد هیئت ده فخرله بیلدیریر و اونو دا علاوه ائدیر کی، "اسلام دؤرونده مین ایله یاخین تورکلر ایراندا حکومت ائتمیشلر و بو مدتده ایرانین سرحدلرینی قوروماق اوچون قونشو اولان تورکلره ده ساواش یانلارینی فدا ائتمیشلر". تورکلر هم ده معنوی و رلیقلاری و غروندا ساواشیمیش، دیلینسی، عنعنه سین قورو یوب ساخلامیشلار. ۱۱۰ - جی عصرده یوسف بالاسا غونلونون "قونادغو بیلک" کیمی مسلمان تورکلرینین ایلك شعر کتاسی " میدانا چیخیمش، محمود کاشغری - نین "دیوان اللفلت تورک" کتابی یازا نمیشدیر. بیر جوخ تورک سلطانلارینین و شاهلارینین واختیندا

تورک دیلی یا حاکیم فارس دیلی ایله یاناشی ایشله نیش، یا ادا
وردو و دربار دیلی آنجاق تورک دیلیندن عبارت اولموشدور. حتا
فارس دیلینه خصوصی اوستونلوک وئرن سلجوق تورکلریندن قارامان
اوغلو قونیه نی ۱۲۷۷- جی ایله آلیباونو پایتخت ائده ندن سونرا
بئله بیر فرمان وئرمیشدیر: " بو گوندن سونرا دیواندا، درگاهدا،
بارگاهدا، مجلسده و میداندا تورکجه دن باشقا دیل قونوشولما یا جا-
قدیر"، بیر واخت ایران تورکلریندن اولان شاهلاردا بونا عمل ائدر -
دیلم.

جواد هیئت - بین اولکی ایکی کتابین معین حیصلری "تورکلرین
تاریخ و مدنیتینه بیر باخیش" اثرینده قسما تکرار اولونسا دا
و دیلینده، اسلوبوندا معین کاللا- کؤتورلوک، کؤهنه لمیش سؤزلر و
افاده لر، حتا ترگیبلر آذربایجان نشرینده ساخلانسا دا، اولان
ماراغی آزالتما بیر.

عصرین ان یاخشی جهت لریندن بیری ده اورا سیندا دیرکی، مؤلف هند
چین، فارس و تورک منبع لرینه ده مراجعت ائتمیش، خصوصاً "اسلامیت
دن اولکی ان قدیم منبع لردن استفاده ائدن عالیملرین اثر لرینه
استناد ائده رک ادبی نمونه لردن، تاریخی آدلاردا ن، ایندی بیئر اوزو-
ندن سیلینمیش قدیم تورک شهر لریندن صحبت آچمیشدیر کی، بودا کتابنا
اولان ماراغی داها دا آرتیریر.

اثر لرین حاضر لارنا سیندا مؤلفین خانیمی فریده هیئت ده یاخیندان
اشتراک ائتمیش، سؤزلوکلرین ایضا حینی حاضر لارمیشدیر. جواد هیئت بین
" آذربایجان ادبیاتینا بیر باخیش" کتابی حاضر دا لنیندن ده
یا شایان، گؤزه ل شاعیر- وطنداش دوقتور حمید نطقین مضمونلو: گیریش
مقاله سی ایله آچیلیر. " تورکلرین تاریخ و مدنیتینه بیر باخیش"
آدلی اوجوشجو کتابی ایسه همین شاعیرین " آنا دیل شوگیلی دیل
آدلی شعر ایله قورتاریر. کتاب قدیم ائلی- اولوسو اولان، ایندی
ایسه بیئر اوزونه سپه لنمیش تورک طایف ا لرینین و اولارین توره مه -
لرینین شاخلرینین قول و بوداقلاری نین طالع یوللاری، تاریخه بخش
ائتدیگی مادی - معنوی ایز لریندن بحث ائتدیگی کیمی، حمید نطق ده
همین شعرینده بو یولدان پوئزییا دیلی ایله دانیشیر:
...تورک آدی هر بیر گوشه ده بیر ولوله سالدی،

زنجیرده اسیرکن یئنه آزاد اولا بیلدیک
دونیادا باش اولدوقدا دا عادل قالا بیلدیک...
صنعتده، زراعتده، هنر ده الیمیز وار،
باخ هر یانه، هر گوشه یه بیزدن نئجه ایز وار... .

آذربایجان مدنیتی نین اؤیرنیلمه سینده و یا ییلما سیندا بواثرلرین
اهمیتی شبهه سیز دیر. اونلارین مؤلیفی دوستوموز جواد هیئت...
جانیندا ن آرتیق سئودیکی خلقی نین سعادت یولوندا یئنه یارادیجی-
لیق اوغورلاری آرزولاییریق -

اورمیه دانشگا هیندا ...

وطنداشلاریمیزدان خصوصیه آقای طالعی و آقای آهیریمی دن تشکور
اؤدیر و عزیز یازیچیلاریمیزدان اورمیه دانشگا هینین کتابخاناسینا
اؤز نشر ائتدیگری کتابلاری اتحاف ائتمه لرینی خواهیشا اؤدیریک .

وارلیق

تبریک

آقای حسینعلی فیض الهی (اولدوز) ۳۰/دشکابر/۱۹۹۳ دا آذربا -
یجان ادبیاتی ساحه سینده آپاردیغی تدقیقات و اثرلرینه گوره
آذربایجان ملی یارادیجیلیق آکادمیاسینین فخری دوکتورو
سئجیلیمیشدیر.
بیز عزیز قارداشیمیزا بو موفقیتی تبریک دئیبیریک و اولو
تائری دان اونا داها بؤیوک نائیلیتلر دیله یبیریک .

وارلیق

پروفیسور رستم علیف بین یاسیندا

پروفیسور رستم علیف فروردین آیینین ۱۸- ینده بیر آی سورهن بیر بئین قانا ماسیندان سونرا تانرینین رحمتینه قوشموشدور. قانا ما بئین پرده سینی آلتیندا یوکسک قان تضحیقی نتیجه سینده تشکسل ائتمیش و عملیاتلا بوشالیدیغی حالدا خسته میزین اولومونه سبب اولموشدور. من او گونلر باکی دا ایدییم و تأسفله اعتراف ائتمه لیم کی خسته لیگین شکلی و گئدیشی بیر آرز آلدادیجی اولموش و قانا ما گنج تشخیص و ثریلمیش و عملیات دا جراح دان آسیلی اولمباراق گئسج آپاریلیمیشدیر.

بؤیوک عالیم، شرق شناس و ایران شناس و ایرانلی اوره کدن سئوهن رستم علیف بین اولومو بیزی و اونون دوستلارینی ماتمه بوروموشدور. من تهرانا قاییداندان اوج گون سونرا اسران رادیو- تلویزیون خبرلر- یندن اونون اولومونو اؤگرندیکن سونرا همان گئحه باکیا تلفن ائله دیم و اونون حیات یولداشی و همکاری رقبه خانم قنبرقیزی ایله دانیشدیم و اونا اؤزوم و قلمداشلاریمیز طرفیندن باش ما غلیغی وئردیم. ما باحینا اارلیق یازجیلاری طرفیندن تسلبت تلگرافی گؤندر دیم. رستم علیف نه اینکه تک آذربایجاندا هم ده بوتون دونیادا تایینا آزارسلانان عالم لردندی. اوندکی ذکاء قاوراما و اؤگرنمه قابیلیتی فوق العاده ایدی. او گنج یاشلاریندا فارس- عرب، روس و انگلیس دیل لری و شرق ادبیاتی خصوصیه ایران ادبیاتینی اؤگرنمیش و قیما بیر زاماندا ایران ادبیاتینی متخصی اولموش و سعدی، حافظ و فردوسی کیمی دونیا مقیاسیندا شهرت صاحیبی شاعیرلریمیز سس دیوانلارینی تدقیق، ترجمه و نشر ائتمیش و بیر ایران شناس کیمسی

اؤزونو تانیتیمیشدیر. اونون گئچن ۴۰ ایلده ایران ادبیاتینا ائله - دیگی علمی - ادبی خدمت لرینه گؤره هم اسلام انقلابیندان اول هم ده اونندان سونرا ایراندا تانینمیش و دفعه لرله ایرانا دعوت اولونموش کنگره لرده اشتراک ائتمیش و عزیزلنمیشدیر.

رستم علییفی منه عزیز دوستوم پروفسور نورالدین رضایف تانیتیمیش دیر. اونو ایلک دفعه ۱۹۷۱ ده اشتراک ائله دیگیم مللتلر آراسی جراحی قورولتایی گونلرینده تانیمیشدیم. قورولتایدان اوج آی خونرا رستم ایران شناسلیق کنگره سینه دعوتلی اولراق ایرانا گلیدی و تهراندا قالدیغی مدتده بیر جوخ دفعه اونولا گؤروشوب، دانیشدیق او اوستاد شهریارا وورغونودو اونا گؤره ده سون ایکی ایله ده جیخارتدیغی غزشتین آدینی (شهریار) قویموشدو. رحمتلی سهنده ده جوخ قیمت وئریردی. او سیرالاردا رستم، منه، رحمتلی سهنده و دیگر آذربایجانلی دوستلاریمیزا اوستاد شهریار تهرانا گتیریب بورادا قالماغینی توصیه ائتدی. اونون فیکری و تکلیفینی اصابتلی گوردو. گوموز اوجون اوستاد شهریار عا ئله سیله برابر تهرانا گتیردیک. اوستاد و عا ئله سی ایکی هفته سهندین ائوینده قالاندان سونرا بیزه گلدیلر و بئش آی بیزه قالدیلار. او زامانلار بیزیم ائو امیرآباد دا هیئت خیا بانیندا ایدی. و اوستاد شهریارین گلمه سیله ائویمیز فارس - تورک ادبی محفلینه حئوریلیمیشدی. رستم تهراندا قالدیغی مدتده هر آخشام بیزه گلردی و مجلسلریمیزه روح و نشئه گتیرره ردی او زامان ادبی مجلسلریمیزده منظم اولراق اشتراک ائده ن ادیب و شاعیرلریمیزین بئر جوخلاری رحمته گئدیبلر. قالانلاردان دوکتور حمید نطقی، محمدعلی فرزانه و حسن مجیدزاده و باشقالاری یاخشی بیلیرلر کی پهلوی رژیمینین قیزقین اقتدار دؤرونده و ساواکین آداملاری الکتریک مندیلر اوزرینده اوتوردوب داغلیان گونلرده بئله بیر محفلین قورولماسی هم ده شوروی دن گلن بیر آذربایجانلی عالیمین اورادا فعال شخصیت کیمی اشتراک ائتمه سی کیچیک بیر حادثه دگیلیدی. اوستاد شهریارین عا ئله سیله تهرانا گلیب بیزه قالماغی و بیئنی دن آنا دیلینده شعرلر قوشوب ادبی مجلسلریمیزده اوخوماغی و دیگر آذربایجانلی شاعیرلریمیزین ده اونون اطرافیندا پروانه کیمی توپلاشیب آنا دیل لرینده شعر اوخومالاری ساواکین و حتی دربارین

گۆز لر بندن گیزی قالمی می شدی. نئجه کی بیرگون ملکه فرج - یین دفتر بندن بیرسی اوستادی گۆرمگه گلدی و ملکه نین سلام و محبتینی بیئتیرندن سونرا اوستادا دئدی کی ملکه فرج سیزین تهراندا ائوینیز اولما - دیغیندان ناراحت دیر و ایسته ییر سیزین اوچون بوردا بیر ائو - آلسین. اوستادا اونا دئدی کی علیا حضرته سلام سؤیله یین و دئیین کی ساغ اولسونلار. مننه ائو آلماق بیئرینه اجازه وئرسینلر منیم تورکی شعرلریم ده فارسی شعرلریمله بیر بیئرده چاپ اولسون او زامان من اؤزوم ائو آلماغا قادر اولاجام!

او گونلرین بیر بنده من خسته خانادان ائوه گلدیگیم می - رادا جرجیل (بو گون نوفل لوشاتو اولموش) خیابانیندا رستمی گسوردوم سووتت سفیرلیگیندن چیخیب یئنی نادری هوتلینه گئتمک ایسته ییردی. من اونا باخدیغیمدا اونون صورتی قیب - قیرمیزی قیزارمیش سانکی قان باشینا - بئینینه وورموشدو. درحال ماشینین ساخلادیم و اونو اؤز یانیمدا میندبردیم و نییه بئله عصی لشیب جیلدیردیغی نی - سببینی سوروشدوم. او مننه شوروی سفیری ایله دالاشدیغینی سؤیسلدی و دئدی کی آلاله هئج بیر کیچیک ملتی بؤیوک و گوجلو یاد ملتله برابر یاشاماغا محکوم ائتمه سین سیزلر بیزه گۆره خوشبخت سینیز. بو روسلار بیزه آشاغی باخرلار و بیئری گلنده تاتارسکی، تاتارسکی دئییئرلر. بورادا مننه آنلاتدیقلارینی تفصیلاتلا یازماغا مجال یوخدور. لاکین او گون مننه یقین اولدوکی رستم سووتت لر اؤلکه سینه قایداندا - ندا اونو راحت بوراخمیا جاقلار و بیرداها بیزاوونی ایراندا - آرامیزدا گۆره بیلمه جه بیک!

رستم مسکو وایا قایداندا سهند سؤیتلرله تجارت ایشینده رستم دن یاردیم گۆردوگو اوچون اونا مسکو وادا بیر ماشین آلابیلمه سی - اوچون اوتوزمین تومنلیک قیزل وئرمیشدی. من ده اونون بیرینجی - خانمینی سفارش وئردیگی کیچیک قیزیل قرآن قابی، قیزیل پنجه - ن بویون باغی و بعضی کیچیک هدیه لر آلمیشدیم. او زامان سووشیتلر - اؤلکه سینه قیزیل آپارماق هله دئکلاره ائتمه دن (خبرسیز) گومروکدن گئجیرتمک یاساق اییدی. رستمین ده داها قاباخدان دا وولو (طبلی) چالینمیش و حلواسی پیشیریل می شدی. مسکو وادا امیدانیندا بوهدیه لری - باغانا ائده رک اونا قالین - قئیم دوسیه دوزه تلدیلر و اونو -

محکمه‌یه وئردیلر .

او سیرالاردا رستمین رئیسی رحمتلیک آکادمیک پروفور غفوروف (تاجیک) تهرانا گلیمیشدی من سهندله اونو گؤرمگه گشتدیک و اونو مسئلهنین ایچ اوزونو آنلاتدیق . او دا بیزه الیندن گلدیگی قدهر رستمه یاردیمجی اولاجاغینا سؤز وئردی . و سونرادان خبر آلدیغیمیزا گؤره سؤزونه صادیق قالدی . بونونلا بئله رستمی حزب (پارتیسا) دان مسکوا وونیورسیتته سیندن چیخارتدیلار و مسکوا کیمی شهرهه ایشرد . سیز و معاش سیز بورا خدیلار . بو خبر بیزلره چاتاندا هامیمیزی سارسیتدی ، اوستاد شهریار بو خبری ائشیدندهن سونرا نفرت یا غدییران بو غزلینی یازدی :

بیر خبر چاتدی منه نوح نبی قارغیشی تک
ایچهریمده بیلهسن قویدو نه طوفان رستم
یاندی بیر لحظهده خرمن کیمی آرزیم - اومیدیم
جانیم اول یانقیدا یاندیقجا دئدیم جان رستم

.....
.....

حزب شیطانان اولان قوی سنی اخراج ائله سین
باشدا یازمیش سنی اؤز حزبینه رحمان رستم

رستم بو حادثه دن سونرا آنا یوردو باکییا قاییتدی فقط اورادا دا کا . گ . ب . اونو راحت بورا خماییردی اونون اؤز دئدیگینه گؤره او زامان آذربایجانین رهبری حیدرعلیف اولما سایدی بلکه ده اونون حیاتی دا تهلکه‌یه گیره جکدی .

یوخاریدا اختصارلا وئردیگیم حکایه رستم ماجراسینین کیچیک بیر حیصه سی دیر . اما بو گونکو آذربایجانلی قارداشلاریمیزین چوخونون بونلاردان خبری یوخدور . هله بونلارین اونون باشینا نه سبب بولدیگیندن تام خبر سیز دیلر . اما بیزه و رستم له او حادثه لرده بیرگه چالیشان دوستلاریمیزا معلوم دورکی بوتون بو مصیبتلر اونون باشینا ایرانلا هله آذربایجانلیلارلا دوستلوق قوروب و او تایی - بوتایی آراسیندا کورپو (رستم کورپوسو) سالیب علاقه یاراتدیغی اوچون گلیمیشدیر . بونلاری یئنی نسلین بیلیب آراشدیرماسی جوخ فایدالی و لزوملو بیر وظیفه اولدوغو کیمی مننده بو حادثه لری قیماجا دا

وجدان بورجودور .

رستمین اخلاقی تند و دیلی ده، کسکین و بیر آز دا آجی ایدی. هله عصبی لشدیگی واخت هر شئی اوندور اؤز مملحت و منفعتینسی ده گؤرمزدی. رستم له گنجینمک جتین ایدی، بونو هر کسدن چوخ اونسون حیات یولداشی رقیه خانیم بیلیردی، اونولا گنجیندیگی اوچسون ده تقدیره لایق دیر، او عینی زاماندا اؤز بیلگینه ده مغرورودو و کیمسه نی بیه نمزدی و هرکسین بیلمه دیگی بیر شیئی آجیقا اؤزونه سؤیلردی هم ده بیر آز قاباجا سؤیلیردی، ائله بو سببلردن اؤتورو بیر چوخ دوست و تانیشلارینی دا اوزوندن اینجیتمیشدی. بیئنی نسل ده اونون گنجیمشده کی خدمت لرینی بیلمه دیگی اوچون بو تصورلار- یینا وایران طرفدار ی اولدوغونا گؤره اونو تنقید ائدی لر. اونو یاخیندان تانیانلار یاخشی بیلیر لر کی او بوتون بونلارا باخمی اراق قلبی صاف، صمیمی و یاردیم سئوهن بیرعالیم و وطنپرور بیر مدنیت خادمی ایدی، او ایرانا و فارس ادبیاتینا عاشیق اولدوغو کیمسی آذربایجانا و آنادیلینه بوتون وارلیغی ایله باغلی ایدی، اساساً او دا بیزلر کیمی بونلاری بیر- بیریندن آبی ریمیردی و ایرانی آذربایجان جمهوریسینه ان یاخین قارداش حساب ائدی ردی.

من و منیم کیمی اونونلا یاخیندان تانیش اولان بیر چوخ عالی م دوستلاریمیز اونون بیلگی نین گنجیشلیگی و درین لیگینه حی سیران ایدیک. من اونا بو قدەر بیلگ و معلوماتی نئجه توپلادین دئییه سوروشاندا او منه: بونلار منیم پئشم سن بیر جراح اولاراق بونلاری نئجه اؤگرن دین دئییه جاواب وئریردی، اسلام عنعنه سینده بئله عالیم - لرین اؤلومو بیرنفر یوخ بیر ملتین اؤلومو کیمی وصفلندیر یلمیش دیر، چوخ شوکور بوگون آذربایجاندا شرقشناس، ایران شناس، تورکولوگ عالیم آز دگیل دیر، بوگون آذربایجان آکادمیا سیندا پروف سور واقیف ایلانوف کیمی آنسیکلوپدیک بیلگه صاحب عالیم لر واردیر. ائله رستمین بیئتیش دیردیگی و حیات یولداشی اولان رقیه خانیم قنبرقیزی اؤزو ده کیچیک بیر رستم دیر، فقط نه اولورسا اولسون رستم علییفون یئری ایستر آذربایجاندا، ایستر ایراندا همیشه بوش قالاچاق وزمان گنج دیکجه اونون قدری قیمتی آنلاشیلاچاق و ایرانشناسلار هر زامان اونو حورمتله یاد ائده جکلر .

وارلیق توپلوسو خصوصیلده وارلیق یازیجیلاری قدیمدن اونو تانییب و جوخ حیصهسی رستم کؤرپوسونو قورماقدا اونونلا امکداشلیق ائله دیکلری اوچون بو آغیر ایتگی ده اؤزونو شریک بیلیر و بوسیله ایله ده اونون ماتملی عائله سینه و دوستلارینا باش ساغلیغی وثریر و اولو تانری دان او داهی عالیمه رحمت و مغفرت دیله بیر .

دوقتور جواد هیئت
وارلیق درگیسنین مسئول مدیری

ایکی بویوک ایرانشناسین ماتمینده

ح.م.ساوالان

جمعه گونو فروردین آیینین ۲۶ سیندا ساعات دؤرددن آلتییا قدهر آذربایجانین تانینمیش عالیم لریندن، شاعیر و شرقشناس عالیم پرفسور مبارز علیزاده و بویوک شرقشناس عالیم پرفسور رستم علییف اوچون ترحیم مجلسی قورولدو. بو مجلس تهرانداکی خامنه لیرین خیرییه جمعیتی آذربایجان ضیالیلاری او جومله دن حورمتلی عالیم دوقتور جواد هیئت، عبدالکریم منظوری خامنه ای، آغشین آغ کمرلی، حسین گونئیلی، ساوالان، گونئی مدنیت اوچاغینین اعضاسی، شهریار درنگینین عضوری، خامنه لیرین خیرییه جمعیتی نین اعضا و مسئول خادم، آغسنا - ققاللاری طرفیندن تشکیل تا پمیشدی. اولده شاعیر آغشین آغ کمرلی مجلسین نه سببه تشکیل اولدوغو اوچون معلومات وئردی و گونئی مدنیت اوچاغینین اطلاعیه و باش ساغلیغی و تهرانداکی آذربایجانلی طلبه لرین بیانییه و باش ساغلیقلاری اوخوندو. سونرا آقا منظوری خامنه ای مرحوم پرفسور مبارز علیزاده نین حیاتی حقیقنده دانیشدی. اوندان سونرا شاعیر ساوالان مرحوم پرفسور رستم علییف پین شمه لسی حیات و یارادیجیلیغی و عظمتلی علمی ایشلری حقیقنده معلوم مات وثردی. بو یئرده خامنه لی مداح ائمه اطهار (ع) مداحی حسین آقا ولیجانی اوستاد شهریارین "علی ای همای رحمت" شعرینین مرحوم

مبارزعلیزاده طرفیندن آنادیلیمیزه ده منظوم ترجمه‌سینی آوازلا اوخودو، سونرا اوستاد ناظر شرفخانه‌ای گؤزه‌ل دانیشدی. و شعراوخودو بو یئرده شاعیر آذر مازندرانی یاخشی شعر اوخودو، سونرا شاعیر حسین گونئیلی گلیب دانیشدی، باش‌سا غلیغی وئردی. شعرین اوخودو و دئدی بئله ترحیم مجلیسی لازیم‌دیر، آما گلین دوستلاریمیزین، عالیم- لریمیزین ساغیکن قدرینی بیلک اونلاری یوخلایاق، صا غلیغینا ایل دؤنوملری توتاق. سونرا محفیلین آپاریجیسی آغشین اوستاد سؤنمزدن مناسیب حال شعر اوخودو. حسینیه ده جماعت جوخ ابدی. مرحوم پرفسور رستم علییفین دوستلاری و مرحوم مبارزعلیزاده‌نین قوهوم دوست و قارداشی واریدیلار. سونرا آقای گشتاسب مهربان گلیب آوازیه مجلیسه مناسیب شعر اوخودو. اوستاد شاعیر آتش گلیب باش‌سا غلیغی سؤیله‌دیلر. سونرا خامنه‌لیلردن آقای هوشنگ عقیلی گلیب باش‌سا غلیغی وئریب مرحوم مبارزعلیزاده‌دن بیر خاطیره سؤیله‌دی. مرحوم مبارزین یئتمیش ایل دؤرد آیدان سونرا خامنه‌یه کلمه‌سی مناسیتی ایل- سه سؤیله‌دیگی شعرینی اوخودو. و مجلیسین سونا جاتماسی اوچون حسین ولیجانی گلیب سیرالرحمان سوره‌سی اوخویوب هرایکی عالیمین روحونون شادلیغینا هامی قوناقلاردان بیرحمد-سوره اوخوماغی خواهیش ائلدی. و فاتحه وئریلدی.

بیزده اوردا اولان همتلی آذرباجانلیلار طرفیندن و وارلیق مجله- سینین امکدانشلاری خصوصیه تحریریه هیئتی طرفیندن بو ایکی عالیمین قالانلارینا خصوصیه عائله‌لری و حیات یولداشلارینا باش‌سا غلیغی و سلامتلیک و دوزوم آرزولا ائدیپ آلاسه تبارک و تعالی‌دان ایسته‌ییریک اولارا رحمت ائله‌سین .

پرفسور رستم علییف کیم ایدی؟!

آذرباجانین تانینمیش عالمی مدنی واجتماعی خادمی پرفسور رستم علییف فروردین آیینین ایگرمی دؤردونده وفات ائتمیشدیر. اونون

حیات و یارادجیلیغی حقینده بیرآز معلومات وثرمک ایستردیم .
 پروفسور رستم علییف ۱۹۲۹- جی ایلده شامخور شهرینده آنادان
 اولموشدور. ۱۹۵۱- جی ایلده لنینگراد دؤلت دانشگاهینین شرقشنا سلیق
 فاکولته سیندن مآذون اولموشدور. ۱۹۵۴- جو ایلده آدی جکیلسن
 دانشکده نین اسپرانتوراسینا داخل اولموشدور و سعدی شیرازی حقینده
 علمی تحقیقات آپاریب ، علمی نامزدلیک دیسرتاسیاسینی موفقیتلله
 مدافعه ائتمیشدیر. او ۱۹۵۵- جی ایلدن ۱۹۷۰- جی ایلده قدهر مسکو
 داکی شرقشنا سلیق انستیتوسیندا ایشله میش دیر. کئچمیش جوخ ملتلی
 شوروی نین علملر آکادمیاسی نین عضو و شرقشنا سلیق انستیتوسونون
 رئیس سی مرحوم آکادمیک غفوروفه پروفسور رستم علییف دونبا نین ان یا خشی
 و ان مشهور عالیمی و شرقشنا سی کیمی ده بیرلندیر میشدیر. رستم علییف
 بین علمی فعالیتینی بیر نئجه سطرده بیغجام بیر وضعده بئله
 قند ائتمک جتین بیر ایشدیر. آذربایجاندا ائله عالیم لر واردیرکی
 خلق اونو تانیمیر و آدینی بئله ائشیتمه بییدیر. لاکین ائله عالیم
 ده واردیرکی نه فقط آذربایجان بلکه تمام دونیا اونو چوخ یا خشی
 تانیبیر. ائله عالیم لر ایچهریسینده ان مشهوری رستم علییف دیر .
 آذربایجان خلقی اونو ۶۰- جی ایلر دؤری مطبوعات و روزنامه لرده
 آردیجیل مقاله لری ایله تانیمیشدیر. مرحوم عالیم دونیا نین هر
 یئرینه سفر ائتدیگی اؤلکه لرده یا شیان آذربایجانلیلار حقینده
 آختاریش آپاریب بلله ندیره ن بیر شخص ایدی. او جومله دن سعدی نین
 ۷۰۰ ایللیگینده ایرانا ائتدیگی سفرینده آذربایجان جمهوریسینین
 آدلی سانلی شاعیری محمد راحیمین مکتوبونو مرحوم اوستاد شهریارا
 کتیریب و جاوابینی دا شعریله آلیب آپارمیشدیر .

او روزنامه لرده گئدن "اوقدا ن مکتوبلار" آدلی مقاله لرینده
 دونیا نین هر یئرینده یازیب یارادان عالیم ، شاعیر ، یازیچی آذربای
 جانلیلاری تانیتدیرمیشدیر. مقاله لرده ایران - تورکیه - افغانستان
 مصر ، عراق ، سوریه ، لبنان و ... دونیا نین بیر چوخ اؤلکه لرینده
 یا شایان آذربایجانلی تورکلرین حقینده اطرافلی معلومات وثرمیش
 دیر. اونون بو مقاله لری اوخوجولارین بیر چوخ ماراغینا سبب
 اولموشدور. طبیعی دیر اونون مقاله لرینی اوخویانلار ویا اونون
 تانیانلار بئله اونون اؤلومونه تأسف ائدیپ ، حیفسیله نه چکلر او ،

اؤز علاقه‌سبني شهر ياردان كسمه‌دى ،سعدى ،حافظ خصوصيله شهرسار يئتيره ن ايرانى جوخ سؤيوردى.دفعه‌لرله رهبرخا منه‌اي حضرتلري نين گؤروشونده اولموشدور.هرايل فجر اونگونلوپونده انقلاب جشنلرينده بيزلرله بيرگه اولموشدور.او،آذربايجان جمهوريسى ،ايران اسلام جمهوريسى نين فرهنگ و مدنى دوستلوغو جمعيتي نين رئيسى و بانى سى ايدى.آللاه اونا رحمت ائله سين و قبرى نوريله دولسون ...

اونون ايرانا ،خصوصيله بيز آذربايجان ليلارا اولان قيزغين محبتيني مسكو گؤرور.اونون خاقانى،نظامى،حافظ و سعديه ،خصوصيله شهر يارا اولان محبتيني گؤره ن حاكيم اونو گرفتار ائديز.حزب دن جىخا دير ،دوستاغا سالبر و حتى بئله اؤلدورمك فيكرينه ده دوشور .

پروفسور رستم علييف مسكودان باكييا گلندن سونرا علمى فعاليتى ايله ياناشى،مدنى و اجتماعى فعاليتيني ده داوام ائتديرميشدى. گنج متخصصلرين يئتيشديرمه سبنده امك صرفا ائتميشدير.جونكى او جوخ قدرتلى و استعدادلى شرقشناس،نظامى شناس ،ايران شناس ايدى.نظامى و سعدى حقينده علمى مقاله لر يندن باشقا علمى كتابلار دا يازيب چاپدان جىخا رسب يابميشدى.ايران ادبياتى خصوصيله آذربايجان ادبياتى او جومله دن بؤيوك مکتب صاحبي نسيمي و نعيمى حقينده و ديگر ادبى شخصيتلر نين حيات و ياراديجيلىقلارى و اثرلري باره ده يوزلرله علمى مقاله و كتابلار يازميشدير.پروفسور رستم علييف دونيانين بير جوخ اؤلكه لر بنه علمى سفرلر ائتميشدى،كتابلاردا او خودوغوندان باشقا گؤزبله گؤرموشدو .داها دوغروسو او دونيا ملتلرينين بير جوخونون ديرى ديپلرين بيليردى. او جومله دن تورك، فارس ،عرب و انگليس ،روس و فرانسه ديپلرينى بيليردى .سو دا اونون علمى ساحه سينده قول - قاناد آچماغا امكانلار ياراديب ،بير سيرا اؤلكه لره سعدى يانه سفرلر ائتمه گه پولونو هموار ائتيردى.او شهر يارى اوره كدن سئوه نلردن بيرى ايدى.باكي دا شهر يار آدلسى عزتتدين باش رنداكتورو و مسئول مديرى ايدى.كى مرحوم شهر يارين عشقى و دوستلوغو احترامينا او روزنامه نى جىخا يريردى .

آللاه حؤرمتملى عاليم مرحوم پروفسور رستم علييفه رحمت ائله سين و قائلارلى عائله و دوستلارينا خصوصيله علم اهلى و حيات يولداشى رقيه خانيم قنبر قيزينا صبر عنائت ائله سين

حاج مهدی شکوهی

از: نزهت تبریزی

● از کجا آمده ایم و به کجا میرویم

تعجب از کسانی دارم که بدنیا آمده و از اوضاع و احوال ظاهری این دنیا باخبر نیستند، یعنی نه از تاریخ سلف و نه از تاریخ معاصرین، نه از اولین و نه از آخرین، بلکه کسانی هم هستند که از آباء و اجداد خودشان هم آگاهی ندارند. حتی سن خودشان را هم نمیدانند.

حاج مهدی شکوهی

شادروان حاج مهدی شکوهی (۱۲۴۷-۱۳۱۳ هجری قمری) از شعرای معاصر دوران مشروطیت است. مرد آزاد اندیش، اهل مطالعه و تحقیق با شہامت ابراز عقیده و طالب و دست‌اندرکار روشنگری هرچه تمامتر محیط خود بوده است. او همراه بسیاری از متفکرین همزمان خودش در تبریز و مراغه در اشاعه فرهنگ و علوم جدید و پی‌ریزی مشروطیت و آماده کردن افکار عامه برای خواستن آزادی زحمات بسیاری کشید و از این راستا عناد و دشمنی و عداوت و کین خواهی زمامداران خونخوار و خونریزی مثل صدخان شجاع الدوله را نه تنها بجان خرید بلکه اولاد و احفاد خود را نیز مثل حاج میرزا حسن شکوهی را جان بار آورد که مصرانه و بکوشش و جهد و مردانگی تمام در مقابل این خونخواران ایستادند و حبس و تبعید و شلاق صدخان‌ها را متوجه جان سخت و مردانه و پرهمت خود کردند. از اشاعه فرهنگ با بنا کردن دبستانهای پسرانه و دخترانه، در زمانیکه این کار نه تنها خدمت حساب نمیشد بلکه تکفیر دستگاہ ارتجاعی قاجاریان را در پی داشت. این نیک، مردان در زمانیکه فقر و تهی‌دستی و مسکنت بر تمام ملک سایه افکنده بود با تمام وجود و هستی و دار و ندار خود بارها

مدارسی بنا کردند و نوباوگان ملک را تعلیم دادند و وقتی این مدارس که با خون دل این آزاد مردان پایه عرصه ملک و مملکت گذاشته بود به دست عمده و عکره استبداد خراب شده و به آتش کشیده می شد، بطور خستگی ناپذیری از نو بنا می کردند و خود را گرفتار غل و زنجیر نمی نمودند و در این راه نیک اندیشانی مثل محمد مقدس را فدا کردند. نوشته های روزنامه های روشنگر خارجی و کتابهای مثل تألیفات شادروان عبدالرحیم طالبوف، جلیل محمدقلی زاده و دیگران را در تبریز و مراغه با زحمات عدیده ای چاپ می کردند، چیزی که همچون دشنه فولادینی در چشم صمدخانها فرو میرفت و آنها را بخون این آزاد مردان تشنه تر میکرد.

قلم طنزآلود و نیش دار و اشعار حماسی و وطنی او ورد زبان مردم کوچه و بازار آنروز مراغه و تبریز بود. اگر زورشان به صمدخانها نمی رسید، فراشان و جیره خواران آنها را به طعن و طنز مسخره می کردند. تعدی و دست درازی آنها را به اموال مردم با اشعار گویا و عامه پسندی به زبانها می انداختند که در زیر این اوراق نظایر و امثله آنها ذکر خواهد شد.

دیوان شعر و نثر و حکایات جذاب حاج مهدی چند بار با چاپ سنگی و خط زیبای کاتبین عصر نوشته و پخش شد. از جمله آنها چاپ خطی و سنگی است در چهارصد صفحه مثنویها، حکایات منظوم، هجوها و تنقیدها حکایات شیرین، ماده تاریخهای عدیده ای از اتفاقات مثل سیل تبریز دعوی رم و روس، ساختمانهای عمومی فرهنگی خیرخواهان بخط محمد هاشم فرزند اللهقلی ساکن مراغه و به تاریخ ۱۳۲۱ هجری نشر شده است. برای آگاهی از تاریخ زندگی این شاعر بزرگ گرجه می توان از کتب زیادی که از او و آثارش یاد کرده اند مثل تاریخ مشروطه شادروان کسروی یاد کرد ولی بهتر است آنچه که خود او بعنوان اوتوبیوگرافی از خود به یادگار گذاشته است مانیز اینجا بیاوریم. . . . علیهذا کاتب الحروف به رسم یادگار در میان اولاد و احفاد خودم این تاریخچه را می نویسم: حقیر، اقل الحاج مهدی شکوهی ولد مرحمت و غفران پناه حاج محمدقلی ولد مرحوم اهلی ولد محمدعلی ولد اهلی (که قبل از اینها نام و نشانی بدست نیامد) و چون در پدران ما دو نفر اهلی نام بوده بنا بر این سلسله ما را اولاد اهلی می گویند و

احتمالاً "سلسله" ما از اولاد اهلی شیرازی هم بوده باشد. بعد از آنکه از مکتب خارج شدم دوسه سال شاگردی نقاشی و آینه سازی کردم که در آن وقتها صنعت خوبی بود و بعضی آینه های اختراعی هم ساختم ولی سپس از آن صنعت دست کشیده مشغول مشق کیمیاگری شدیم که با چند نفر از رفقای نامناسب که انسان را فریب می دهند بدین کار کشیده شدم.

بعد از مدتی که تمام سرمایه و اندوخته ام را در این راه و مشق بی حاصل گذاشته و تلف کردم معلوم شد که این عمل اصلی ندارد بلکه آدمهای چاپ زن و قلابی به جهت فریب دادن عوام الناس چنین اسم بی معنایی را به میدان آورده اند خلاصه بعد از مدتی رنج بیهوده دوباره مشغول آینه سازی و کاسبی شده و باز فی الجمله سرمایه های بدست آورده، گاهی تجارت در مراغه و گاهی صد یا دویست خروار گندم خریده و میروختم تا عاقبت در سال ۱۲۹۸ هجری بدلاستقلال در مراغه دکان بزازی گشودم و با نورچشمی میرزا حسن (شادروان حاج میرزا حسن شکوهی که شرح حالش در تاریخ مشروطه ایران ضبط است) که به مقام رشد رسیده و از برادر بزرگش قطع نظر کرده و از تبریز به نزد من آمده بود، دست یکی کرده و با هم مشغول کسب و کار شدیم.

نظر به اینکه از طفولیت هم به شعر و شاعری علاقه داشتم، غزل و قصیده و اشعاری گفته و مجموعه ای ساختم - اوایل ناشی و بعد شکوهی تخلص کردم.

در زندگی هم از دروغ و دزدی و بخل و حسد و ظلم و آنچه نزد همه مذموم است اجتناب کرده و راستی و صدق و صفا و امانت و دیانت و مهربانی و عدالت و سخاوت و تألیف قلوب و خلوص نیت و آنچه نزد همه ممدوح است شعار خود ساختم و الحمدلله پیش همه کس عزیز و مکرم شدم که حتی ارامنه مراغه همیشه هزار یا دو هزار تومان پول بدون سند و مدرک در اختیار من می گذاشتند.

"حتی بطوریکه مشهور است در موقع گرفتاری و حبس میرزا حسن شکوهی ارامنه مراغه پول جمع کرده و با تقدیم آن به صمدخان و ضمانت بیشتری او را از زندان نجات می دهند". شادروان حاج مهدی در سفر مکه خود که از کشور ترکیه و شهر استانبول دیدن کرده است - خاطرات منظوم خود را از شهر استانبول چنین می نویسد:

من بو شهری، وضة رضوان گوردوم

بسکی هر داش و قومون لولوء مرجان گوردوم
قهوه لردا، گنجه گوندوز بيغيشوب ترك و عجم
جوق-جوق عشرت ايچون مجلس رندا ن گوردوم
گاه بير جرگه ني سرگرم قوماره، كي رقيب
يا توب اون دورت ده، حريف ائيله دي تالان گوردوم
شيخ صنعا نه بو بير خطه گرجستان دور
ننجه کافر قيزي غارتگر ايما ن گوردوم
قارشوده- کورپوده - واپورده، دريا - دريا
فوج آهو کيمي جمعيت خوبا ن گوردوم
فهم قيلديم سبب تسميه " بئش داشي"
بسکي چوخ سخت کونول دلبر فتان گوردوم
قاضي کويونده گئدوب دين ايله ايما ن باده
عقلا پنديني افسانه و دستان گوردوم
" اسکودارين" نه دئيوم آب و هواسين که سويون
ايچن اولمز به مثل چشمه حيوان گوردوم
تاري حفظ ائيله سون اول حاج حبيب آقاني
اؤزومي بير ننجه گون من اونا مهمان گوردوم
سروريم حاج محمدحسن تاهباز - ي
عاقل کامل و صراف سخندان گوردوم
جوخ بگنديم حاج ميرزاي حبيب آقاني
ننجه خوش طينت و خوش طبع بير انسان گوردوم
حقي وار ائيله مه دي ديد مني حاج رحيم
بسکي من اوردا خر و گاو فراوان گوردوم
نه گؤزه ل شاعير عرا، ننجه رمزي بابا
نظمي ني درّ و گهر سينه سين عمان گوردوم.

شاعر گاوي داشته که حاج الهويدی نامی از عکره صمدخان آنرا
تصاحب میکند و او در شکایت از این شخص به حاکم وقت عبدالله سلطان
حیدرانلو شعری بصورت نامه سرگشاده ای می نویسد و می پراکند و آن
منظومه این است :

ای فلک رتبه آفتاب نشان
 عمده سلطان حضرت خاقان
 سن حاجی او غلوسان حاجی زاده
 حکمران دلیر و آزاده
 سیزدن انعام و خلعت ایسته میرم
 بوندان آرتوق محبت ایسته میرم
 کی نه وار چارپا نه بیر مینه گیم
 دار دونیاده واردی بیر اینه گیم
 بو نه انصاف و نه مروت دور
 نه ره صاحب شریعت دور
 حاجی الهویردی غصب اثتسون
 اوزونه مال گیری کسب اثتسون
 سیزه هر چند اونون غرابتی وار
 سیز نه حکم ائیله سوز اطاعتی وار
 ایندی بیر خواهیشیم بودور سیزدن
 التفاتون کم اولماسون بیزدن
 وئرسون الاله قلبوون دبله گین
 آل گیلن، وئر شکوهی نون اینه گین

بطوریکه ذکرش رفت بعد از اینکه مال و ثروتش را در راه کیمیاگری
 میگذارد و در شکست می‌شود از تبریز به مراغه آمده و دکان بنزازی
 باز میکند ولی اینجا هم گرفتار بدخواهان و جسودان صنف بنزاز
 می‌شود که با طرفندهای مختلفی می‌خواهند او را از کسب و کار مانع
 شوند و گویا پیش حاکم از اینکه او مالیات حق خود را نمی‌دهد
 بدگوئی و سخن چینی می‌کنند که ماجرای محکمه‌ای را که او را به آنجا
 کشیده بودند چنین بیان می‌کند.

طعن اقوامه دؤزمه یوب قاچدیم
 ملک غربت ده بیر دکان آچدیم
 بیثمه میش بیر زیان و سود منه
 صنف بنزاز اولوب حسود منه
 مالیاتی ائدوب بهانه غرض

بیغیشوب باشیما او ایل مرض
بیری دوتوب چکیردی شالیم دن
بیری دومسوک ووروردی ذالیمدان

و بعد از آنکه اغراض بزازه‌های دیگر را به میان آورده و نیش‌زبانهای
جالبی نثار آنها میکنند و پتّه همه را روی آب می‌ریزد با قلم
نیشداری و ایبامهای جالبی از زبان رئیس محکمه که رئیس‌التجار
تبریزی نام داشته چنین می‌گوید:

آجدی اول دم رئیس‌پرده راز؟
سؤیلنده‌ی ای جماعت بزاز
من بو شهره رئیس‌تجارم
بوخدو تاجر اگر چی، ناچارم
ظاهرا" بو اطاق محکمه دور
باطنا" بیر دوکان مظلمه دور
ایشله‌ره هر نه مدعی تحریک
نه کی آلسا اولور منیم‌له شریک
وقفیات امرینه وکیلیم من
مالیات امرینه دخیلیم من
هاردای، هر زاد ساتولسا دلالم
هاردای بیر مجلس اولسا نقالم
هرکس اولسا بو شهرده مرحوم
اولارام من عیالینه قیوم
صاحب حکم و اهل فتوایم
منده بیر بیسواد، ملایم
رشوه آلام هزار شیوه ایله
کئچر امریم مدام رشوه ایله

تا بالاخره حاج مهدی نامی به دادش میرسد و با ملامت کردن قوم
شاکی و مزاحم و نصیحت‌رئیس جلسه آنها را می‌پراکند و او را خلاصی
می‌دهد:

پس حاجی مهدی گلدی امداده
رحمی گلدی یشتیشدی فریاده

قلبی احوالیمه منیم یاندى
 خلقه بیر غیض ایلن آجیقلاندی
 دانا یوب خلقی ائتدی شرمنده
 اولدولار بیر به بیر پراکنده
 قادر ذوالجلال ذوالاعزاز
 خالق کارساز بنده نواز
 ائیله سون عؤمرو دولتین زیاد
 به محمد و اله الدحجاد

از اینها که بگذریم حاج مهدی شادروان غزلیات ناب و زیبا و دل-
 انگیزی دارد که گذشته از سلامت بیان و نغز گفتار محتوای صنایع
 شعری بدیعی هم می‌باشد و از این قبیل دردیوان او فراوان است که
 یکی را به عنوان نمونه می‌آوریم:

ای سروناز غیغیون آخر نه سب دور
 هانسی مریض عشقه بو آخر نصیب دور
 بیمار دور همیشه سیه حشمون ای عجب
 یوز ایل عشق دردینه اما طیب دور
 جلاد ناز و غمزون عجب دلستان ای‌میش
 عیار چشم مستون عجب دلفریب دور
 کؤنلوم گهی سؤزون، گه اوزون گه یوزون سئور
 گه طوطی گاه قمری و گه عندلیب دور
 گئتمیشدیم، ایندی بول کی سنون پایبندووه م
 زولفون خیالی مایه صبر و شکیب دور
 قربان کویون اولسا شکوهی عجب دگیل
 جان ائتسه گر مضایقه سندن غریب دور

یا خود:

یوزووه لاله دئسم لاله حمراء سئوینهر
 بو بویا سرو دئسم سرو دل آرا سئوینهر
 او قارا گؤزلریوی نرگسه اوخشاتسام اگر
 فخردن گلشن آرا نرگس شهلا سئوینهر
 نقد جاندا ن کئچوب ائتدیم گل رخساره نظر

تا جر عشقون، ائدیب نفعلی سودا سئوینەر
 من کی بیر مفلس عشقم قوی امیم لعل لبون
 دوشه مفلس الینه لعل مصفا سئوینەر
 عاشقون گؤر نئجه دیوانه دوکم گردنینه
 دولاتور سلسله زولف چلیپا سئوینەر
 سئوینەر دل لب نوشینووی گؤرچک نئجه کیم
 رند شوریده گؤروب ساغر صهبا سئوینەر
 نئجه گؤر وصف جمالوندا سنون ناشی زار
 کینه بیر تازه غزل ائیله یوب انشاء سئوینەر

مرحوم کسروی در تاریخ هیجده ساله آذربایجان و اخیراً "آقای یونسی مروارید در کتاب تاریخ مراغه یا افراز دود از ستم‌هایی که به ابن خاندان، مخصوصاً حاج مهدی و پسرش حاج میرزا حسن شکوهی رفته و خدمات ارزنده اجتماعی - سیاسی - فرهنگی ایشان مفصل یاد کرده و بنسبای مدارسی مثل سعدیه - (اولین مدرسه در مراغه، سال ۱۳۲۴ هجری قمری، دبستان شکوهی - جلالیه، تربیت‌النبات که بیاری مرحوم منشی باشی و نیز محمدعلی طبیبی خوئی و عادل خان تاجرباشی بنا نهاده‌اند ذکر کرده است .

از سلیقه‌های شعری و ذوق‌های هنری دیگر این شاعر خوش‌قریحه و شیرین‌کلام ماده تاریخهای متعددیست که چند بیت از آنها به‌عنوان نمونه آورده می‌شود:

در ماده تاریخ بنائش که جناب حاج مجتهد آقا بنا کرده گوید:

جناب مجتهد آقا که باشد
 نگهدارت خداوند تبارک
 عجب تعمیر کردی خوش‌سرائی
 شود معمور فی‌الدارین دارک
 بود تاریخ سال ابتدایش
 " سرای دلکشت با دا مبارک

که بحساب ابجد ۱۲۶۹ می‌شود .

در سیل مشهور تبریز که ویرانی زیادی به بار آورد گفته است:
 روزی که سیل آمد و تبریز شد خراب

از انهدام گنبد افلاک بیم بود
تاریخ او بنام شکوهی چنین نوشت
سیلی نبود وه که بلای عظیم بود

که بحساب ابجد ۱۲۸۷ می‌شود.

در جنگ روم و روس در سال ۱۲۷۶ چنین ماده تاریخ ساخته است.

در جنگ روم و روس چنین نقل می‌کنند
در هر نفس تقبل رسد به عدد نفوس
دولت شهنشاه ایران غنوده‌ایم
در بزم یار، دل شده شاد از کنار و بوس
تاریخ او بنام شکوهی حسی نوشت
ما را چه احتیاط ز دعوی روم و روس
در مدح شاعری بنام راجی خوش‌نوشته است :

کسمه مندن او مید ای راجی
ای دغلباز اونودما لیلاجی
جو خدا مغرور اولما شهرتووه
دا گشت ای وزن شعر محتاجی
با ساز آواز تار و خپگی مدام
نالۀ خیرت خیرت حلاجی
دا غیدوب مایه‌سین قالب مفس
تاری دوگسون بو رند خراجی
گر سنون تک دثیوب یا زوب دا غیدام
بیرجه ایل انتهای معراجی
ایشله‌ره‌م شهرده بئله شهرت
کی ائده‌نمز ددونده ای راجی

و راجی با یک عقب‌نشینی مظفرانه در یک بیت چنین جواب می‌دهد:

سن بئله بیلورسن کیم راجی سنی آز ایستر؟
عالم‌جه سنی اما ای آینه‌ساز ایستر
در تاریخ وفات میرزا علی‌محمدنا می مشهور به ضیاء که گویا با شاعر
روی خوشی نداشته می‌گوید:
امروز ضیائی مرد

کدر از دل ما برد
تاریخ همین آمد
امروز ضیائی مرد (۱۳۰۹)

ودرمدح و هجو او ابیات مفصلی دارد :

هر چند بیر نفرسن میرزا علی محمد
بیر بادیه بقرسن میرزا علی محمد
یا بیر طویلله خرسن میرزا علی محمد
بلکه زیاده ترسن میرزا علی محمد
هاردا اولور بو آخر حیوان با تفحص
نادان با فراست عریان با تشخیص
کو... خیا ملقب، اعمی ضیا تخلص
هنج کم دگیل مگر سن میرزا علی محمد
هم شعر دور شعارون نه شعر شعر باطل
هم زهر دور مقالون نه زهر زهر قاتل
مرد ایسته مز وجودون نه مرد، مرد عاقل
از بسکی بد گهرسن میرزا علی محمد
هر ائشگی مسیحا هر خرسی خضر کوردون
مرشد تصور ائتدون آردینجا جوخ یوگوردون
هر مجلسه او گیردی سن کفش کن ده دوردون
جوخ کیمیا نظرسن میرزا علی محمد
قونسول ائوینده مفتی قلیان و جای و نان وار
اولما کسیل دو جان باس جسمونده تاکی جان وار
غافل نه اگلشوبس روسیه ده شیلان وار
نه بئله بی خبرسن میرزا علی محمد
هم موره حرض و آزون هم موشه نسبتی وار
هنگام خواب چشمون خرگوشه نسبتی وار
بد میمنت وجودون با یقوشه نسبتی وار
بیر طرفه جانورسن میرزا علی محمد
باک ائیله مز شکوهی گر شاعر اولسا هامی
داسا... دگیل بیج قاتنی ایله جامی
آخر نه کسدی سعدی فردوسی یا نظامی

سن خود کی دب نر سن میرزا علی محمد

مرحوم حاج مهدی را فرزندان زیادی بود که اغلب در تولد آنها ماده تاریخی گفته است. فرزند ارشادش حسین است که گفته:

حسینا بر تو تاریخ تولد
نهادم " شهر شوال المکرم "

برای شادروان حاج میرزا حسن شکوهی که از اولاد افتخار آفرین او بود و خود شرح زندگی سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مفصلی دارد که بعضی از آنها ذکر شد گفته است:

شد شب جمعه غره رمضان
قره العین فی حسن مولود
غره ماه گشته تاریخش
الف و لامی ولی بر او بغزود

برای فرزندش جلال (بعدها معروف به جلال تازه داماد) شد.

چهارشنبه خمس و عشرين رجب بعد از زوال
شد شکوهی را جلالی از مقدم سعد جلال

برای دختر بزرگ اش رعنا:

بو رعنا طلعتون چون اولدی ای رعنا جهان آرا
اولوب تاریخ تولیدون " واروندور طلعت زیبا "

دختری طاووس نام داشت با ۸ انگشت در پای چپ:

این دختر من که گلغدارش بینم
انگشت به پای چپ دوچارش بینم
تاریخ بر او، مصرع آخر آمد:
"طاووس ز پای شرمسارش بینم"

اشعار ملمع ترکی و فارسی او بر سیاق نصاب الصبایان بسیار مفتون کننده است:

سحر کی گوللر آچار گلشن ایچره رنگارنگ
اسر نسیم چکر عنندلیب خوش آهنگ
تو هم ز من بشنو ای جوان گلرخسار

بخوان چو مرغ سحرابین غزل به نغمه جنگ
 دهنه پدر، ننه مادر اوغول پسر سوز حرف
 اوگود نصیحت آجی تلخ همجو باوه خضنگ
 پاییز خزان و قاوون خربزه پیچاق چاقو
 اوشاق کودک و قوز گردکان و داش چو سنگ
 گلین عروس - قاری پیر و زال - قیز دختر
 چو ایستی گرم بود گن فراخ دار چو تنگ
 آیی و تولکی و دونگوژ و اصلان و قافلان
 چو خرس باشد و روباه و خوک و شیرو پلنگ
 یالان دروغ، دئدی گفت پیزوک دیوس
 کی گلمدی جو نیامد یوباندی کرد درنگ
 شیک لگد، یوموروق مشت بوغما پنجه زدن
 سیریتما و دگنگ چوبدست و اوخ جو خدنگ
 اوکوز چو گا و - قودوخ کره روستا کتدی
 سراب و چشمه بولاق، رود چای کوزه سهنگ
 آت اشک اسب و خر در ارککدیشی نر و ماده
 پیه طویله آریخ یعنی لاغر آخساق لنگ
 نچون چرا، دلی دیوانه، آتا ماز نادان
 نه اولدی گئتدی ساواشا - چه شد که رفت به جنگ
 اوزون دراز - قمیشنی بود توتک سرنا
 هارای داد و جاخیر باده باشد و پله بننگ
 چنانکه آند قسم ایجدی خورد، ساتدی فروخت
 باها، گران، اوچوز ارزان - پارچه مال فرنگ

دیوان شادروان شکوهی چندبار به خط زیبا و چاپ سنگی در گذشته چاپ
 و منتشر شده و حدود چهارصد صفحه شامل قصاید، مثنویها، غزلیات، مدح
 و قدح - ماده تاریخها، اشعار ترکی و فارسی لغت و معنی، و قسمتی
 هم حکایات طنزآلود عبرت انگیز است. امیداست، فرصت خدمتی پیش
 آید که بتوانیم این دیوان ارزشمند را که می‌تواند در غنی کردن
 ادبیات وسیع زبان ترکی سهم عمده‌ای داشته و جای والائی بگیرد، چاپ
 و منتشر کنیم.

در خاتمه جا دارد از جناب آقای دکتر جلال شکوهی طیب فرزانسه و

دانشمند محقق و معروف شهرما که خود از سلاله اهلی و شکوهی هستند
تشکر کنم که در تنظیم این مقال با ارائه دیوان آن مرحوم و مدارک
و اسناد زیادی ما را یاری دادند.

آقای دکتر شکوهی همکار ارزشمند و محقق پویای من رادیولوژیست
برجسته‌ای هستند که علاوه بر مقام استادیاری دانشگاه‌شان در چند
بیمارستان و مراکز تشخیص رادیولوژی مثل بیمارستان جمران - مرکز
H. R. O. I دکتر اطهری - مرکز پزشکی هسته‌ای کوثر سمت مدیریست
دارند. توفیق هرچه بیشتر ایشان را در خدمت به میهن اسلامی خواهانیم

نزهت تبریزی

تهران - اردیبهشت ماه / ۱۳۷۳

اوشاق شعری و موسیقی سی آخسامی

۱۳۷۳ - جو ایلین تیر آییندا بیرینجی دفعه اولراق تهراندا
اوشاقلار اوچون آذری تورکجه سینده " شعر و موسیقی آخسامی "
قورولاجاق و برنامهنین بوتون حصه لری (آپاریجیلیق و ایفاچیلیق)
اوشاقلارین واسطه سیله اداره اولوناجاقدیر .
بوشعر و موسیقی آخسامیندا مختلف برنامهلر اوچمله دن: ماهنی -
اوخوما ، موسیقی چالما ، معین موضوعلار حقیقینده چیخیشلار ، آذربایجان
اوشاقلارینا مخصوص اولان او یونلار ، شعر ، نثا تر ، یاریش و
بیرلشدیریلیبیدیر . دشمک لازیم دیر کی برنامهلرین کناریندا اوشاق
لارلا علاقه دار خط ، نقاشلیق ، دیواری نشریه ، ال ایشری ، عکس
پوسترو کتاب نمایشه قویولاجاقدیر .

حیدر بابا یا سلام نمایشی نئجه آقیشلاندی

۱۳۷۲- جی ایل، فجر اون گونلویو مناسبتیله بهمن آیینین ایگیری می سینده، ایلک دفعه آقای حسین بقال لاله کارگردانلیغی ایله "حیدر بابا یا سلام" اوپرا نمایشی، تهرانین "وحدت" تالاریندا آذربایجان تورکجه سینده صحنه اؤزه رینه گئتمیشدیر. نمایشین تاماشا سینا گلنلر هله نمایش باشلانما میشدان ساعتلار قاباق، تالار قاباغینا بییغیشمیش دیلار.

نمایش آخسام اوستو ساعات یئددی ده باشلانمالیدی، آنجاق ساعات یئددی حدودوندا اؤزلرینی تالارا جاتدیرانلار سالونا کئچه بیلمه دیلر چونکی هله نمایش ساعاتی جاتما میشدان، سالونون بوتون طبقه لرینین صندلری و حتا راهرولاری تاماشا چیلارلا دولموشدو. جوخلارینین بلیطلری اللرینده قاپی آرخا سیندا قالدیلار!

اونلار هر حالدا نمایشی گؤرمک ایسته پیردیلر. نهایت قاپی آرخا سیندا قالانلارین ایستگی و اصراری اساسیندا، حیدر بابا نمایشی یئننی دن جمعه گونو بهمنین ایگیری می ایکی سینده "تیا ترشهر" ده نمایش صحنه سینه گئتدی. نمایش قورتا ردیقدا ن سونرا تاماشا چیلارین سیمالاریندا هیجان و راضیلیق علامتلی گؤرونوردو. آذربایجان دیلینده بئله ده بؤیوک ایش اولما بیلر میس؟! هانسی امکانلارلا بئله اوپرا سویه سینده بو نمایش یارانیب دیر گؤره سن؟

کامل اورکستر گروپو، قیرخا یا خین صحنه ده نقش ایفا ائدن جاوان کیشی، قادین، قیز و اوغلان اوشاقلاری و بیتمیش نفر نمایشین حاضر- لانما سیندا ایشله یین لری هانسی امکانلارلا توپلاییلار بیر یئره؟ نه قدر پول خرج اولوب بو ایشه گؤره سن؟ جاوان لاکین مهارتلی آپاریجی (کارگردان)، نمایش قورتا ردیقدا ن

انتظار سالونوندا دایانیب، تاماشاچیلارین راضیلیق حسی ایله تشکر لرینه جاواب وثرمه کده ایدی.

فرصتدن استفاده ابدیب اونا یاناشدیم و نمایشین یارانماسی و اجراسی حقیقنده دانیشماغی خواهیثرا شتدیم.

آقای لاله سؤزه بئله باشلادی:

حیدربابایا سلام "نمایشینین یارانما فیکیری، بیرایل یاریم قاباق و داها دوغروسو، منیم تورک دیلینده بیرینجی نمایشیم "آلیسن یازیسی" اجرا اولونان زامان ذهنیمده بیثلشمیشدی. و او واختدان بری بو نمایشین اوزه رینده ایشله بیرم، آنجا قاون آی حدودوندا دیر کی، اونو داوامجیل تمرین اشدیریک. سونرا بئله دئدی:

اؤزوم تهراندا یاشادیغیم حالدا بو نمایشی تبریزده حاضرلاماغا باشلادیم، لاکین تأسفله دئمه لپیم کی، ایشین باشلانیشیندا مختلف مانعہ لره راست گلدیم.

دندنه ایشیمیزین علیینه تبریزده مخالف فضا یاراتدیلار، بو سبب دن تجربہ لی تیاتر ایفاچیلاری بیزه یاخین گلمه کدن چکیندی لر.

نهایتده ایکی - اوج نفر دن باشقا بوتون صحنه آداملاریمیز اؤز دیلینه و مدنیتینه عاشیق، جاوانلاریمیز اولدو کی، ایلک دفعه ایدی تیاتر صحنه سینه قدم قویوردولار. سونرا بئله ادامه وئردی: نمایشین حاضرانما سیندا ۷۰ نفر ایشله یین انسالار یالنینز و یالینز دیلینه و فولکلورون باغلی گنجلریمیز اولموشدور، اونلار تمناسیز اؤز ایشلریندن و درس لریندن ال چکیب تمرینلرده و نمایشین باشقا ایشلرینده حاضر اولموشلار. آقای لاله، تبریزین فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیلاتینین بو ایشده اونلارا کؤمک ائتمه مه سیندن گیلله نیب دئمیشدیر:

تبریزین ارشاد اسلامی تشکیلاتی بیر کیچیک تمرین سالونوندا بیزیم اختیاریمیزدا قویمادی |

او بو ایشین سببینی تبریز ارشاد تشکیلاتینین مسؤل لارینین هنر دونیاسی ایله فاصله توتمالاری، بو زمینده خلاقیتلرینین اولمامالاری و نهایتده هنر ساحه سینده فیکر لرینین گئنیثراولمامالارینیندا بیلمیشدیر.

حیدربابایا سلام "نمایشینین آپاریجیسی آرتیرمیشدیر، تهراندا

میلیونلارلا پول آلیر و بیر نمایش صحنه یه جیخار بیرلر، آنجا ق بیزیم تبریزده بیر تمرین سالونوموز اولسایدی بو ایشی داها یوکسک سویه ده و بیر شاهکار حدینده حاضرلایا بیلهدر دیک .

آقای لاله "حیدر بابا یا سلام" نمایشی ایله "آلین یازیسی" نمایشینی بیر-بیرلرایله مقایسه اشدیکده دشمیشدیر:

حیدر بابا یا سلام نمایشی حقینده بونو دئییه بیلهرم کی، ایسیران سطحینده اسلامی انقلابدان سونرا بیرینجی دفعه دیرکی، بو سایی دا تیاتر ایفاجیسی صحنه یه جیخیر. و ایشین ظرافتی و کیفیتینی باخیمی ندان، حیدر بابا نمایشی آلین یازیسی ایله مقایسه اولدوقدا، داها یوکسک سویه ده دیر.

او حیدر بابا یا سلام نمایشینین تاما شاجیلار طرفیندن یوکسک درجه ده آلقیشلانما سینا ۴ شاره ائده رک دشمیشدیر:

بو نمایش وحدت تالاریندا اجرا اولونان زامان بیز بعضی هیجانلی صحنه لری حذف ائتمه یه مجبور اولدوق، چونکو قورخوردوق تالارین یوخاری طبقه لرینده آیاق اوسته دوران تاما شاجیلار، هیجان نتیجه سی نده آیاقلارینی بیتره جیریب، آلاه ائله مه میسک سفین تۆکولمه سینه سبب اولسونلار!

آنجا ق ندنسه بو نمایش مطبوعات و رادیو - تلویزیون طرفیندن لازیمی قدر عکس اشدیریلمه میشدیر!

آقای لاله سۆزونون سونوندا دشمیشدیر:

حیدر بابا یا سلام اثریندن سونرا "آرزو و قنبر" آدیندا باشقا بیر تورکو اثر اوزه رینده، اوپرا سویه سینده ایشله مه یه چالیشا جام، و امیدیم وار کی، بو اثری ایسته دیگیم کیمی صحنه اوزه رینده آپارابیلیم.

آقای عبدالحسین بقال لاله ایلیک تورکو اثرینی "آلین یازیسی" ایله باشلامیشدیر کی، ۷۱- جی ایل تهراندا دفعه لرله صحنه اوزه رینده گتمیشدیر.

آقای لاله تحصیلاتینی لیسانس سویه سینده بیترمیش و دکتورا آلماق اوجون ۷۳- جی ایلین شهر یور آییندا فرانسه یه گئده جکدیر، اونا هنر ساحنه سینده و یاشایشین بوتون ساحه لرینده موفقیت آرزو لاییریق!

قوشلار يىشى، ادبيات و فولكلور يىشى

آي اوچان قوشلار بىر قاندا چالين
يار گلن يولدا ن بىر خىر آلىن

انسان ياشايش صحيفه سىنە قدم باسديقدان سونرا، بىر سىرا يىشنى
علاقە، عقيدە و عنعنە ايلەراستلاشيب گاه بونلارى قبول ائديب گاه دا
يوخ. بو علاقە و عنعنە لىرىن يارانما سىندا جوخو سىبلر او جوملە دن،
جوغرافى وضعيت، مدنى باخيشلار، اجما عنىن موقعيتى و... دخيلىل
ايمىشلىر. اسكى يوناندا زيتونو صلح، صفا، بارىش و دىنج علامتى بىلىر-
مىشلىر وحتى بو گون دە بىرلشمىش مىللتلر تشكىلاتىنىن
آرما سىندا! ايكي شاخە زيتون گۆزە چارىپىر. زيتون آغا چى بارىش و
صلح ياراتمىر بلکہ بو اسكى يونانين تانرى الەه جىلوە لىرىن-
اولارق ثابت بىر ايدە و عقيدە ايمىش. اسكى يوناندا هر بيتكى دن
چوخ زيتون گۆيرەرمىش و بو همان اۆلكە نىن اۆزلىكلىرىندە آسىلى
دىر. اسكى يوناندا ايسە آغ گۆيرچىنى دىنج و بارىش ضا مىنى بىلىر-
مىشلىر. هيندوستاندا اۆكوز- اينك و گامىش مقدس حيواندىرلار، بو
عقيدە او حەدە جن دىركى اونلارى پرستىش ائدەرلىر. هيندە فىل اۆكوز
كىمى مقدس اولماز سادا هر حاكىمىن قدرتى فىللىرىن تعدادى ايلە
آيدىنلاشارمىش. عربى اۆلكە لردە "دەوہ" اعتبارا "مالىك حيوان دىر،
نىيەكى دەوہ اۆزون كۆوشلىرى آرسو، و يىشىملە طى ائدەر. يابان
يىللىرىن قاباغىندا قاب گتيرەر و... اسكىمولارا ايت مبارك
حيواندىر. بونا گۆرەكى اونلار يىن سۆروتمە لىرىنى قار اوستون-
سۆروتمە بىر. برىتانىا و آوروپادا "آت" ان ياخىن مانوس كىمى
با خارلار.

بو عقيدە و علاقە لرى كى نهايت عنعنە يە سبب اولور. بىر حيوانىن
بوللوغوندا ن بىر دە بللىلىگىنەن ايرەلى گلير. بو گون ايدمان
ساحە سىندە هر بىر ايدمان فستيوال لارىندا و اولمپىك كئچە جەگىندە

بیر یا نئجه حیوانی نیشان و علامه ائدییرلر، ائله بودا جوغرافیسی وضعیتندن تا شیرله نیر. مثلاً "چینده" "پاندا" آدلی بیر آیینی علامه سئچیلر.

آذربایجان خلقی دا اؤزلرینین قدیم فولکلوریک بولاغیندان سو ایچه-رهک، علمی-مدنی-جوغرافی عامیلر اوزرینده، دیگر حیوانلارایوخ ظریف و اینجه لطیف قوشلارا درین مارق بسله میشدییرلر. و بیز بونو ادبیاتیمیزا بیر باخیشدا دوشونه بیلهریک، بو علاقه اوحده قدهر دیرکی فولکلوروموزدا بو موضوعا مخصوص بؤلوم آچیلیب. قوشلار باره سینده حدسیز، حساب سیز افسانه لر، ناغیلار و داستا نلار ادبیا-تیمیزدا یارانمیشدییر. قوشلارین بعضی سی شها مت، متانت و قورخما زلیق تیمثالی گاه دا بونون عکسی ایفاده اولونوب. بو سای سیز مجموعه نین بیر حیصه سی اوزون عصیرلرده فیرتینا لار ایله تالان اولموشدور آنجاق یئننده زنگین بیر مجموعه بیزه ارث قالمیشدییر. آرتیق سندلری الدهه ائتمک اوجون، آذربایجان ناغیلاری، افسانه لری، حکا یه لری کتا بلارینا باش وورماق اولار، لاکین بورادا نئجه نمونه گتیریریک :

طوطی

آذربایجان خلقی نین تاریخینده، ادبیا تیندا طوطی دن مخصوص بییر اهمیت له آد چکیلیر. ادبیات کتا بیمیزین و اراق-واراغیندا طوطی آدیندان ایز وار. ۴۰۰ طوطی کتا بی آذربایجانین قیمتلی و قدیم یازی-لاریندا ندییر. طوطی بو داستا ندا ایله ام و ثریجی، ساغلیق باغیشلا یان و مقدس بیر قوشدور. حیوان اولدوغونا باخما ی اراق دانیشیر انسانا همدم و مانوس اولور. اونو پیس ایشلردن جکیندییرلر و داها یا خشی ایشره سوق و ثرییر. بو کتا ب بیر طوطی باره سینده دیرکی بیر تاجیر کیشینین ائوینده یا شاییر. بو تاجیر تجارت اوجون ائودن چیخماق قرارینی آلیر، آنجاق آروادی تک قالدیغی اوجون، اونو طوطیسه تاپیشیرلر. آرواد هر گون ایسته ییر بیر باهانا ایله ائودن چیخبه گئدسین. لاکین بو طوطی هر گون بیر داستا ن ایله اونو یولو ندان یا نالدیب و مصرف ائدییر. بو ایش ۴۰ گون داوام ائدییر و طوطی بو ۴۰ گونده ۴۰ ناغیل بو قادینا سؤیله ییر. بو حین ده تاجیر سفردن قا بییدیر.

طوطی باره سینده بیر آیری افسانه نی مولوی نظمه جکیب (بو افسانه

اصیل آذری دیر) او افسانه بئله دیر: "بیر تاجیرین دانیشان بیسر طوطی سی وارییدی، تاجیر سفر حینینده طوطی یه دئییر کی هر نسه حاجتین وار سؤیله تا یئرینه یئتیریم، طوطی" منیم دوستلاریمایستی سالاملاریمی یئتیر" دئدی و تاجردن ایستهدی کی اونلارا اگر سیسز بورادا (هندوستاندا) آزاد سینیز بیلین کی سیزین ده بیر اورهگی سینییق یولداشینیز قفس ایچره یاشا ما قدادیر" دئیین. تاجر کی طوطی یه جوخ علاقه بسله میشدیر بو سؤزو، اؤز سفرینده هندوستان طوطی لرینه یئتیردی. طوطی لرین بیری بو سؤزو ائشیده رک اؤزونو (تولکو) اؤلوه مونه ووروب، آغاجین بیر بوداغینا دوشدو، تاجر عینی ماجرانسی قفسده کی طوطی یه سؤیله دی، بو طوطی اؤز ایسته دیگی جا وابی آلاق، گوزون بوموب اؤزون قفس ترکینه سالدی. تاجر بو (باندیریجی) ماجرانی گوره رکن طوطی نی چیخاریب، قفسدن ائشیکه قویدو.

طوطی وضعی مناسب گؤردو کده قاناد چالیب هندوستانا طرف یولا دوشدو. بو، افسانه نین قالیبی و بدنی دیر و روحی و معناسی داها دا یوکسک قیمته لاییق دیر. طوطی ایله طوطی آراسیندا رمز وسیر ایله دئییلن پیچیلتیلاری انسان دوشونمه سه ده همین ساده، سحر و رمز لر یاری یارا و حبیبی، محبوبا جاتدیریر. اگر هندوستان طوطی سی اؤزونو اؤلولوگه وورور، دئییرکی اگر انسان اؤزون، هوسین آیاغی آلتدا ازه و اؤلدوره قطعاً محبوب و مالینه ناییل اولاجا قدیر. طوطی نین آدی، شعریمیزده، نثریمیزده، گؤلمه جه کتابلاریندا و تاپماجا دفترلرینده و ... محبتله چکیلیر. آنجاق بو محبتی بورادا قورتا ریریق .

دورنسا

ادبیات و فولکلوروموزدا، دورنالاردا ن داها چوخ آد چکیلیر. دورنا معشوق یولوندا آخان گؤز یا شلارینین یار و دیار حسرتینین نمایشی نین هیجرین جان یاندیریجی مفکوره لرینین و... همده غم لریسن و کدرلرین تیمثالی دیر. شعریمیزده و نثریمیزده دورنالارین ماییل اوچوب گئتمه لری، ودا علاشما لاری، قاتار - قاتار دوزولوب، یارا اؤستونه دؤز سیمه لری کدرلی اولسادا اوخومالی دیر. دورنانین هر قاندا چالما سی، اوره گه بیر اوخدور و هر اوچوشو دونیالار قده حسرت دیر.

عكسینده ده اونون اڭاج بوداغیندا. اوتورماسی، خسته و یورغسبون عاشیقین چیگنینده قونماسی اومود دور. عشقه، عاشیقه و معشوقا یثنی حیات و آیدینلیق دیر. دورنانین رقصیله اوچماسی، سئوینجینندن نشان دیر و شنلیکدن الهام آلمیشدیر. قاتار- قاتار گلمه لیری بیرلیک نیشانی دیر. دورنانین ناز ائتمه سینی کۆسن یارا بنزه دیبلر کی پۆز ایله پوزغونلوغو و هیجرانی ایفاده ائدیر. کوسور، باریشیر،

...

ادبیاتیمیزدا داها دورنا تلاطیملی دنیزدن، دؤیونتولو اۆرکندن، نور تایا سیندان، جنت دن، بقا مۆلكوندن گلمیشدیر. دورنا باره سینده غنی بیر دفتریمیز وار. چوخلو افسانه لره، شعرلره و حکایه لره عنوان اولوب و بیز دورنا یادینی یا غشی کلاسیک شعریمیزده، فولکلوروموزدا حیس ائده بیلیریک. بو باره ده نمونه تاپماق اوچون، عاشیق علسگر، واقیف و ... نین دیوانلارینا باش وورماق اولار.

لئیلک و سئرچه

لئیلک آدلی قوشا افسانه لر، ناغیلار، حکایه لر و شعرلر یارانمیشدیر. بیر قاری بو سۆرغونون جاوابیندا کی نییه لئیلکه، حاجی لئیلک " ده دئییرلر؟ بئله دئدی: اونلار ایستی یئری سئوهرلر، یای دا بیزیم شهره گلرلر و قیشدا ایستی یئرلره، مثلاً " مکه یه کؤچرلر. بونا گۆره اونلار " حاجی لئیلک " دئییرلر. او یئکه هئیکلینه گۆره بیر ایل یا شار، بوواسیندا یومورتا قویوب و اؤلر. حالبوکی سئرچه کیچیک هیکلیله چوخ یا شار. اجتماع میزدا بئله رایج بیر سۆز وار کی بو ایشین سببینی ده ایضاح ائدیر: " قدیم زامانلاردا سئرچه گلیرو "مین ایلی سئویرسن یا بیر ایلی" سوروشور. لئیلکه جاهیللیغینا گۆره دئییر " بیر ایلی. بئله لیکده. لئیلک بیر ایل یا شار و سئرچه چوخ. لئیلک باره سینده بیرمثل: حیوانلارین عاجیزی حاجی لئیلک دیر، ایلاتی دیری - دیری اوتار.

سئرچه باره سینده بیر گۆلونج مطلب وار. سئرچه بونا گۆره کی اوتا- غین سقی اوچما یا، یاتاندا آیاقلارین گۆیه قالخیزار. " بو سۆزون منظورون دوشونمک ائله ده آسان دئییلدیر. لاکین بو گون اوشاق وئرلیش لرینین موضوعو و ۲۵- جی عصرین ساده ادبیاتدا ستانلاری همین اسلوبدا، تخیل داشی اوسته بینا اولموشدور.

بوب - بوب

بو قوشون آدينانه ماراقلی سۇزلىر، حكايله ر و ... قوشولموشدور. بىر مثل وار دثيىر: " بوب - بوب يازدا گلر. بو مثل دوغرو اولدوغو يئرده، يازدان طبيعتدن، جا وانلىقدان، داها دوغروسواومود وارلىغى - ندان ويئنى حياتدان مؤزده وئير. متين، سخى هاميسيندان مههم عاغيل صاحيبى اولارق هم اوشاقلارا و هم ده بۇيوكلره شعر و ناغيل يازيلما سينين سببى دير. بوب - بوب باره سينده بىر افسانه: دثيىرلر قديم زامانلاردا بوب - بوب بىر انسان ايميش. بىر گلين بىر ائوده ايميش اوتانچاق، پاك و مؤمن. بىر گون ائوده تكانلاندا قاينى يا قاين آتاسى ائوه داخيل اولور و بونون ساچلاريني گۇرور كى بىر داراق ووروب باشينا. او شرم دن، تانرى دان ايسته بىركى اونو يا يئره گيرديرسين يا گۇيه اوچورتسون، آلايه اونون آرزوسونو قبول ائدرك اونو بىر قوشا ئله بىر، داراق باشيندا .

تويوق - خوروز

اوزاق ايللردن بىر، خوروز دۇيوشدورمك شرق عالمينده، خصوصاً" توركستان، افغانستان، خراسان، هندوستان و آذربايجاندا رايىج اولموشدور. بو عنعنه روزگار كوچه باجلارنىدا اونودولموشسا دا آمايئنه ده كندلرده و اثلات ايچينده بو عنعنه بۇيوك هيچانلا قئيد اولونور. بو ايشى نه پيسله مك نه ده ياخشىلاماق گركدير. خوروز دۇيوشدورمك اؤن درجه ده شرق اؤلكه لرينين تاريخى عنعنه لرينى آچيقلايىر. شامت و قورخمازلىق حيسنى بو خلقلرده ديريلديسر و اونلارى استقلال و عظمنه طرف يوللانديرير. تويوغون دا بئله بىر تيمثالى وار. تويوق بركتدن، چاليشقدان داها آنا محبتيندن نيشان دير. تويوق باره سينده بىر مثل " آج تويوق ياتار يوخودا د ا رى گۇره .

قارقا

قارقا باره سينده فولكلوروموزدا بئله بىر افسانه واركى آنا محبتى باره سينده نظرلى اؤزونه جلب ائدير. " حضرت سليمان تامام مخلوقاتين ديلينى با جاراردى. بىر گون قارغا يا دئدى: " گئت و ان گۇزهل قوشون ان گۇزهل بالاسينى منه گتير. قارغا اؤنده بولبولون

یوواسینا گیردی . لاکین بالالارینین هئج بیرسی خوشونا گلمه‌دی. سونرا قنارینین یوواسینا باش ووردو. بالالارینی گۆره‌نده " واخ واخ اوره‌گیم بولانیر " دئدی. هر حالدا تامام قوشلارین یووالارینی دولاندى اما هئج بیرسی خوشونا گلمه‌دی. تا اینکی آرغین - یورغون اغز یوواسینا چاتدی. بالالارینی گۆره‌نده شووقا گلیب، دئدی: به‌به، ائله‌بیل بیردسته گولدورلر. ائله یا خشیسی بودورکی بونلارین بیرینی حضرتین یانینا آپاریم و ... "

کهلیک (ککلیک)

فولکلوریک باغیمیزین آغا جلا رینین بیر بوداغیندا یووا سالان قوشون آدی کهلیک دیر. بو قوشدان نثریمیزده آرتیق آد چکیلیر. هیجانلی ناغیللارین یارانما سیندا وان بؤیوک یازیلارین یازیلما - سیندا بو آدین بؤیوک رولو وار. آذربایجاندا ن سون مختلف آوروپالی و آسیالی افسانه‌لرده بو قوشون آدی گۆرونور. عینی حالدا بو قوشو نازلی، مغرور و وفاسیز تانیییلار. بیر مثل وار دشییر: " کهلیک باشین قارا سوخار، ائله‌بیلر کیمسه اونو گۆرمور " حالیوکی او هئج کیمی گۆرمه‌بیر و غافیل اولور. بو مثل عصیرلر بویو خلقیمیز قزق غفلتلردن چکیندی ریب دیر .

قارتال

بو گونلر قارتال آدینی و شکلینی چوخ یئرلرده گۆروروک . بیزیم عقیده‌لریمیزده قارتالین درین بیر کؤکو وار. قدیمدن قارتال قی قدرتلی، قورخماز بیر قوش بیلمیشلر .

اگر یئر اوزونده شتر حاکیم دیر، گۆیده ده قارتال حاکیم و امیر دیر. بو مطلبی سای سیز حساب سیز یازیلاردا ن، داستانلاردا ن و افسانه - لردن دوشونه بیلریک .

قارتال ایلر بویو شها مت و شجاعت نغمه‌سینی آذربایجان خلقینین قولاغیندا زمزمه ائتمیش دیر. بو گون دؤیوش (حربی) طیاره‌لرینین اوستونده قارتال شکلینی چکیلر یا طیاره‌لری قارتال شکلینده دوزه‌لدیرلر .

بولبول و قناری

بولبول و قناری آرخا سیندا، گۆله، کپنگه راستلا شیریق . سؤز بوخودور

کی آدی چکیلنلرین هامیسی یا جانسیزدیرلار یا دا دوینغو صاحیبی اولاراق، انسان کیمی تکلم یا عاغل نعمتیندن فایدالانما میشلار. بو انسان دیرکی اؤز گؤروشونه، گؤره اولاردان دیری و جانلی بییر موجود دوزهلدیر. هر شاعیر یا یازیچی اؤز فلسفی وعقیدهوی نظرلرینه گؤره بو آدلاردان بهره آلاراق بییر دونیا عشق و محبت یارادیر. گول، کپنک، قناری، بولبول شاعیری اؤز هدفینه جاتماقدا یاردیم ائدیر شاعیر گاه پروانهیه طرف دورور و اونونلا دانیشیر. اونو وفالسی، جانان کئچن محبوب و معشوق یولوندا، تعریفله بییر، کپنک دوغرو عاشیق کیمی شمع، وصالا جاتماق اوچون اؤزونو اودا آلوا چالیر و میمن دفعه عشق اودوندا اؤزونو پؤرتهلندیریر. "بییر شمع یانینجا مینلرجه کپنک یار یولوندا، عشق اودوندا یانیر.

گاه شاعیر شمع طرف دورور و اونونلا دانیشیقدا بئله دئییر: اگر پروانه عاشیق اولور بییر کیچیک یارادا. اؤزون ایتیریر و گئری چکیلیر، بس دوغرو عاشیق دئییل. شمع دوغرو عاشیق دیر، نییه کسی او جانین آخربندهک یانیر و گئجه گوندوز داواملی گؤز یاشلارینی بییره آخیدیر. ادبیاتیمیزدا، بیئل قاباغیندا اسن سونبول تئللرینی اینجه بارپاقلارینی، لطیف قامتینی نه گؤزهل تجسم ائتمیشدیرلر. عشق اوزره سونبولون گوله طرف ما ییلله نمه سی، وصالا تمایل و گؤز یاشلارینی گیلله نمه سی نین سببینی آرادان قالدیرما غابنزه تمیشد. بییرلر، عینی حالدا هم گول، هم بولبول هم قناری و همده شمعیله کپنک محبت آختاریلار، محبت قارشیسیندا.

آذربایجان خلقینین غنی فولکلوریک و کلاسیک ادبیاتیندا قیزیل گولون بوداغیندا قونان قنارینی، بولبولو کی خوش آوازی ایله گول محضربنده، عشق عالمینده، محبت سئوه نلره همدم اولموشلار، ان قدیم و ان سندلی فولکلوریک آبیده لریمیزه قازیلیمیش بییر شعار بیلیرلر. ادبیاتیمیزدا شیدا، قرارسیز، اختیارسیز، یار و دیار یولوندا اوره گی چیرپینان و هلاک اولان وفالی قوش بولبول و قناری دیر. هابئله شمع کپنکه و گوله سونبوله مناسیب اوخشاییب و هله ده اوخشاما غا امکان وار و...

سون سؤز بوکی نه بولبول و نه قناری بلکه بوتون قوشلار عشقی تا ماملاییرلار. اگر قوش اولما سایدی انسانین اوچوش رؤیاسی اولما زدی

... و

ھىدربا با دا قوشلارین عسكى:

ھىدربا با كھلىكلرىن اوچاندا
كول دىيىنندن دووشان قالخىب قاچاندا
باخچالارین چىچكله نىب آچاندا

بىزدن دە بىر مەكەن اولسا ياد ائله
آچىلمايان اورەكلرى شاد ائله

ھىدربا با داغىن داشىن سرەسى
كھلىگ اوخور دالىسىندا فرەسى
قوزولارین آغى بوزو قرەسى

بىر گۆرەيدىم داغ درەلر اوزونو
اوخوئىدىم چوبان قئىتر قوزونو
ھىدربا با كئچە دورنا كئچندە
كور اوغلونون گۆزو قارا سئچندە
قىر آتىنى مېنىب كسىب بېچندە.

من دە بوردان تئز مەطلبە چاتما رام
عیوض گلىب چاتمايىنجا ياتما رام

قوشلارین وصفی یونس امرە - نین شعریندە

قانادىن آچا بىلىرسن
آچىبان اوچا بىلىرسن
درىالار كئچە بىلىرسن
سۇيلە بولبولجويوم، سۇيلە
كئچدى يا عۇمىرومون وارى،
قويوب كئچدىرسن گولزارى
"يونس" ين مونسى يارى
سۇيلە بولبولجويوم، سۇيلە

يئنە ياز گونلرى گلدى
سۇيلە بولبولجويوم سۇيلە
جەملە چىچكلر زىن اولدو
سۇيلە بولبولجويوم سۇيلە
ياشىل دۇن كئىدى آغا جلار
پىرواز ووروب اوچا قوشلار
نفسىن جانلار باغىشلار
سۇيلە بولبولجويوم سۇيلە

يار يارلا قوجا قلاشىب بو شنلىكدە
مىثال دىر بولبوللە گولە چمنلىكدە

آی اوجان قوشلار گۆتورون یاریمی
اونا دئیین یارین انتظار چکیر
سنین یولونو گۆزلور گئجه گوندوز آه چکیر .

○ پهلوی رژیمنده جنوبی آذربایجاندا شاهی خلق
ادیاتی نین توپلانماسی، آراشدیریلماسی و نشری
تاریخینده _____ دن (۲)

۰.۴.۰۴ فرزانهدن :

بو ایگیری ایلین عرضینده تحصیلات اؤزو اوچون باشقا شکیل آلدی.
و داها جوخ ظاهره یئنه دیلدی. ۱۳۰۰- جی ایلده کی اؤیره نچی ایله
۱۳۲۰- جی ایلده کی اؤیره نچین آراسیندا بؤیوک فرق وارایدی. علم و
بیلیگه خاطر درسه و معلومات اولان علاقه جوخالماق عوضینه آزالدی
تحصیلات سون ایلرده تکجه دیپلم الیه گتیرمک و دولتی اداره لرده
بیر میز دالیندا اوتورماق اوچون ایدی. درس پروگراملاری دا اوخویا
نلاری بو ایشه حاضرلماق اوچون قورولموشدو .

جماعت و آتا - آنالار مکتب و معارفدن اوزاقلاشدیلار و اوللر
معارف و بیلگه گؤستریلن میل و اشتیاق آزالیب اورتادان گئتدی .
مکتب پروگراملاری یاراسیز شکیلده تنظیم اولور و اوشاق اورتا
مکتبی قورتارانندان سونرا اجتماعی بیلکوردن پای آپارابیلمیردی.
۱۳۰۰ - جی ایلدن اؤنجه محصلر دینی تعلیمات، اخلاق، اجتماعی
علملر، حقوق و قانونلاری اؤیره نیردیلهر. بو بیلکیرین اوشاقلارا هئج
بیر فایداسی بوخدور، دئییه بونلاری پروگراملاردا ن جیخاردیلار. بونا
گؤره ده اوضاع دگیشیلینجه هامینی حیرت و دهشت بورودو. درس اوخو-
موش جاوانلار مملکت و مشروطه نین نه اولدوغونو بیلیمیر و اؤز
وظیفه لرینی جمعیت، مملکت، قانون و مشروطه قارشیسیندا باشا
دوشموردولر. بؤیوک لری ساوادلان دیرماغا گلینجه، بودا تظاهیر و
گؤستریش اوچون ایدی و دوغرو - دوزگون استاتستیکا (آمار) وئر-
یلیمیردی. اداره ایشچیلرینین بیر جوخونو زورلا بؤیوک یا شلیقلار
(اکابر) اوخویان صنفلرده آد یازدیرماغا مجبور ائدیلهر.
عمومیتله معارفده حقیقتدن و معنادان جوخ ساختا کارلیغا اهمیت
وئرلیبردی. بونا گؤره ده اونون شدتلی عکس العملی اولدو و بو

عکس العمل هله ده داوام ائتمکده دیر، بو مدت ایچرسینده عمومی اخلاق دا آشا غیلادی و تحصیلدن معنوی فایدا الهه ائدیلمهدهدی، عمومیته دین و وجدانیات تنزل ائلهدی، و بیر سؤزله مکتبلرین و ساوادلایلرین چوخالما سی معنوی دگردن جوخ مادی دگرلره ائتمه گؤستره بیلدی. (تاریخ فرهنگ آذربایجان، بیرینجی جلد، ص ۲۴۴-۲۴۳). بو معنالی عبرت نامه دن سونرا یئری وار بیر فاکت دا آذربایجانین قوجا مان فرهنگ خادملریندن ساییلان رحمتلیک محمدعلی صفوتدن گتیرک محمدعلی صفوت، آذربایجاندا معاصر معارفین اساسینی قویسان و معارفین یوخاری سیرالاریندا مسئولیت داشییان قوجا مان خادمان اهل قلملردن بیر اولموشدور. صفوت ادارای وظیفه لریندن علاوه، بعضا اورتا مکتب صنفلرینده ده فارس ادبیاتی درس وئره ردی و اونون "میزان الانسان - انسانین اولجوسو" کتابی اوزون ایللر یاردیمجی درس کتابلاریندان اییدی. صفوت فارس دیلی و ادبیاتینا جوخ رغبت بسله دیگی حالدا، مؤمرونون سون ایللرینده "تاریخ فرهنگ آذربایجان - آذربایجان معارفینین تاریخی" عنوانی ایله یازدیغی و همیسن ایللرده قم شهرینده چاپ ائتدیردیگی بو کتابدا فارس دیلینسی زوراکیلیقلا خلقه تحمیل ائتمک سیاستی باره ده یازیر:

"سرتیب آیرمین فرمانده لیگینده (اونو تمایق کی بو آدام همان محمد حسین خان آیرم رضا خانین اوج اسفند کودتا سیندا کی نوجه لریندن و سونرالاردا نظمیة اداره سینین باشیندا دوران جنایتکار و کلکباز لاردان بیر اییدی، بو آدامین حتی رضا خانین دا باشینا بؤرک قویماسی معروف ماجرالاردان دیر. آیرم رضا خانین امریله بیر مدت ده آذربایجانین صاحب اختیار اولموشدو. (م.ع.ف) فارس دیلینین رواجی اوچون اوستاندارلیقدا بیر کمیسیون قورولدو. من و مرحوم دکتر امین بو کمیسیونون عضوی کیمی، اونو اؤز نظریمیزه قانع ائتمگه جالیشدیق. سادا، عملده ایشکنگره تشکیل وئرمک قرارینا گلیب چیخدی. ژنرال دا کنگره ده حاضر اولدو و چیخیشلار ائدیلدی. نتیجه ده همان ایل بو ایشده هئج ده سابقه سی گؤرونمه میس عکس العمل گؤستریلدی. نوروز بایرامی گونلرینده تورکجه چاپ اولموش نئچه دانا تبریک کارتسی منه جاتدی.

اوستاندارلاردان بیرینین حاکمیتینده حکم اولوندوکی، منبر اهلسی

فارسی دانیشمینلار و مرثیه اوخوسونلار، بو مسئله بیر طرفدن خلقین مسخره و گولوشونه و او بیر طرفدن ده آقالارین (منبر اهلینین) و جماعتین ناراضیلیغینا سبب اولدو. بونون آردینجا دا "ام من یجیب المظفر اذا دعا" بیغینجاقلاری برپا اولدو و جوخ کئچمه دن — پریشانلیق و کدورته قارشیلیق اوستاندار مرکزہ جا غریلدی. (محمد علی صفوت، تاریخ فرهنگ آذربایجان (با فوآئد ادبی)، مهر- ۱۳۲۹ . مرحوم صفوت، همین کتابین جلد قابیغیندا بنائینین عبرت دوغوران بیر بیت شعرینی سالمیشدیر:

" عمارت دل من کن و گرنه با گل و خشت
 هزار مدرسه آباد می توان کردن "

بیز بو آسیمیلیا سیاستینین ایرنج و قابا شیوه لرینی تکجه خلقلرین ملی دیلینی و اثنتیک وارلیغینی هده له مکده و تحقیق ائتمکده دییل، حتی بو خلقلرین یا شاییش شرایطینی دگیشدیرمکده و مثال اوچون اونلاری کؤچری حیات شرایطیندن اوتراق و تخته قاپی شرایطه گتیرمکده فاشیستی شیوه لره ال آتدیغینی گؤروروک. آشاغیدا قاشقالی یازیچی و معارف خادمی محمدبهن بیگی دن بو خصوصدا گتیریلن سؤزلر اولدوقجا دقته لایقدیر:

" من بیر قاراچادیر دا دنیا یا گلدیم، دوغولدوغوم گون بیر
 بیر مادیانی قولونوندا ن اوزا قلاشدیردی لار کی، شییه جکسین،
 او واختلار جنلر و شیطانلار آت شییه سیندن قورخاردیلار .
 دنیا یا گلنیجه، اوغلان اولوبدا، قیز اولما دیغیم معلوم
 اولونجا، آتام هاوایی گولله بوشالتدی.
 من حیاتی می چادیردا توفنگ گولله سی و آت شییه سی ایله
 باشلادیم .

دؤرد یا شیندا ایهر قاشینا اوتوردوم. جوخ کئچمه دن الیمسه
 تفنگ وئردیلر. اون یا شاجاتا نا قدهر، حتی بیر کئچمه ده اولسون
 شهرده و شهر ائوینده باشا آپارمادیم. بیزیم ائل، هر ایمل
 ایکی کره شیرازین یا خینلاریندا ن کئچردی، شهرین چرچیلاری و
 ساتیجیلاری. ائلین یولو اوسته شیرنی و حالوا بساطی قورار-
 دیلار .

نقد پولون آزا اولدوغوندا ن، من عا ئله مدن یؤن و قوروت آلاریم

(و اونلاری شیرنی و حالوا ایله دگیشدیرمکله م.) قاریننا قوللوق ائدهردیم. او یئلین و یاغیشین قاباغیندا قالمیش و توزا - تورپاغا بولاشمیش شیرنیلرین دادی هلهده داماغیم دا دیر .

شهری آدی ائشیدنده اورهیم سئوینجدن جا غلاردی. آتامی و اونون آردینجا دا آنامی تهرانا سورگون ائندن سونسرا ، عائله نین شن - شادمان آدامی بیر باشا من ایدیم .

هئج بیلمز ایدیمکی، آتیمی و ایه ریمی آلاجا قلار و مکتیب ماساسی آردیندا اوتوردا جا قلار .

بیلمزدیم کی، یاراشیقلی مشق تفنگیمی آلاجا قلار و الیمه قلم وئره جکلر .

آتام ائله سامیلی کیشی دگیلدی. سهوا" سورگون اولموشدو. آنام دا ساییلی قادین دگیلدی. اودا سهوا" سورگون ائدیلمیشدی . بیزیم وار یوخوموز دا سهوا" دولتی وملتتی آغلارین الی ایله غارت ائدیلمیشدی.

سورگون ایلیری اولدوقجا آغیر کئجدی و اون بیر ایلدن جوخ داوام ائتدی. آزا قالمیشدی کی، کوجه لره دوشوب دیله نک . نظمیه ما مورلاری بیزی دیلنچیلیکدن بئله قورویوردولار . وار - یوخو - موزدان خبرسیز ایدیک . خرج خیرته ده گیمیزه قالمیشدی. اوللر آداملاریمیز وارایدی. لکن اونلار دا وضعی خراب گؤرونج - قاچدیلار و بیزی آلاه او میدینه بوراخدیلار .

ایجمه لی کهریزلرین کناریندا یورد سالان آداملارا تهرانین او گونکو سو آنبارلاری مصیبت ایدی.

آغاچ و پالیدین قیرمیزی آلوونا آلیشان آداملارا کؤم - سور منقلی و نفت جیجی بلا ایدی. گؤزه ل و گئنیش فارس اولکه سیندن آت چاپما میدانی کیمی فایدالانان کیمسه لره بیر داریسقال و توزاناقلی کوجه ده یاشاماق اولوم و یوخلوق ایدی.

بوتون عؤمرونو آجیق و کؤجریلیک ها و اسی ایله دولو جادییر دا باشا آپاران آناما دؤرد دیوار آراسیندا چئوریلی اوتا - قدا نفس آلماق جتین و جان سیخیجی ایدی. اونون اوچون حیاطده جادییر قوردوق، یالنینز قیشین قاسیرغالی قاری و سویوغو اونو

اوتاغین دؤرد دیواری آراسینا قایتارا بیلدی. من آنامین چادیریندا یاتیردیم. بیر گئجه اوغرو بالتارلاریمنی آپاردی. بالتارسیز قالیب آغلادیم. سورگونلردن بیر خیرداجا آدم بالتاریننی منه باغیشلادی. بیئنه اوزون و گئن اولدو. اما هرنه ایسه جیلپا قلیقدان یاخشی ایدی. گئیدیم و یوللاندیم. کوچه و مکتب اوشا قلازی کولوشدولر.

بیزیم قاپیدان چیخما حییه طتوما غا امکانیمیز یوخ ایدی. ایشیمیز اوطنظنه لی و، کلانترلیک و کدخالیق یا شاییشیندان بیر تک کرایسه اوتاغا کلیب جاتمیشدی. حییه طده هر جور قونشوموز و ارایدی: سوت ساتان بلدییه سوپورگه چیسی، بانک قوللوقچوسو و بیر ارسیز قادین. اونون آدی همدم ایدی. او هامیدان مهربان ایدی. آتام نظمیه گؤز آلتیسی ایدی. گؤزچوسو و ارایدی. بیر قوون آلمانغا گئتمک ایسته سه ایدی، حکومت مأورو اونونلا بیرگه گئیدردی. ایگیرمی دن چوخ قاشقاییلی سورگونو تهراندا و ارایدی. هر سورگونون بیر گؤز تجیسی و ارایدی. بیر بیزیم گؤز تجی هامیدان یازیق ایدی. چونکی اونون اوتوروب راجا تلانماسی اوجون یئریمیز یوخ ایدی. اونو آغیرلاماق اوجون سفره میز ده یسوخ ایدی. بونا گؤره ده او چاره سیزلیکدن کوجه ده بوش نفت حلبیسی اوستونه روزنامه سالیب اونون اوستونده اوتوراردی و بیزی گؤز آلتی قورویاردی.

او ایشیندن و بیز یوخسوللوقوموزدان اوتانیردیق. بیر گون آتامی نظمیه ایسته دیلر. گون اورتا اولدو کلمه دی، مأور بیزی اینانیدردی کی، گئجه گلیر. گئجه ده کلمه دی، آردی گئجه لسه ده کلمه دی. آنامین کدری و بیز اوشا قلازین باش سیزلیغی قورتا راسی دگیلدی. آیلاردان سونرا بیر گون تاپیلیب گلدی. تانیماق اولموردو. شکنجه اولموشدو. یالنیز سیندن آتام اولدوغونو بیلدیک... (محمد بهمن بیگی، بخارای من ایل من، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۶۸)

جنوبی آذربایجانین فولکلورو و خلق ادبیاتیندان صحبت گئئنده بیر اساس مسئله نی هئچ زامان اونوتماق اولماز. بو اساس مسئله ده وقتی له آذربایجانان کؤچموش و هله لیک بورانین جغرافی سرحدلریندن دیشاریدا یا شایان آذری سویلو کوتله لرین فولکلورو و شفاهی خلق ادبیاتی دیر. ایرانین گئئیش اراضی سینده شرقدن غربه و شمالدان

جنوباً توپلوم یا داغینیق حالدا و حتی کؤجری قورولوشلار ایجره سی-
 نده یئرلشمیش بو آذری سویلو کوتله لر بو گون سای جهتــــــدن
 آذربایجانین جغرافی سرحدلیرینین داغلینده یاشایان جمعیتدن ایکسی
 قات چوخ اولما قدا دیر. بئله کی بو گون تکجه تهران بؤلگه سینده
 یاشایان اون میلیوندان چوخ سکنه نین شبهه سیز یاریسینی آذربایجا-
 نلیلار تشکیل ائدیر.

بو باخیمدان جوخ آیدیندیرکی، ایراندا توپلوم یا داغینیق حالدا
 یاشایان آذربایجان خلقینین دیلی و فولکلورو و ائتل ادبیاتسی
 اولدوقجا وسعتلی بیر خزینه و رنگارنگ بیر لایراتوریا دیر. سیز
 آذربایجانین تبریز، قاراداغ، اردبیل، خالخال، میانا، مراغا، اورمیه،
 خوی بؤلگه لریندن توتמוש تا زنجانا، همدانا، ساوه یه و اورادان فارس
 بؤلگه سینده کؤجری هیات سورن قاشقایلیلار او بیر طرفدن خراسانین
 داغ باسارلارینا قدهر و اورادان یئنه تهرانا کیمی یاییلمیش آذری
 فولکلورو و خلق ادبیاتیندا بو گونه قدهر ال دگمه میش و هله هئج
 یئرده یازیبیا آلینما میش ساییسز- حسابسیز ترمینلر، دئیملر، آتالار
 سؤزو، بیلمه جهلر، ناغیللار، لطیفه لر، داستانلار و اونلارین جور به جور
 واریانتیلارینا اوز به اوز گلیرسینیز. سؤز یوخ کی بئله بیر گئئنیش
 ساحده یاشایان آذری سویلو خلقلرین دوغما آداب- عنعنه لریندن،
 رسوم- مراسملریندن، اعتقاد و اینانجیلاریندان سؤز آچماق اؤزو بیر
 آیری مباحثه اولاییلر.

بیز بورادا نمونه اوجون آذربایجاندا ن جوخ اوزاق ایکسی بؤلگه دن:
 بیرى فارس ایالتینده فسا ما حالینین امیر حاجیلو، دیندارلو، آغچالو
 بیگ اینانلو و سایره کندلرینده یاشایان، آذری سویلو تورکلرین-
 دؤردلوکلرینده ن و ایکینجیسی خراسان ایالتینده درکز ما حالیندا
 یئرلشمیش آذربیلرین ائتل ترانه لریندن بیرینی نقل ائدیریک :
 فارس- فسا آذربیلرینین دؤردلوکلریندن:

| | |
|------------------------|-------------------------|
| اوبه میز کؤشدی بو گون، | قاراداغدا قار اولماز ، |
| کؤرپودن گئشدی بو گون، | کهنه باغدا نار اولماز . |
| آغزی سلامی یاریم، | قیزی خانا وئرمه یین ، |
| سلامسیز گئتدی بو گون | خان آداما یار اولماز . |

| | |
|-------------------------|-------------------------|
| آيي گور نئجه گئدر ، | آغاچ آتدیم نار گلدی ، |
| اؤرگه نیب گئجه گئدر . | کۆینک بیجدیم دار گلدی . |
| بیر الیم یار قوینوندا ، | کۆلگه دوشدو قاپییا ، |
| بیر الیم حاجا گئدر . | دئدیم بلکه یار گلدی . |
| او تایدا یار اوبه سی ، | اکین اکیلن یئرلر ، |
| دوگولر نقاراسی . | کردی چکیلن یئرلر ، |
| دسمال گتیر ، گول آپار ، | اگلن اوزونن اؤپوم ، |
| خلوتدی باغ آراسی . | چتری تۆکولن یئرلر . |

(صادق هما یونی، یکهزار و چهار صد ترانه محلی، کانون تربیت شیراز - ۱۳۴۶ ص - ۲۵۰ - ۲۴۶).

خراسان درگز آذربیلرینین ترانه لریندن:

| | |
|-------------------------|-------------------------|
| یاریم اوخشار جیرانه ، | اوزو کیمدور فیروزه |
| زلفین داراب بیر یانه . | گئدون دیون خروزه |
| اوخی بولبولیم اوخی ، | بو گئجه بانلامه سون ، |
| بلکه یاریم اویانه . | یاریم گله جاق بیزه |
| باغدا چیخان نعنایم | دام دامه دور دامیمیز ، |
| گول اوسته پروانه نیم | قوشادور ایوانیمیز . |
| اوج گوندی گۆرمه میشم ، | سن اوردان باخ من بوردان |
| دلیمیم ، دیوانه نیم | کور اولسون دشمنیمیز . |
| قیزیل اوزوک لاخلادی | پنجره دن داش گلیر ، |
| وئردیم آنام ساخلادی | خومار گۆزدن یاش گلیر . |
| آنامه قوربان اولوم | سنی منه وئرسه لر ، |
| یاری قوناق ساخلادی | آلالها ده خوش گلیر . |
| یاریم گیدوب اویونه | گؤگده اولدوز آتمیشدی |
| قیزیل سالوب بوینینه | آتمیشیده باتمیشدی |
| اوینا گۆزه ل ناز اوینار | گیتدیم اوزیک چکدیم |
| قوربان اولوم بوینه . | زرگر اوغلان یاتمیشدی |

(سیدعلی میرنیا ، ایلات و طوایف درگز - جلد دوم - مشهد - ۱۳۶۲ ، ص ۱۷۴)

جنوبی آذربایجان آدی وئرلین، لاکن سؤزون حقیقی معناسیندا ایرانین آذری تورکلری یا شایان یاخین یا اوزاق بؤلگه لرینده فولکلور و شفاهی خلق ادبیاتینین اؤلچویه سیغماز قدهر گئنیش یا بیلدیغینا باخما یاراق، یوخاریدا آد آپاردیغیمیز او آجی و اوغورسوز ایلر ده حاکمیتین آمانسیز ضدانسانی و ضدملی سیاستیندن اؤزونو قورویا - قورویا و بوتون جتینلیکلره قاتلاشا - قاتلاشا بیر نئجه کیشینین بئش - آلتی فولکلور مجموعہسی توپلاییب، یا ایکسی اوچ فولکلور آراشدیرماسی یا زیب، حکومتین تهلکه سیندن چکینه - چکینه، اونلاری اؤز گونده لیک معاش پوللاری ایله نشر ائدیباورتا ییچماق چیخا تالارینی جانان ما یا قویماقدان باشقا نه کیمی بورماق اولار؟

هامیدان ماراقلی یئر بورا سیدیرکی، ۱۹۷۱ - جی ایل ایراندا بورا - خیلان ایران فولکلور جولوغو مونوگرافیا جیلیغینا عاید " کتاب شناسی" فرهنگ عامه و مردم شناسی ایران، بخش اول: فهرست کتابها، گردآورنده محمود زمانی، بخش دوم: فهرست مقاله ها، گردآورنده علی بلوکباشی، نشریه شماره ۳۳ مؤسسه فرهنگی منطقه ای، تهران - اسفند ۱۳۵۰ "بور - خیلان توپلوم فهرستده، ۲۱۶ کتابدان و ۱۶۰۰ مقاله دن آد آپاریلدیغی حالدا، همین آذری فولکلور و خلق ادبیاتینا عاید کتاب و مقاله لردن اصلا" آد آپاریلما میشدیر، البته بونا باخما یاراق همین فهرستده آذربایجان دیلی و ملی وارلیغی علییه نه یا زیلان مونوگرافیا لردان یئرلی - یئرینده آد آپاریلمیش و تانیتدیریلیمیشدیر.

یوخاریدا قیده آلیندیغی کیمی فولکلور و شفاهی خلق ادبیاتینین شمالی آذربایجاندا جنوبی آذربایجانا نسبت ایره لیمه سی و بو باره ده جوخلو فولکلور مجموعہ لری و فولکلور آراشدیرما اثرلرینین اورتا یا چیخماسی و اونلارین مختلف فرصتلرده جنوبی آذربایجانا گلیب جاتماسی، بورادا فولکلور توپلاما و آراشدیرما ایشلرینده بو مجموعہ لری کیریل الفبا سیندان ایران الفبا سینا گؤجورولمه ایشینه یول آچمیشدیر، بو کؤچورمه ایشینین جنوبی آذربایجاندا ایستیر - ایستهمز فولکلور چولوق ایشینه هم خئیری، هم ده ضرری اولموشدور، ایشین خئیری اورا سیندا دیر کی، بو کؤچورمه ایشی عمومی حالدا جنوبدا فولکلورلا ماراقلانانلارا و اونون آیری - آیری ساحه لرینسی

منیمسه مک ایسته یینلره اولگو و اؤرنک اولموشدور. اما ایشین ضرری اورا سیندا دیرکی، بو کؤچورمه ایشی ایله مشغول اولانلار بیر جـوخ حاللاردا مسئله نی بونونلا قورتارمیش سانیب و اؤز یئرلی فولکلور- لارینی توپلاماغا و آراشدیрмаغا لازیمی رغبت گؤستریرلر. بئله لیکله ده جنوبی آذربایجاندا و ایرانین جنوبی آذربایجاندا ن قیراق باشقا بؤلگه لرده یاشایان آذریلرین فولکلور ماتریال لارینین توپلانما و آراشدیریلما ایشینی لنگیدیرلر. بو دوغرو دورکی، او تایکی و بـو تایکی ایکی قارداش خلقین فولکلور ملزمه لری اساس صورتده سـؤز قورولوشو و مضمون اعتباریله درین اثنتیک یاخینلیغا و حتـی عینیلیگه مالیک اولدوقلاری حالدا، هر بؤلگه نین فولکلورو اؤز دیا- لکت و یئرلی واریانت خصوصیتلرینی تام ساغلاما لیدیر. اساسا" فولکلو رون علمی - تـدقیقی توپلانیب آراشدیریلما سی، بو خصوصیتلره اساس یئر و ثمرکله مومکون اولابیلر. بوندان علاوه، همین اللی ایله ده شمالی آذربایجاندا حاکیم کسلیمیش ایدئولوژی دن دولایی فولکلور- ون بیرسیرا ساحه سی او جمله دن اینانیش و اعتقادلارا عاید قسمی بو سون زمانلارا قدهر ایشله نیلمه میس قالمیشدیر.

جنوبی آذربایجاندا شفا هی خلق ادبیاتینین نسبی حالدا آزاد و شمره لی توپلانیب دؤوری مطبوعا تدا چاپ ائدیلمه سی ۱۹۴۵ - ۱۹۴۶ جی ایلرده اولموشدور. بو ایللر عرفه سینده ایکینجی دونیا محاربه سی- نین ادامه سینده و ایرانین معین استراتژیک سببلره گؤره جنوبدا انگلیس و آمریکا اوردولاری و شمالدا قیزیل اوردو طرفیندن اشغال ائدیلمه سی نتیجه سینده، رضا خانین حکومت باشیندا ن گؤتورولمه سی ایله موقتی ده اولسا ایران خلقلرینه آزاد نفس چکمک امکانی یارانیر. بو شرایطین اورتایا چیخما سی ایله ایراندا سرعتله قلم و عقیده آزادلیغی برپا ائدیلیر، سیاسی محبوسلار بوراخیلیر و جور به جور سیاسی فرقه لر باش قالدیرماغا باشلاییر. بو ایلرده شمالی آذربایجاندا ن ارکستر و تئاتر گروپلاری جنوبا گلیر و مختلیف شهرلرده نمایشلر و کنسرتلر وئریرلر. شمالدا ایران الفباسیله چیخان بیرسیرا شعر مجموعه لری و ادبی اثرلر گئنیش صورتده جنوبدا یـا- ییلیر.

بونلارین ایچینده همت علیزاده نین کورا و غلو داستا نیندا ن توپلادیغی

فولکلور اثری ده اولور، بونلاردان علاوه، همان ایللرده تبریزه " وطن یولوندا " آدیله ایران الفباسیندا بوراخیلان سیاسی- ادبی روزنامهنین خصوصاً ادبیات صحیفهسی خلقه یادیرغامیش آنا دیللیری ایله الفت یاراتماقدا یاردیم ائدیر.

او ایللرده ایراندا سیاسی فرقه‌لرین یارانماسی ایله یاناشسی آذربایجاندا دموکرات فرقه‌سی یارانیر، بو فرقه‌نین یارانماسی او گونکو سیاسی شرایطده جوخ مباحثه‌لر یارادیر، همین فرقه اؤز ملی مدنی مراجعتنا مه‌سینده آذربایجاندا دیل آزادلیغی و مکتبلرده آنا دیلینده درس وئرمک و ملی مطبوعاتین یارانماسینا شرايط یارادیر، تبریزده و باشقا شهرلرده روزنامه‌لر و نشریه‌لر جیخماغا باشلاپیر، ابتدائی مکتبلر اوچون آذربایجان دیلینده درس کتابلاری حاضیرلانیر، تبریزده اونیورسیته‌نین آجیلیشی و ملی تئاتر ایله ملی ارکسترین برپا ائدیلمه‌سی، خلقه حیات سیرداشی اولان اثل نغمه‌لرینه یئنی قول - قاناد وئریر، اونیورسیتهده فولکلور درس‌لرینه پروگرامدا یئر وئریلیر، دؤوری مطبوعاتدا و هامیدان جوخ آذربایجان روزنامه- سینده فولکلور و خلق ادبیاتی نمونه‌لری اوچون آجیلیمیش ستوندا بؤیوک مقداردا بایاتیلار، آتالار سؤزو، مثلر و ملی داستانلاردان پارچالار و بیرسیرا فولکلور آراشدیرمالاری وئریلیر، بونلاردان بعضیلری خصوصیه آتالار سؤزو و مثلر درسلیکله سالینییر.

بیز بورادا آذربایجان روزنامه‌سینده آردیجیل حالدا ایکی آیری - آیری باشلیق آلتیندا بیر: " آذربایجان ملی داستانلاری " عنوانی ایله روزنامه‌نین ۱۵۰- جی نؤمره‌سیندن (۲۴ اسفند ۱۳۲۴-) باشلایراق آردیجیل صورتده جاب ائدیلن نمونه و آراشدیرمالاردان ایکینجیسی " آذربایجان خلق ادبیاتی " عنوانی ایله روزنامه‌نین ۲۹۴- جو نؤمره‌سیندن (۱۹ شهریور ۱۳۲۵-) یئنه آردیجیل صورتده وئریلن خلق ادبیاتی نمونه‌لری اولموشدور.

" آذربایجان ملی داستانلاری " عنوانی ایله وئریلن یازیلارم، ع. قوسی (فرزانه) طرفیندن حاضیرلانمیشدیر، بورادا داستانلارین یارانماسی باره‌ده بیر باشلانیشدان سونرا او گونه قدهر جنوبی آذربایجاندا اساساً تانینما میش و ایلك دفعه اولاراق جوخ گئنیش اولچوده خصوصیه دده قورقود داستانلاریندان چوخلو نمونه‌لر وئریلمیشدیر، بو نمونه-

لری و شرمکده تورکیه عالیم، معلم رفعتین ۱۹۱۶- جی ایلده عرب الیفباسیله چاپ ائتدیردیگی نسخه و بیرده آذربایجان عالیمی حمید آراسلینین ۱۹۳۹- جی ایلده او گونکو لاتین الفباسیله چاپ ائتدیر- دیگی نسخه اساس گؤتورولموشدور. داستا نلارین دیل خصوصیتلری سا خلا- نیلدیغی حالدا اوخوجولار آراسیندا گئنیش یئر آچمیش و جوخلو مارق یاراتمیشدیر. دده قورقود داستا نلاریندان سونرا همین ستونلاردا قهرمانلیق داستا نلاریندان، غنایی داستا نلاردان و قاچاق داستا نلار- بندان نمونه لر گتیریلیمیشدیر.

بو یازیلاردا آرا- سیرا وئرین آراشدیرمالاردان بیر نمونه کیمی باشلانیشدان نئچه سطر گتیریریک :

" ملی داستا نلار، ملتلرین کچیردیکلری افتخار و عظمت ویا سقوط و اسارت دؤورلرینده اؤز وئرن حادشه و اولایلاردان روحا اناراق و حوده گلیمیشلر.

هر ملتین کئچمیش شانلی و مقدس خاطیره لری، ملیت زوحونو تحریک ائتمک، بیرلشدیرمک و اومیدلندیرمکده بؤیوک قوتسه مالکدیر.

دده قورقود حکایه لری، اصلی کرم، عاشیق غریب، عاشیق عباس، کورا و غلو و سایر داستا نلار آذربایجانین شرفلی کئچمیشینی ملی عظمتینی و حیاتی نی محافظه ائتدیکلری اوچون قیمت - لندیریلیر... (آذربایجان روزنا مه سی، ۲۴ اسفند ۱۳۲۴).

" آذربایجان ملی داستا نلاری" عنوانیله گئدن یازیلارین جما عتسده علاقه یاراتدیغینا گؤره، روزنا مه نین یازیجیلار هسیاً تی طرفیندن خلق ادبیاتینا داها اوستون بئر وئرمک اوچون، یوخا زیداد آپاریلان ۲۹۴- جو نؤمره ده بئله بیر بیلدیریش وئریرلر:

" آذربایجان خلق ادبیاتی - آذربایجان فولکلورونون - ان گئنیش و زنگین قسمتی اولان "خلق ادبیاتی" حصه سینی توپلا- ییب نشر ائتمک آرزوسیه بو گوندن باشلایاراق آذربایجان روزنا مه سینده بیر ستون آجیلیر.

آذربایجانین مختلف نقطه لریندن اولان بوتون مارقلی و هوسکارلاردان تمنا ائدیلیلر آذربایجان فولکلورونون بو حصه - سینین تکمیلی صورتده توپلانماسی اوچون یوخا زیداکلی

موضوعلارا عاید معلوما تلارینی دقتله توپلاییب آذربایجان روزنامهسی اذارهسینه گؤندرسینلر. آذربایجان روزنامهسی".
 بو بیلدیریشدن سونرا روزنامهنین همین نؤمره سیندن باشلایاراق بیر پارا آراشدیرمالارلا برابر خلق ادبیاتینین آیری - آیری نوع - لریندن و هامیدان چوخ بایاتیلاردان و آتالار سؤزلریندن نمونه لـر وثریلمیشدیر .

میرسلام معاصرین:

○ غزل

وطن قان نههرینه دؤندو، گؤزوم گؤردو دیلیم یاندى ،
 بو دهشتلی فلاکتدن ایچیم یاندى، جؤلوم یاندى،
 بو اود گلدى شمالدان ، یاندىریب یاخدى وطن مولکون،
 گولوم هم گولشه نیم یاندى، اوبام یاندى، ائلیم یاندى.
 آخان گؤز یا شلاریندان جای یاراندى، کوکریه ییب داشدی .
 بوغولدوم نهر غمده شیروانیم یاندى، میلیم یاندى.
 وطن فریادا گلدى، گلمه دی امدادینا بیر کس ،
 چکیلمیش زحمتیم یاندى، قابار وورموش الیم یاندى.
 مقدس تورپاغا مردار آياقلار دهیدی ،زای اولدو،
 زمیم، باغچا - باغیم یاندى، سوسن هم ،سونبولوم یاندى
 نهدير آرپا چایین ،سؤیله ،گوناهی، بهتانا دوشدو،
 گؤزه ل سارانى دوشمنلر آپاردى ،او، گولوم یاندى.
 آراز قان آغلایار ، دورموش ایکی قارداش آراسیندا ،
 کدردن ،غصه دن ،غمدن آراز داشدی، سئلیم یاندى .
 ایکی قارداش قالیب ایللرله آیری - آیری اللرده
 بو یاندا دین و ایمانیم ،او یاندا اؤز دیلیم یاندى.
 گئدیب گؤیجه ما حالیم، زنگه زوروم، گول قارا باغیم
 هانی بس بورجالیم؟ اود توتدو هم گؤیجه گؤلوم یاندى !
 " معاصر " غم یوکون اود تک آلیشدی جانی یاندىردی
 بو اود هیجرانه دوشدو وصل اوچون دو ساحیلیم یاندى .

○ غیرت غزلی و بورجالیلی قارداشلار تبریك

بو گونلرده بورجاللی آذربایجانلی تورکلربندن غیرت غزلینین باش رداکتورو زومرود اورخان بیگ تهرانا گلیب و آذربایجان یازیچی و ادبیاتشنا سلازمیزدان وقارا احمدبیگلہ منی گورمگہ مطبیمہ (خصوصی کلینکا) گلدیلر. زومرود بیگلہ گوروشوب دانیشدیق و آزدا اولسا بورجاللی قارداشلاریمیزدان خبر و معلومات آلدیم. من بورجاللی آذربایجانلی یاخیندان گوروب تانیما دیغیما باخما یاراق اونلارا جوخ سئوگی بسله بیب و اونلارین غیرت و ملی شعورونایا حیران اولموشام. تأسفکی ایندییه کیمی اونلارین حقینده یازیلی بیر اثر الیمیزه گئجه بیب و اورادا جیخان کتاب، درگی و غزتلردن خبریمیز اولما- بییدیر.

بیلیم سینیزکی بیزیم ایران آذربایجانین سولدوز ولایتینده یاشایان قاراپاقلار وقتیلہ بورجاللی دان گلن قارداشلاریمیز اولسوب. بونلارین بیر حیصہ سی و تورکیه نین شرق ولایتلرینہ (قارص، اردهان ایغدیسر) کؤجوب اورادا یئرلشمیشلر. بو معلوماتی سون ۷۰ ایلده آرامیزدا دمیرپردہ جکیلدیگی اوچون آنجاق تاریخدن اؤگرنہ بیلیریک سون اوج ایلده تانری نین مرحمتی ایله سووشت ایمپریاسی پارجالانیب، دمیر پردہ قالدیردیگی حالدا هلہ ده بورجالیلاردان خبرسیز قالیمیشیق، بئله بیر وضعیتده بورجاللی دان بیر ژورنالیستین گلیب بیزیمله گوروشمه سی بیزیم اوچون سئوینج و اومود وثریجی و اونودولماز بیر حادثہ اولموشدور.

رداکسیا هیئتینین آنادیلیمیزده ہم ده "غیرت" آدی ایله غزلیت جیخارما غا باشلاما سی تصادفی بیر حادثہ دگیلدیر. بو دا بورجالیلارین آنادیلینہ، ائلینہ، ادبیاتینا و بیر سؤزلہ وارلیقلارینا اینام و باغلیلیقلارینا گؤستریر. هلہ غزلیتین بیرینجی صحیفہ سی نین باشیندا یازیلان شعار بؤیوک و درین فلسفی معنا داشیددیگی حالدا جوخ دا دوشوندور و وجودور. : دوغرودان دا بو گونکو دونیادا حاکیم اولان وضعیت و موقعه باخما یاراق، حقیقت گوج ده یوخ بلکہ گوج حقیقتده دیر. بونو بؤیوک دولت آداملارینا جاتدیرما غلایاناشی کیچیک لاکین غدار و تجاوزکار ارمنستان حکومت باشچیلارینا دا آنلاماق لازیم دیر.

اومید ائدیریم بو غزئت اوزون ایلر داواملی اولراق چیخسین و حق و حقیقت یولوندا مبارزه سینه داوام ائتسین ، سیزلر کیمی باشقا ملتین آراسیندا آزینلیق (اقلیت) اولراق یاشایان خلقلر اوجسون آنادیلینده کتاب و نشریات هاوا ، سو و چؤره کیمی ضروری دیر ، خلقین ملی - مدنی حتی دینی وارلیغینی قوروماق اوجون مدنی فعلا - لیته و آموز مطبوعات اورگانلارینا هر شئی دن جوخ احتیاجی واردیر ، بیزده اسلام انقلابیندان سونرا وئرلن دیل سربستلیگیندن فایدا - لاناراق ۶۰ ایل مدتده قاداغان اولان و سولماغا اوز قویان دیلیمیزی - ادبیاتیمیزی و مدنیتیمیزی دیرچلتمک و خلقیمیزه چاتدیرماق مقصدی ایله ۱۶ ایلدن بری آنادیلیمیزده و بیر حیصه سی فارسجا اولراق " وارلیق " درگیسینی چیخاردیریق ، تأسف کی سووئست رژیمین سیزلره زورلا تحمیل ائله دیگی کبریل یازیسینی بیزی - م خلقیمیز اوخویا بیلیمیر ، سیزده اسکی یازیمیزی بیلمه دیگینیز اوجون یازیلاریمیزلا دا علاقه ساخلایا بیلیمیریک .

اومید ائدیریم گله جکده بو جتینلیکلر ده اورتادان قالدیریلسین اولو تانری دان هامینیزا خصوصیه رداکسیا هیئت و زومرود اورخان بیگه اوزون عؤمور ، ساغلیق و ناثلیت دیله بییریم ، منیم و وارلیق درگیسینی تبریکینی و غیر دعا لارینی قبول ائتمه نیزی خواهی - ش ائله بییریم .

وارلیق درگیسینی مسئول مدیری و رداکتورو
دوقتورجوادهیئت

غیرت غزئتی نین رداکسیا هیئتینه :

○ "غیرت " لی قارداشلاریمیزا تبریک

گورجوستاندا یاشایان عزیز سوادشلاریمیزین تشبثو ایله آنادیلی - میزده " غیرت " آدلی بییر غزئتین یاییلماسی خبری بیزده بؤیوک بییر اومود ، سئوینج و غرور حسلی اویاتدی ، هئج شبهه سیز غربتده ، آؤزوده گورجوستانین بو گونکو آغیر سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی شرایطینده

بئله بىر گۆزەل و دولغون غزئت چىخاريب ، آذربايجان خلقىنين زنگين دىلى و مدنيتىنىنين گليشمەسى اوغروندا فعاليت آپاريب ، اونو قوروماق حقيقتا" ايگيد غيرتى ايسته بىر و بيز جوخ شاديق كى جو غيرتى اوژ دوغما قارداشلاريميزدا جوخ قاربارق شكيلده گؤروروك . بيز ايران آذربايجان گنجلىرى بوتون بو جتينليكلرله ياخيندان تانيش اولدوغوموز اوچون سيزين نه قدهر بؤيوك ، دگرلى و زحمتلى بىر ايش گؤرمەنيزى بىليپ و اونو غيرت غزئتىنين باش رداكتورو حؤرمتملى زومرود بيگ اورخانا و رداكسيا هيئتينه اورە كدن تبرىك ائدير باشاريلار ديله بىر و هر جورە يارديما و امكداشليغا حاضر اولدوغوموزو بيلديريريك .

خلقبموزه سعادت آرزوسيله
ايران آذربايجان گنجلىرى

باش ساغليغى

حؤرمتملى دوستوموز حجت الاسلام دوكتور ذاكرىنين قىزى زنجان طب داناشكده سىنين سون كلاسيندا ايكن بىر اوتوموبيل حادثه — سينده حياتىنى ايتيريب آلاهيىن رحمتينه گئتميشدير . بؤيوك آجى و اينتى مناسبتيله آنا ، آنا و ديگر عائله — اعضاسينا باش ساغليغى وئيريريك . اولو تانرى دان اولارلار اوزون عؤمور و صبر ديله بىريريك .
وارلىق

باش ساغليغى

حؤرمتملى دوستوموز ، وارلىق دركيسىنين گؤركملى يازيچيسى و عدليه وكىلى آقاي على كمالىنين آناسى رحمته گئتميشدير . اولو تانرى دان او مرحومه يه مغفرت و باشدا آقاي كمالسى اولماق اوزره قائلارينا اوزون عؤمور و صبر ديله بىريريك .
وارلىق

بسم الله الرحمن الرحيم

نامه سرگشاده دانشجویان مشکین شهری دانشگاه‌های کشور به هیئت محترم دولت جمهوری اسلامی ایران

حمد و ثنا خداوند سبحان را که عطیه نظام مقدس جمهوری اسلامی را بر ملت محروم این سرزمین ارزانی داشت و با گسستن زنجیرهای استثمار و ستم نژادپرستان پهلوی آزادی و استقلال موعود را به مملکت امام زمان (عج) عطا فرمود برهیچ کس پوشیده نیست که حضور مستمر و گسترده مسلمانان آذربایجان همراه با دیگر آحاد امت قهرمان ایران درخت تنومند انقلاب اسلامی را آبیاری کرد و تحت رهبریهای پیامبر گونه حضرت امام خمینی(ره) جهانیان را به شگفتی واداشت تا آنجا که تاریخ به یاد دارد از سپیده دم ظهور اسلام و تشیع مردم آذربایجان در راه اعتلای شریعت محمدی جانفشانی‌های فراوان نموده و پیوسته ورقهای زرینی به اسلام هدیه نموده است. اکنون شایسته است انتظارات این مردم فداکار و مظلوم نیز قریب توجه دولت محترم جمهوری اسلامی قرارگیرد.

آشکار است که حقوق فرهنگی - سیاسی و اجتماعی مردم این خطه در پنجاه و چند سال حاکمیت شوونیستی رژیم پهلوی زیر پا گذاشته شده بود اما با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی افق روشنی از امید به عدالت ملی در دل‌های آکنده از بغض و رنج مردم این سرزمین گشوده شد. اکنون این مردم پس از سالها تحقیر و تبعیض آزادیهای پرافتخار خود را در این نظام اسلامی پاس داشته و تا ابد از آن دفاع خواهند کرد اگرچه هنوز ۲۷ میلیون ایرانی ترک زبان از خواندن و نوشتن به زبان مادری خود که اصل ۱۵ قانون اساسی نیز بر آن صحه می‌گذارد محروم هستند اما آزادی انتشار کتاب و نشریه به زبان ترکی را که از شمات انقلاب عزیزمان می‌باشد همچون جان خویش عزیز می‌دارند.

از جمله اقدامات دولت محترم جمهوری اسلامی در رابطه با این خطه تقسیم استان آذربایجان شرقی به دو استان بود که با دلایل ناکافی وزارت کشور همه دل‌های بیدار این سرزمین را بهت زده ساخت. اگرچه

مردم آذربایجان با استناد به نیت دلسوزانه مسئولین این اقدام را به فال نیک گرفتند اما با توجه به اعاده نام ننگین شاه به استان باختران پس از پانزده سال تعویض نام قسمتی از آذربایجان با نام یک شهر را به عنوان یک اشتباه تاریخی نپذیرفته و یقیناً هرگز هیچ توجیهی را قبول نخواهند کرد. در این راستا ما دانشجویان مشکین شهری دانشگاهی کشور ضمن اعلام مخالفت با تعمیم نام اردبیل به قسمتی از آذربایجان همواره خود را یک ایرانی سرافراز دانسته و با نام آذربایجان در راه حفظ استقلال و تمامیت ارضی میهن اسلامی خود تلاش خواهیم کرد با عنایت به تمامی این موارد مسائلی را به استحضار مسئولین معظم دولت رسانده و چشم به راه اقدامات عملی مسئولین میمانیم:

۱- واضح است مسئولین اجرایی منطقه در صورتی موفقتر عمل خواهند کرد که از بومیان همان منطقه انتخاب شوند زیرا تنها در این صورت است که دردها و مشکلات منطقه را لمس خواهند کرد. اما متأسفانه منطقه ما پس از ماهها انتظار به استان‌داری خوش آمدگفت که حتی با زبان ساکنان منطقه بیگانه است و این در حالیست که نیمی از اهالی منطقه زبان فارسی را نمیدانند آیا جای تأسف نخواهد بود که از شهر آیت‌الله مشکینی‌ها و مقدس اردبیلی‌ها شخصی صلاحیت استان‌داری منطقه را نداشته باشد؟؟؟

۲- همزمان با معرفی استان‌دار جدید شاهد حذف افراد متعهد و انقلابی از دوایر مختلف دولتی و جایگزینی آنها با افراد غیربومی بوده - ایم که با توجه به عدم سابقه خدمت ایشان در منطقه، عدم شناخت موقعیت فرهنگی و حتی جغرافیایی منطقه اختلاف زبان و فرهنگ و... مسئولین جدید ادارات علاوه بر ایجاد مشکلات اجرایی در آینده شاهد رکود و افت فعالیت‌های آموزشی، عمرانی و دیگر فعالیت‌ها خواهیم بود و این در حالیست که اقشار صاحب تخصص، تعهد و تحصیل کرده بومی بیش از دیگران صلاحیت تصدی این پستها را دارند و نباید از نظر مسئولین استان‌داری استان جدید دور بمانند با این وصف جای تعجب است که استان‌دار محترم، استان جدید را فاقد نیروی انسانی لایق تشخیص داده و طی اطلاعیه‌ای از دیگر مناطق کشور برای تصدی پست مدیریت اعلام نیاز می‌کند. استان‌دار محترم چه توجیهی در مقابل مردم خواهد داشت

درحالی که چنین اقدامی جز توهین به افراد لایق منطقه چیزی دیگر نمی‌تواند باشد.

۳- در شرایطی که سایر مناطق و استانهای کشور به سرعت در حال رشد و شکوفایی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی می‌باشند این منطقه آذربایجان که به نام استان اردبیل نامیده شده است در فلاکت و محرومیت دست و پا می‌زند، حمایت‌های عملی از کشاورزان و طرح‌های عمرانی به پائین ترین سطح ممکن رسیده است و استانی که در گذشته سومین استان کشور محسوب می‌شد اکنون به مقام هفدهم تنزل پیدا کرده است. هیئت محترم دولت نیک می‌داند که وضعیت استان جدیدالتاسیس ما در چه حال و روز اسف‌باری می‌باشد. واقعیت این است که قیافه شهرهای ما بیشتر به روستایی بزرگ شبیه است تا شهر. کمبود فضای آموزشی و بهداشتی، فقدان مراکز فرهنگی و تفریحی، نبود مراکز جذب انبوه نیروی کار، بی‌توجهی به زیباسازی شهر از جمله مشکلات بی‌پایان منطقه ما می‌باشد حال آنکه تنها بودجه رنگ آمیزی سطوحهای زباله شهر تهران می‌تواند قسمت عمده‌ای از محرومیت‌های منطقه را بزداید.

۴- در چنین برهه حساسی که نوک تیز تبلیغات مسموم بیگانگان متوجه مردم ماست و هر روز شاهد ترفند جدیدی از تهاجم فرهنگی غرب هستیم می‌بایست با استفاده از اهرم فرهنگ و زبان خودی وبا بهادار دادن به آئین سنن و فرهنگ اقوام ایرانی قسمتی از توطئه شوم استکبار جهانی را خنثی و بی‌اثر کرد. با این حال صداوسیما مرکزی است که از جدید از نخستین روزهای تأسیس استان با اقدامات ضعیف خود نه تنها در این راستا کمکی نکرده بلکه خواسته و ناخواسته به تخریب زبان و فرهنگ شیعیان سلحشور آذربایجان پرداخته است. نظرخواهی از عموم مردم نشان خواهد داد که تاجه جدا هالی از این امر ناراضی و دلگیرند. مردم از سرپرست جدید صداوسیما انتظار داشتند که با ایجاد تحولات مثبت خواسته‌های قاطبه اهالی را در نظر بگیرند. اما اکنون عملکرد صداوسیما درست عکس انتظارات مردم است تا جایی که ۱۰ دقیقه اخبار روزانه استان که تنها برنامه مخصوص مرکز اردبیل برای اهالی منطقه می‌باشد به زبان فارسی پخش می‌شود.

مردم این منطقه آذربایجان که دوشادوش دیگر هموطنان خود در مراحل مختلف انقلاب در صحنه حاضر بوده و همواره بهایرانی بودن خود افتخار

کرده‌اند اکنون بر اساس نص صریح قانون اساسی حق دارند از حقوق مساوی با دیگر هموطنان خود برخوردار باشند. همانگونه که سایر هموطنان از برنامه‌های متعدد آموزشی، اجتماعی و فرهنگی صدا و سیما استفاده می‌کنند روستایی بی‌سواد آذربایجانی نیز حق دارد به زبان قابل فهم خود از این برنامه‌ها استفاده نماید.

در خاتمه با ایمان و یقین به پیگیری مراتب فوق از سوی دولت محترم مفتخریم مجدداً اعلام داریم که همچون سایر آذربایجانیها خود را از خطه آزاد مردانی چون شیخ محمد خیا بانی، ستارخان، باقرخان شهید، مهدی باکری شهید و شهید مدنی و... دانسته و به هیچ عنوان به از دست دادن افتخار "سر ایران بودن" حاضر نخواهیم بود.

رونوشت :

- ۱- نمایندگان مقام معظم رهبری در شهرهای منطقه.
- ۲- مجمع نمایندگان آذربایجان در مجلس شورای اسلامی
- ۳- استانداری اردبیل و آذربایجان شرقی.
- ۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران و مطبوعات.
- ۵- صدا و سیما مرکز تبریز و اردبیل.
- ۶- مطبوعات محلی آذربایجان.

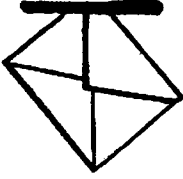
با آرزوی پیروزی اسلام و برچیده شدن بساط کفر

فروردین ۱۳۷۳

جمعی از دانشجویان مشکین شهری دانشگاه‌های کشور

□ نقل از هفته‌نامه امیدزنان

○ بیزه گلن مکتوبلار



– قاراداغ ما حالینین آراز قیراغی گندلرینین گون گۆرمز کندیتن
عزیز قارداشیمیز مهندس صمد جعفرپورون بیزه گۆنده ردیگی مکتوبونو
آلدیق. مکتوبلاریندا ائلیمیزه و وارلیغیمیزا اولان قایغی و محبت –
لریندن یازمیشدیلار. بیز ده قارداشیمیز صمد آقادان تشکور ائدیپ ،
گۆنده ردیکلری شعرلریندن ده ایکی بندینی گتیریریک :

وطن دردی بیر داغ اولوب
آغلارام باجیم آغلارام
گولوموز سارالیب سولوب
آغلارام باجیم آغلارام
داغلار آرامیزی آلیب
فلک بیزی درده سالیب
تکجه آیریلیقدی قالیب
آغلارام باجیم آغلارام

زنجاندان عزیز قارداشیمیز " علی محمد بیانی " لطف ائدیپ بییزه
گۆزهل و یاخشی بیر مکتوب یازیب باشدان – آیاغا کیمی بو اوزون
یازیلی اورهک سۆزلریندن غیرت و شرف داشلانیردی، انسانلیق عطری
گلیردی. بیز ده دئییریک بیانی قارداش ساغ اول، وار اول، بیورولما
و بیزی هر دن بئله – بئله یازیلارین ایله سئویندیر، هوشنگ آقادان
گۆندر دیکینیز گۆزهل شعری ده آیری اوخوجولاریمیزلا بیرلیکده
اوخویاق :

سینارام اگیلمه ائلیمه گۆره
خارلارام خارلییان سئلیمه گۆره

باشیم دا كسىلمە دىلىمە گۆرە
لال كىمى دايانىب باغا بىلمەرم

مشكىن شەردن عزیز قارداشىمىز نعمت اللە كىشى زادەنەن دە مەبتلى
مكتوبونو آلدیق، اونون دوغما دىلىمىزە اولان سئوگى و مەبتىنى دە
او خودوق، بو قارداشىمىز "وارلىق" ین هر یئنى ساییسینین تئش—
چىخما سىنى صبیرسىزلىكلە گۆزلەپیر و یازیر "وارلىقدان" دىلەپیرم
امكان اولان صورتدە خۇرمىلى خلق شاعیرى مەبىدزادە سا والانین شەرلر—
ینە بىر آز آرتیق یئر وئریلسین، چونكى سا والان — ین شەرل—
دوزگون، یاراشىقلى دی و غیرت قوخوسو گلیر، بىز دە عزیز قارداشى—
مىز كىشى زادەن تشکور ائدیرىك، گۆندەردىگى شەرلیرىندن ۳ بندىنى
وئریرىك :

"دوغما یورد"

"دىل"

مئشە جئیرانسىز اولماز
سئوگى هيجرانسىز اولماز
منە وئرسن دونیانی
آذربایجانسىز اولماز

سنىلە دئىیلیر اورەك سۆزلىرىم
سنىلە یاشاییر حزین گۆزلىرىم
سنىلە یاشاییر آدیم، ایزلىرىم
دونیا وارکن یاشا ای آنا دىلىم

"وطن"

گۆز باخدیقجا یاشیل جۇل
اورەك اولوب قانلى گۆل
حیات سویون دا ایچسن
وطن سىز یاشاما اؤل

— خۇرمىلى اوخوجولارىمىزدان جناب صفرى (دۇنمز) مرندىن كهریز
شەرجیگیندن بىزە مکتوب و شعر گۆندەریبلىر، مکتوبلارین او خودوق، بو
قارداشىمىزین مەبتلیرىندن تشکور ائدیپ خواهىش ائدیرىك یئنه بىزە
مکتوب و مطلب گۆندەرسینلر، شەرلیرین وئردىك شعر قىسمتىنە باخىلسین
آما " محاربه " شەرلیرىندە " دوشكان " سۆزونون معناسى بللمەدى.

— اورمیه نین قرەلر كندىندن عزیز اوخوجوموز قدرت آقا رضا زادەنەن
دە مکتوبونو آلدیق نئچە سورغولارى وار ایدى، شەردە گۆندەرمىش
دىلر، سورغولارىنا جا وابلار: ۱- قارداشائله اورمیه شەرىندە تورک
دىلى و ادبیاتىنى اؤیرتمە كورسوسو قویولوب، ۲- بىزیم بىر چوخ

بۇيوك كلاسىك شاعىرلىرىمىز ۋاردىر. عارف يازىچى ۋ شاعىر محمد فضولى ۋ بۇيوك عارف، مەكتەپ مەھسۇبى سىدەمە دالدىن نىمى ۋ جۇغلارنى ۋار. ۋ بونلارنى تۈركى كىتاب، دىۋان ۋ اشۇرلارنى تىبرىز ۋ اورمىيە كىتابچىلار. يىندان آلماق اولار. ۳- اصلاً ۋارلىغىن مەطلبلىرى ادبى، مەدنىي مەطالبىدىر.

قارداشىمىز قەدرەتلىك شەئەرلىرىدىن ئۇرۇنكا اولاراق بىر بىتتىنى آشاغىدا كىتەپلىرىك :

ياشا ۋارلىق نەئجە يۇخلۇقلارنى ۋار ائتمە دەسەن
ۋارى يۇخ ائىلەينە دونىانى دار ائتمە دەسەن

– مەرد شەرىندىن عزىز ۋ استعدادلى اوخۇمۇز آقانى ساسان نوپىدى. نىن دە مەكتۇبى ائىكى شەئەرلە بىرەر الەمبىزە جاتدى. بىزدىن سۇرۇشۇبىلار بۇ شەئەر نەمۇنەلىرى ائىلە مەنىم ادبى ۋەئىم نەئجەدىر؟ قارداش سەنىن شەرىن جۇخ كۆزەل ۋ اعلا دىر ۋ گلەجەبىن آبدىن ۋ مۇفق دىر. بىو ائىشىن دالەن توت ۋ جەئىتلە جالەش جۇنكى سەنىن شەئەر طەبەئىن رۋان ۋ توتۇدۇغۇن يۇل دوزدۇر ۋ بىزە كۆندەردىگىن شەئەرلى دە شەئەر قەستەينە ۋئردىك، آما بىر بىت "ئەلى" شەرىندىن بۇردا ۋئىرىك :

يا ئەلى ائى عالمىن شاھنەشەئى ائى رەستگار
ائى رەسۇلون ساغ قۇلو اسلامە ائىئەدىن، جان نەئار

– تىبرىزدىن استعدادلى طلبە قارداشىمىز مەمدۇرا قۇبىي (عاشىق آبدىن) دان دا مەبەئىلى مەكتۇب الەمبىرە جاتدى ۋ سئوئىندىك، بۇيوك سئوئىنچ ۋ مەبەئىلە اوچ آبدان بىر جىخان ۋارلىغىن يۇلونۇ كۆزەلەيىر. لىر اللەرىنە چاتاندا جۇخ سئوئىندىكلەرىن يازىب ۋ شەئەر دە كۆندەرمەش دىلەر او شەردىن ائىكى بىند :

بالتارىمى تىكەدىرەردىم ائىكەن
هەئج يۇخ ائىدى ائىنجىلەگىم فلەكەن
درد الەندىن آه كەمزدىم اورەكەن
هەئج اولمازمى بىر كۇن فلەك اولما سەن
ياش كۆزەلەر، درد اورەيە دولما سەن
عاشىق آبدىن ائىنلەرى بىجىن يۇخ

گۆز یاشی تک بولاق سویون ایجن یوخ
نامردلرله مردلری بیر سئچن یوخ
هانی پش بو دونیادا یاشییا نلار
اوره کلردن دردلری قاشییا نلار .

– گرمینین طولون کندیندن اولان عزیز اوخوجو قارداشیمیز حبیب
هاشمی بیزه جوخ گۆزهل مکتوبیله بیر شعر گۆنده ریب و یازیبیلار کی
من تهران دانشگاهیندا بیولوژی رشته سینده لیسانس آلمیشام اما
ادبیات قولوندا هله ایلکین آدیملاریمدیر. قارداش سیزین ادبیاتی
استعدادینیز قوتلیدیر. هم نثر یازینیز و هم شعرینیز بیر ادبیات
قولوندا لیسانس آلمیش استعدادلی طلبه قدهر یاخشی دیر. سیزی—
"باهار گلیر" شعرینیزی ده شعر قسمتینه وئردیک چا پا حاضرلانسین.
– موغاندان حورمتلی اوخوجو دوستوموز جناب اکبر اقراری دمیرجی
محبتلی مکتوبلاریله بیر قوشما دا گۆندرمیشدیلم، او قوشمانین بیر
بندی بئله دیر:

ان آجی نغمه نین بو تورکو دیلده
دادین وئره بیلمز شکر ده بال دا
یازین قبریم اوسته ساغیله سولدا
آدینلا قووه ته گلردی قولوم
ایستکلی سئوگیلیم ای تورکو دیلیم

– خوی شهریندن حورمتلی اوخوجو جناب م— زمان املا قایسدا لاری
حقیقته بیر نئجه یاخشی و مسئله نین ائله کی گره ک حل اولما میسش
سلی حرفلریمیزین نئجه یازما غیمیز اوچون اؤز نظرلرینی یازمیشش
دیبار. عزیز قارداش! بو دقتینیزه گۆره ساغ اولاسیز. بیئنه بیزه مطلب
و مکتوب یازما غینیزی خواهیش ائدیریک .

– تهران تورک دیلینی اؤیرنمیش فارس دیلی وطنداشیمیز آقای
فرزاد داودی بیزه یاخشی بیر مکتوب گۆنده ریب و وارلیغین تورکجه
یا زیلیمیش مطلب و شعرلرین اوخویوب، اؤز نظرلرینی ده یازیبیلار.
ساغ اولسونلار. اما جاواب: آقای داودی بیز سیزین نظرینیزی تأیید
ا ئدیبدئیریک. مثلا "اصفهان ملتی و یا ملت مراغه دوز دگیمل.
اهالی فلانشهر و یا فلان اوستانین اهالیسی دوزدور. ساغ اولاسیز .

- تبریز دانشگاهین ادبیات دا نشکده سیندن حؤرمتلی اوخوجو شمش علی وحدانی بیر مکتوب و شعر گؤنده ریپلار، بیر بیتتی بئله دیر:

یانسین بو زمانی نه بیتر غملی زاماندی
ویران اولادونیانی نه غوغاسی یاماندی

- غربی آذربایجانین سلماش شهریندن جناب محمداکبرزاده نیسن ده مکتوبلاری چاتدی، آقای اکبرزاده سیز هر بیئردن و هر کتابسندان فایدالانا بیلسیز، امانتدارلیق و منابیعین دقیق گؤسترک، یازماق شرطیله.

- غربی آذربایجان خوی شهریندن عزیز اوخوجو قارداشیمیز آقای عباسعلی احمد اوغلونون دا مکتوبو و بیر شعری الیمیزه چاتدی، ساغ اولسونلار، بیئنه بیزه مکتوب و اثر گؤنده رمله رینی رجاء ائدیریک، موغاندان عزیز قارداشیمیز ساحل آرازلی بیزه صمیمی و یانقلی اؤره ییندن گلن قارداش سلسلی و محبتلی مکتوب یازمیشدیلا، جاواب بو کی قارداش بیز اؤزوموزده زمان جؤورونه خصوصیله زمانه میزین انسان آدلی وحشی جنایتکارلارینا و تصویره گلمه یین ظولملره دوچار اولان مسلمان قارداشلاریمیزی دوشونوروک بو مظلوملار دونیا نین بیر چوخ بیئینده اولدوغوندا ن آرتیق مظلوم دوشموش آذربایجانلی خصوصیله قاراباغ منطقه سینده اولما زین ستملره معروض اولان علی (ع) شیعه لری باجی - قارداشلاریمیز دیر.

- اورومیه دن عزیز قارداشیمیز علی شیخونون دا محبتلی مکتوبونو آلدیق، او یازیر: آخی بو وحشی اثرمنی لرین الیه قانینا بله شن وطنی اودا جکیلن خانمانی فنایه اوغرایانلار بیزیم باجی - قارداش لاریمیز دیر.

- خوی شهریندن قارداشیمیز حبیب قنبرپوردان دا مکتوب آلدیق، بو عزیزلردن ده مکتوب آلدیق:

آقالار: توحید ملکزاده دیلمقانی (سلماش) - غلامرضا غلامی قوشچی (اورمیه - ی، اوروملی) (اورمیه) - کورد دیلمی قارداشیمیز محمدرضا داودی (مهاباد) - اسفندیار عابدینی (زنجان) - م. اسما عیلیللی (اورمیه) - حسن خبری (سلماش) - نجات الله مولایی - مهرداد سرکش زنوز (ایکی مکتوب) - یاشا رحیدربا با اوغلو (ایکی مکتوب) - خلیل جوپانیا ن بنیسی - ع. عبادی - خلیلی

گلن ساییلاریمیزدا بونلارا جاواب وئره جگیک.

بیزه گلن مکتوبلاردان:

خۇرمتلى و ارلىق زورنالى!

سالاملا سىز خۇرمتلى يازىچىلارا كى قىسىمىزىن نور پارلاغى قارالىق كىچەلرین شمعلىرى دىر .

هر حالدا سىزىن اوجون ساغلىق و اۇز يولوزدا اوغورلو اولمانىزى آرزو ائدىرم . اۇن زامانلاردان آتا - بابالارىمىزدان بىئله دىيىلر (درد بىر اولسا چىمگه نه وار) . آما گرەك دردلرین آز - چوخلوغونا باخمايىب ، بو دردلرین ساغالماسىنا داوام ائتدىرەك ، بو دىھتلىسى دردلردن بىرىسى منىم اورەگىمى سىخىنا سالىب ، كى اگر ممكون اولسا بىرسىرا مطالىبىن چئوپرەمكلە ، اۇز نظرىنىزلە چا پا يىتتىرىن !

دوستلاردان بىرى سۇزلىرىنن اورتاسىندا بو مطلبە اشاره ائدىب كى من عىنىى موضوعنو سىزه نقل ائدىرم . نىچە گون بوندان قاباق خالاقىزىم اۇز ارى و اوشاغىيلا بىزه قوناق گىلدىلر . منىم بىر بالاجا واركى اونون آدى (دورنا) دىر . دۇرد ياشىندا بىرقىزدىر . خالاقىزى - مىن دا بىر اوشاغى وار آلتى - يىئدى ياشىندا . اونون دا آدى (شىوا) دىر . خالاقىزىمىن ارى ايله بىر اطاقدا صحبتە مشغول ايدىك كى شىوا خانىم بىزه مزاحم اولوردو . بونا كۆرە دىدىم شىوا كىت كۆر دورنا او بىرى اطاقدا . اونلا اوينا . بىر آز زاماندا سونرا كۆردوم بو قىز يىئنه بىزه مزاحم اولور . سوروشدوم . دورنا او بىرى اطاقدا دىيىل دىر . اونلا اوينا يان ؟ بو بالاجا قىز بىر منە باخىب بىر دە آتاسىنا ، باشىنان اشاره ائلەدى ، اوردا دىر ، دىدىم قىز مگر سىنن آغزىندا دىلىن يوخدو ؟ باشىنلا دانىشىرسان . كۆز آلتىسى آتاسىنا باخىب بىزدن اوزا قلاشدى . بىر آز زامان كىچمە مىشىدى كى كۆردوك بو ايكى بالاجا قىز بىر بوجا قدا اوينا ماغا مشغولدولار . گىيا بىزىم بو قوناق اوشاغىنىن صحبتىنە متوجه ايدى . منىم قىزىمىن - الينده بىر دانا سوغان واريدى . شىوا خانىم اۇز آنادىلىينده بىئله سۇيلىدى (قىز آت يىئره كۆزلىرىنى ياندىرار) بو آن دا آتاسى آياغا

قالخیب بېر دادلی - دوزلو شاپالاق قويدو قیزینین قولاغینا. و خطاب قیزینا) پدر سوخته مگر نگفته ام ترکی حرف نزن، کی میخوای آدم بشی بی تربیت). بو بېر سؤزایدی، آنانین آغزیندان قیزین تورکی آنا دیلینده دانیشماق خاطرینه چیخدی. بو نادان کیشینین عملیندن چوخ اوره گیم کدرله نیب دئدیم بو ایشی نییه گؤردون؟ اوشاغین گوناھی نه دیر؟ چوخ غرورلو منه دئدی. سن بیلیرسن، اوشاق تورکی دانیشما بی تربیت، بی فرهنگ، بی شخصیت و... بارا گلر! بونون بو سؤز و عملیندن یاندیم کولوم چیخدی، آلولاندیم، اوره گیم پارچالاندی!

ایندی وجدانیزی قاضی ائله ییب گؤرون: آنا دیلینده اوشاق اوشاقینان دانیشما = بی فرهنگ، بی شخصیت اولار و یا بېر آدم کی اؤز اصلتینی دانیب حقی نا حق ائله سه؟ ساغ قالاسیز.

حسین جمشیدی - تبریز

جاواب :

عزیز قارداشیم آقا حسین جمشیدی!

یانقلی اوره کله یازدیغینیز مکتوبو اوخودوم. البته کی بېر خلق، عايله و اوشاغین آنا دیلینده دانیشما غی طبیعی دیر. آلاهی تعالای انسانلارا آنالارینی ایلك معلم یارادیب و آلاهی آیه لریندن قبول ائدیلم (قرآن کریم) دیللی آنالار واسیطه سیله بنده لرنه اؤگره - دیب دیر. بو ایلاهی سنت و قانون هر زمان یاشادیغی کیمی بوندان سونرا دا هر یئرده یاشایا جاقدیر.

آنادیلی آلاهی وئرگیسی اولدوغو کیمی آنانین دا بېر پارچاسی دیر. و اونون کیمی مقدس دیر. ایستر بو گون دونیانی توتان انگلیس دیلی اولسون و یا قره چیلرین و یا آفریقالیلارین دیلی و یا بیزیم شیرین (هله ده باخیمیز) دیلیمیز اولسون.

اما سیزین آنلانیدیغینیز آجی حادثه غیرطبیعی، قوندارما، اوتانچ وئریجی و ایبرنج اولدوغو قدر ده آجی دیر. بو آجی و ایبرنج

وضعیت ۶۰ ایل سورهن و ایرانلی تورکلر اوچون اوز قاراسی ساییلان فاشیست و شوونیست پهلویلر دوره سینین یادگاری دیر. پهلوی رژیمی اسلام انقلابی ایله چوکوب تاریخین زینیلکینه آتیلدی. اما اونون قالیقلاری فرهنگ (مدنی) ساحه ده هله ده. یا شاما قدا دیر. بو آجسی واقعیتی (فاکتی) قبول ائتمکله برابر اونونلا مبارزه ائتمه لی بیک. آنادیلینی، آتا - آناسینی بیه نمه یین هم شهریلریمیز یا زیق و حتی بیجاره آداملار دیلار. اونلار شاهلیق رژیمینده حاکیم اولان فارسلاشده - ییرما سیاستی نتیجه سینده اؤزلرینه یاد اولموشلار. اونلاری نه فارسلاشده فارس تانیر نه ده سیزین کیمی آذریلر اؤزلریندن بیلیرلر. اونلار ایکی جامعه آراسیندا قالمیش بی نامازا بنزه رلر! اونلارا اوتایدا مانقورت و تورکیه ده دؤنه ک دئییرلر. سؤزلریمین سونوندا بونو دا قید ائتمک ایستیرم کی بیزلر مسلمان ایرانلی و آذربایجانلیلاریق. بیزه مملکتیمیزین رسمی دیلی اولان و مین ایل اوزره یینده چالیشیب شاهلرلر یاراتدیغیمیز عزیز آنادیلیمیز ده، فارسی دیلی ده. اوستاد حمید نطقینین مئدیگی کیمی:

بیز تورکلر اوچون هم بو دیل هم او دیل عزیز دیر
 تورکی آنامیز، فارسی دیلی شوکیلیمیز دیر.
 آنادیلینی اونودان ویا اونا خور باخان آدام آنایوردونسا و
 مملکتینه ده باغلی اولابیلمز. آنجاق بیرتیکه چوره ک و بئش گونلوک
 مقام اوچون دربه در یا شایا بیلر. بئله کیچیک آداملار بیئل هر طرفدن
 اسه او طرفه اییلیرلر و سونوندا دا بیر بیئرله چاتمازلار. سیزه
 ساغلیق و سویوق قانلیلیق دیله ییرم.

دکتر جواد هیئت

اوزاقلارا، آذربایجان ديارينين هر طرفينه باخير، "حيدر با نين" غصه‌لى دؤنه نيندن، آذربایجان كندينين دؤنكى حياتيندان سؤز آجان سازينى دينله ييب اوشا قلىق خاطره لرى نظرينده جانلانير "... حلاج اوغلو" ايسته ييركى، بوتون معاصر شاعيرلريميز و ايلك نؤبه ده گنج قلمليريميز هر جور بدبين ليكن اوزاق، اؤلوم، ايتكى حقينده اصلا "دؤشونه مين، اوميد و خوشبين ليكله پاريلدايان گؤزلرله گله جگين ايشيqli او فوqlرينه باخسينلار، ائل - اوبايا عشق و اوميد اينجى سى يا غديرسينلار." بيرينجى حيمه ايكي دييله ائينالى، حماسه و هنر زيروه لرى باشليغي آلتيندا، آقاي دوكتور ترابى، اؤلوم شهر يارين جهان شمول اثرى "حيدر با" ايلن، ائينالى، ائل داغى منظومه سيني مقايسه ائدير و بئله سؤيله بير: "حيدر با" بير ساده و طبيعى كند حياتى، نسبتاً دورغون و حركتسيز كند جمعيتى نين شاهدى ديرسه، "ئينالى" نين گؤز او نونده قاينار تبريز، دايا نمدان ايره ليه ين جوشغون شهر حياتى دا يانير، باشقا سؤزه دئسك، "حيدر با" آشناليق و صفا كندينين دايمي كدخدا سى دير، "ئينالى" ايسه يئنيلمزلىك و وفا شهرينين قالارينين باش اگمه ين و اوزاق گؤره ن گؤز تجيسى. شاعير ياراتديغى بو منظومه ده آزادليق سئوه ن و عدالت داليسيندا اولان بير خلقين، استبداد و اؤز باشيناليق قارشيسيندا، قهرمانلىق و مبارزه سى نين رمزى اولان بو ائل داغينى مخاطب قرار وئير و دئير، اى اولو داغ، سن بوتون تاريخ بويو، اؤز دوغما خلقينى حقه جاغيردين، سن ياشلى و آغلار گؤز لرينه تارلالارى، كؤو - شنلى سواردين. قارائلىقلارى، ظولمت لرى ياردين، سنين صداقتلى، ائل سئوه، يورولماق بيلمه ين قهرمان اوغوللارين تاريخ بويو، "دده قورقود" دان توتמוש "قاراچورلو" يا كيمي بير اللرينده قلم بير اللرينده ساز و سلاح، اؤز خلقلرينين آزادليق و سعادتى يولوندا ساريلما دان، يورولما دان مبارزه بايراغين بير آن بئله يئره قويما ديلا. شاعير، خلقينين دردلرينى، كدرلرينى، نيسگيللرينى ايتى گؤز و ايله گؤرور، اؤره كدن آجير و اؤزونو بو دوغما داغا توتوب اؤره ك سؤز لرينه بئله ترنم ائدير:

" آى گؤزه ل ائينالى، آى دردلريمين اورتاغى داغيم ! "

" گؤروم "حيدر با" نى باشى اوجا قاف كيمي قالسين "

" اودلو " حاللاج" سنی - بو ائل نفسی - عرشه او جالسین "

" گۆرمه ییم " سۆنمز"ی " من سیزله مده " بیر ده سوزالسین "

" ... سازینین سۆز کتایبندای بیئنی بیر صفحه آچیلسین "

گئجه لر ظولمتی گئتسین ،

شن گونش نورو سا چیلسین "

شاعیر، کتایبین ایکینجی حیصه سینده " ایئنالی اودلار یوردونون داغی " عنوانی آلتیندا، آذربایجانین تاریخیندن، تیریپزین افتخارلی کئچمیش یندن، خلقین تاریخ بویو سۆردویو آغیر حیاتیندان، مبارزه سیندن، خصوصیله مشروطیت دؤرونده پاک و صاف اوره کلی، ساده زحمت چکن انسانلارین آرزوسوندا، دیله گیندن سۆز آچیرا، و، گؤستریر، بو یئنیلیمز قهرمان خلق، اوشاقدان بؤیوگه دک، جاواندان قوجا یادک، آرواددان کیشیه دک، هامی واحد بیر ال تک، استبدادین ظولمون اؤنونده، بوتون وقار و قدرت لری ایله دایاندیلار، سنگرلرده آردی کسيلمه دن گئجه - گوندوز یا تدیلار، آجلیق چکدیلر، هر بیر جتینلیگه دؤزدولر، آنجاق اؤز باشینالیغین، استبدادین قاباغیندا اگیلمه دیلر. " وشگیر " بنا، باغوان، بقال، چوره کچی، داوا فروش، بزاز، دیره کچی، هامی - هامی ظالیمی، مستبدی، فتنه کاری بوغدولار و بورنو بیثللی لرین بورنونو اوودولار. دشمنک اولار بو حیصه ده، شاعیر مشروطیت تاریخیمیزین قیزیل صحیفه لرینی، بؤیوک بیر قدرت و دقتله گؤزلریمیزین قاباغیندا و اراقلابیر و بوتون حادثه لری اولدوغو کیمی، صداقت و اینجه بییر دیل ایله نظمه چکمیشدیر.

شاعیر بو منظومه نین سونوندا، اؤزونو " ائینالی " بو قهرمان خلقین مبارزه سی نین مظهری و رمزی اولان داغا توتوب بیئله سؤیله بییر:

" آی ائینالی ! " ستارخان " لار دوغ گیلن،

" استبدادی هاردا تاپدین بوغ گیلن ،

" قودوز قوردو منطقه دن قوو گیلن

" قوی انسانلار فکری آزاد باشاسین

" جانی پولاد، یوردو آباد باشاسین " .

درین متفکر، شاعیر و جامعه شناس، منظومه نین سون بندین ده ملسی جرجیوه دن چیخیر، او، دونیا میزین لاپ او جقاریندا یاشایان، امسک

سئوھن، آزادلیق و عدالت آرزوسیندا اولان چۆره گه، دوزانانکور قالما -
یان، دیلیندن، مذهبندن، عرفیندن، دریسیندن آسیلی اولما یاراق بوتون
انسانلارا، خلقلره، قبیله لره شن گله چک و ایشیقلی گون آرزولاییر -
شرافتلی و صداقتلی انسانلاری آلقیشلاییر:

" انسان سئوھن پاک اوره گه عشق اولسون "

" وفا قیلان دوز - چۆره گه عشق اولسون "

" زحمت چکن، قول - بیله گه عشق اولسون "

" شانلی ائلر بیر - بیرینه یار اولسون "

ائل عشقینده یانان " حاللاج " وار اولسون "

شاعیر، کتابین اوچونجو حصه سی تبریز گونش یوردو " حلاج اوغلو " پولاد
مردی از تبریز عنوانلی اثرینده، ابراهیم حلاج اوغلو آدلی بییر
قهرماندان دانیشیر. آنجا ق تأسفلر اولسون کی، مؤلفین بو باره ده
وئردیگی معلومات چوخ قیسادیر. یازیلان مقاله لره معلوم اولماییر،
بو، خلق قهرمانی، نه ایلده، هانسی قاجار پادشاهی نین دورونده آنادان
اولوب، هاردا حیات سوروب، نه کیمی قهرمانلیقلار گؤستریب، نه کیمی
آغیرلیق چکیب، وطنیمیزین هانسی طرفینده عصیان بایراغی قالدیریپ
کیم لر اونا آرخا دوروبلار، هاردا اولوب، اؤز اجلی ایله اولسوب
یا دوستاقلاردا، زنجیرلرده ابدی اولراق حیاتا گؤز یوموبدور. چوخ
یاخشی اولار حؤرمتملی مؤلف کتابین گله چک، چاپلاریندا، بو باره ده اؤز
آنادیلمیزده اطرافلی معلومات وئره لر. کتابین بو بؤلومونده، مؤلف
" حلاج اوغلو " دان باشقا اون اوچ (۱۳) موضوع باره سینده. بحث
اثدیر: " قاجاق نبی حقینده فارسجا بییر مقاله دن، باشقا، دوغما آنسا
دیلمیزده، قاجاق نبی " نین دیلیندن، اونون اؤز ائلینه وورغون
اولوب، ظالیم لره قارشى مبارزه سیندن سؤز آجیر. " قاجاق نبی " شعر
دیلی ایلن دانیشیر، او، دئییر " ... بییر عؤمور ایشله میشم اؤز امگ
یمدن بیتمیشم، ظالیمی از مک اوچون زنجیری، بندى قیراراق، گیر میشم
قصرلره آت چاپاراق، های قیراراق. بییر قدم اولسا دا حق دن اوزاغا
گشتمه میشم. "

شاعیر، قدرتملی بییر قلمله، ایتی و درین بییر نظرله، خان ایله، قاجاق
نبی نین مناظره سینى گؤز اؤنونده تجسم ائدیر. او، خانلارین، بیگ لرین
بیس عمل لرینین و غیر انسانی ایشلرینین اوزونو آچیر و اونلاری

اوخوجونون گؤزو قاباغیندا افشاء ائدیپ کیچیلدیر و اونلارین اؤز دیلریندن و آغیزلاریندا ن چیخان سؤزلریندن اعلام ائدیر، بو آداملار هامیسی بنگ - بادهیه معتاد اولوب، مفتخور و طفیلی بیر عؤمور سوروب و چرکین عملردن هنج زامان چکینمه ییب لر. بو بیر طرفدن بو طفیلی انسانلارین قاباغیندا، "قاچاق نبی" یؤکسه لیر. شاعیر گؤستریر بو خلق ایچیندن چیخان انسان، زحمت سئوهر و ایشیقلی، شن حیاتین و ورغونودور. آنجاق بو مناظره ده "قاچاق نبی" اؤزو باره - سینده دانیشاندا و "آشوتیس کۆره لی اوردوگا هدان سؤز آچاندل بو قهرمانین دیلیندن بو طرز ایله دانیشماق دوزگون نظره بیئتیشمیر. قاچاق نبی، تاریخی بیر قهرمان دیر. او تزارلار زامانیندا یاشا بیر- دی. و کۆره لی اوردوگا هلاز" ایکنجی دنیا محاربه سی زامانی، ملعون فاشیست لرین طرفیندن یارانان کۆره لردیر و تاریخی باخیمندان بیر- بیرلریندن چوخ ایللر فاصله لری واردیر.

زنگین ادبیاتیمیزدا، اجتماعی شعرین چیچکلنمه سی عنوانی آلتیندا یازیلان مقاله لر هر بیر نظرден دقته لایق دیر. مؤلف بورادا اؤز دوزگون و علمی نظرینی سؤیله دیکن سونرا، بو اون بئش ایلده ۶۰۰ دن آرتیق آنادیلمیزده یازیب - یارادان شاعیرلرین آدینی بؤیوک بیر قایغی و مسئولیت ایله توپلاییب دیر. منجه، آقای دوقتور بسو باره ده حد دن آرتیق زحمت چکیب و دئمک اولار، حتا یالنیز بیرقطعه شعر یازان شاعیرلرین آدینی، روزنامه لردن، مجموعه لردن کتابلاردان و باشقا منبع لردن تاپیب و ایفبا سیراسیله بو کتابدا اونلاردان آد آپاریب و دئمک اولار بیز بو بؤلومو جاغداش آذربایجان شاعیر- لرینین تذکره سی کیمی آدلاندیرا بیلمه سکه ده، گله جک اوچون زنگین و اعتبارلی بیر منبع حساب ائده بیلریک. شاعیر، شانلی تبریز آدلی شعرینده، ایکید و قهرمان ائلینه اؤزونو قوربان دئییر و دوغما و شیرین دیلینه، فرهاد کیمی شیرین" یین یولوندا، جاندا کئچمه یینی بیلدیریر!

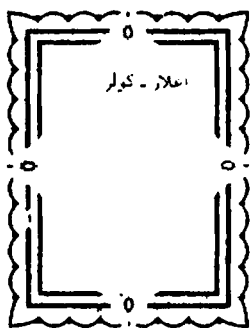
" وورغونویام ایکید ائلین
فرهادییا م شیرین دیلین ،
بولاددان دیر، قولون - بئلین
باشی اوجا شانلی تبریز ."

کتابین سونوندا، مولیف، شاعیر و انسانیت عنوانلی شعرینده، اؤزونو اؤز دوغما خلقیندن، ائلیندن قیراق بیلمه‌بیر، او، آیدین گله‌جگه بوتون وارلیغیلا اینانیر:

" من کیمه؟ بو ائل، بو ائل کیمدیر؟ من حق سنگرینده سن مین سن، من سن، بوللار آیدین دیر، گله‌جک دیرشن . گله‌جک منیم، بوللار منیم دیر دمیر ال - آفاق قوللار منیم دیر. "

کتابدا بیر پارا نقصانلار دا گؤزه چارپیر. کتابین اؤز قابیندا (اوست‌جیلده) عنوانی دوزگون یا زیلمایب، ائینالی، ائل دا غمی عوضینده ائینالی، ایل داغی یا زیلیب، هابئله حاللاج اوغلو، بیئرینه حاللاج اوغلو جاپ اولوبدور. بوندان باشقا کتابدا یا زیلیش باخمیندان یک نسق‌لیک پوزولوبدور، مثال اوچون، حاق، حاخ، حق، حاللاج، حاللاج نفهس، نفهس، ایلهام، الهام، شهر، شهر، کدهر - کدر، گه‌لن، گلن و بیر جوخ لغت‌لر بیله طرزده یا زیلیب دیر. (البته بو ایراد هابیمیزا وارد دیر).

کتابدا جایی یا نلیشلار (غلط‌لر) ده جوخ گؤزه چارپیر. بعضی بیئرلرده حتا شعرین بیر بندى گئدیپ دیر. بوندان باشقا شعرلرده معنای باخمیندان بعضی ایرادلار نظره گلیر. مثال اوچون ۶۲- جی صحیفه‌ده " دئیجه‌کلر: قارداغلی پرستار سیندیریب‌دیر اوتوزمین لیک قوشونلار" یا ۱۰۷- جی صحیفه‌ده ناصرخسرو دئیشلی، گره‌ک ناصرخسرو دئیشکن اولسون ۱۱۷۰- جی صحیفه‌ده، شاختا گلیب‌دیر باغینا، شاختا دگیب‌دیر باغینا داها دوزگون دور، بو کیچیک نقصانلار باخما یاراق بوکتابین گون اوزو گؤرمه‌گینده چوخ امک صرف اولونوب. هر بیر حیصه‌نین سونوندا، آدلار، حتین لغت‌لر ایضاح ائدیلب دیر. منجه بو کتاب هر بیر باخمیندان ماراقلی، آلمالی، اوخومالی، فایدا لائمالی، ساخلامالی و بیئری گلدیکده بیر مرجع کیمی باخمالی دیر.



- کتابین آدی : اعلار - کولر

مؤلیف : صمد مرادی جانبهان

قطع : رقعی

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

نشر تاریخی : ۱۳۷۲- یا ی فصلی

ناشر : انتشاراتی ائلدار، تبریز

صحیفه : ۹۰

قیمتی: ۱۵۰ تومان

کتابین مقدمه‌سینده "تانشلیق" عنوانی آلتدا شاعیر اؤزونسو تانیتدیریر و بو کتابی بیر گؤزه‌گلمه‌ین تحفه‌کیمی اؤز دیلداشلارینا تقدیم ائدیر "شاعیر مختلف موضوعلازدا اؤز طبعینی سینا یبیدیر: او آذربایجان آدلی شعرینده اؤز اوره‌ک سؤزلرینی بئله افاده ائدیر:

"ظولم الین آیریلیمیشام ائلیمدن
آذربایجان آدی دوشمز دلیمدن
بولبول کیمی اوزاق دوشدوم گولومدن
گئجه- گوندوز وطن دئییب آغلارام
آه چکیرم، باغیریم یاشی داغلارام .

شاعیر، قارتال "دان آدلی شعرینده، اؤز دوغما آنا دیلینه سئوگی و محبتینی قاباریق صورتده گؤستریر، او، دئییر: بیزیم ائللر، دوغما آنا دیلرینی یادلارا ساتمازلار:

"بیزیم ائل لر یادا ساتماز دیلینی"

بیز مولفه گله‌جک اشرلری اوجون اوغورلار آرزولاییریق .



— نام کتاب قره‌باغ در چشم انداز تاریخ

تالیف و ترجمه: عبدالاحد بهراد

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

تاریخ نشر: بهار ۱۳۷۲

قطع: رقعی

ناشر: انتشارات ارک تبریز.

در این بخش از مجله اغلب درباره کتابهایی که به زبان آذربایجانی منتشر میشود بحث و انتقاد میگردد، این بار بعزت اهمیت قره‌باغ برای تمام مردم ایران بویژه آذربایجان، درباره کتاب فوق که با استناد به مدارک و شواهد و اسناد تاریخی معتبر درباره قره‌باغ به زبان فارسی به رشته تحریر درآمده سخن به میان می‌آوریم. در این

کتاب دربارهٔ موقعیت جغرافیائی سرزمین قره‌باغ و گذشته تاریخی آن و آیا این بخش جزئی از سرزمین آذربایجان محسوب میشود یا خیر، با تکیه بر شواهد و مدارک معتبر و بیطرفانه و دور از هر نوع غرض - ورزی بحث میشود و ثابت میگردد که قره‌باغ علیا یا قره‌باغ کوهستانی در هیچ دوره‌ای از تاریخ جزو ارمنستان نبوده و حتا ارمنستان خود بهیچوجه وطن قوم ارمنی نبوده است. مؤلفین و مورخین خود ارامنه خاطر نشان کرده‌اند "قدیمی‌ترین هسته مرکزی ارمنی‌ها را اهالی شمال شرق آسیای صغیر تشکیل میدهد. مورخ نامدار و مؤلف تاریخ ماد "دیاکونوف" متذکر میگردد که "زبان قدیمی ارمنی بدلیل نداشتن رابطه فامیلی با زبانهای اهالی بومی فلات ارمنستان روشن است که آن زبان از جای دیگر به اینجا آورده شده است... به نظر بسیاری از دانشمندان و محققین قوم ارمنی قدیمی ابتدا یعنی تقریباً نیمه اول هزاره اول قبل از میلاد در وادی فرات علیا شکل پیدا کرده‌اند و ورود ارامنه به ولایات ما وراء قفقاز در دوره‌های بعدی اتفاق افتاده است". هرودوت و گزنفون تاریخ نویسان مشهور یونان هر دو بر این عقیده هستند که ارمنی‌ها فقط در بخش غربی آنچه که جلگه یا فلات ارمنستان گفته میشود ساکن بوده‌اند. و اما بادر نظر گرفتن تحقیقاتی که دربارهٔ آذربایجانها بعمل آمده ثابت گردیده که این قوم در طول تاریخ بویژه در قرون وسطی از ترکیب و اختلاط بومیان با گروهها و اقوام ترک‌زبانی که از لحاظ زبانی با اهالی بومی قرابت داشته و از لحاظ تعداد نسبت به بومیان بسیار اندک بوجود آمده‌اند. بدین ترتیب آذربایجانهای اصلی قبل از آمدن اقوام خویشاوند ترک زبان در آذربایجان ساکن بوده و از اختلاط آنان با خویشاوندان مهاجر مردم و زبان امروزی تشکیل یافته است.

"جای هیچگونه شک و شبهه‌ای نیست که اهالی کنونی ارمنی زبان قره‌باغ کوهستانی (غیر از آنها تیکه در قرن ۱۹ به این محل کوچ داده شده‌اند) اخلاف اهالی بومی ارمنی شده یعنی طوایف مختلف آلبان، اوتی‌ها و تسوها میباشند" این حقیقت را موسی خورنی مؤلف و مورخ بزرگ ارمنی نیز تایید کرده است. وئلیچکوف مورخ معروف در این باره می نویسد: "ساکنین قره‌باغ که به اشتباه ارمنی نامیده شده‌اند به دین ارمنی - گریگوریان اعتقاد داشته... و تنها سه - چهار قرن قبل

ارمنی شده‌اند، مستثنی می‌باشد. "مؤلف دیگر ارمنی نیز در این مورد مینویسد: "بخشی از آرامنه ساکن قره‌باغ کوهستانی بومی بوده و از نسل آلبان‌های قدیم می‌باشند... بخشی دیگر را فراریانی تشکیل می‌دهند که از ترکیه و ایران آمده و در آنجا ساکن گردیده‌اند، برای آنان خاک آذربایجان در مقابل تهدید و تعقیب، مأمن بوده است".

در کتاب به نوشته آراکل تبریزی مؤلف قرن هفتم استناد میشود. او قره‌باغ را "سرزمین آقوان‌ها (آلبان‌ها) نامیده است و این خود میرساند آنها تیکه به اسم آرامنه قره‌باغ نامیده شده‌اند و خود آذربهای آن منطقه (از نسل و اعقاب آلبان بوده) و برادرانی هستند که از یک مادر زاده شده‌اند". در کتاب قره‌باغ در چشم‌انداز تاریخ" بطور مبسوط تشریح میگردد که از آغاز اواسط قرن هیجدهم، اوایل قرن نوزدهم، آذربهای قره‌باغ با اهالی ارمنی (به عبارت صحیح تر آلبانیهای دیروزی و اولیه) ساکن در قره‌باغ در شرایط امنیست کامل زندگی میکردند. و به اتفاق آنها علیه مداخله‌گران و بیگانگان قدرتمند قره‌باغ را بوجود آورده بودند و در همین زمان اهالی آذربایجانی اصلی در قره‌باغ بدون شبهه بیشتر از به اصطلاح آرامنه بوده است. "بر اساس اطلاعات رسمی سال ۱۸۱۰ میلادی (در ولایست قره‌باغ) دوازده هزار خانوار زندگی میکردند که در داخل آنها فقط ۲۵۰۰ خانوار ارمنی وجود داشته است. یعنی تقریباً $\frac{1}{5}$ اهالی ارمنی بودند..."

در کتاب درباره این موضوع چون در حال حاضر تعداد ارمنی‌ها در قره‌باغ کوهستانی خیلی بیش از آذربایجانیهاست پس قره‌باغ متعلق به آرامنه میباشد و پاسخ داده میشود و ثابت میگردد که "اسناد رسمی و تاریخی مربوط به آن دوره ثابت میکند که افزایش تعداد نفوس آرامنه در این منطقه بعدها اتفاق افتاد و "قره‌باغ، به کشور روسیه نه بعنوان یک سرزمین ارمنی بلکه بعنوان یک کشور "مسلمان" خالص پیوست".

در دوره حکومت مساوات و تشکیل دولت جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۲۰-۱۹۱۸ قره‌باغ کلاً در ترکیب آذربایجان بوده است. آ. ای. میکویان یکی از رهبران برجسته آرامنه و رئیس جمهور پیشین اتحاد

جما هیر شوروی در گزارشی که روز ۲۲ ماه مه سال ۱۹۱۹ به لنین می‌فرستد مینویسد: "داشناکهای جاسوس حکومت ارامنه سعی میکنند که قره‌باغ را به ارمنستان محلیق سازند، لیکن این به آن معنی است که اهالی قره‌باغ را از منابع حیاتی خود در باکو محروم کرده و سرنوشت آنان را با ایروان که هیچگونه وابستگی به آنجا در هیچ مقطعی از زمان نداشتند پیوند داده باشند، دهقانان ارمنی در پنجمین کنگره تصمیم به شناسائی آذربایجان و الحاق به آن را اتخاذ نموده‌اند" در این میان اظهارات و لجن‌پراکنی‌های بعضی از خادمین ارامنه که "قره‌باغ علیا" (کوهستانی) با "اراده و تصمیم استالین" در سال ۱۹۲۳ به آذربایجان پیوست به کلی دروغ و عاری از هرگونه حقیقت است، زیرا همانطوریکه در بالا نشان داده شد این مسئله در سال ۱۹۲۱ که در آن زمان استالین تنها عضو حزب بوده نمی‌توانست تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر روند حوادث داشته باشد.

در سالهای حاکمیت شوروی مانند گذشته تاریخی اهالی قره‌باغ با صلح و آرامش در خانواده برادری ملت آذربایجان بسر میبردند و همیشه سرنوشت مشترکی داشتند. با در نظر گرفتن مفاد کتاب که به اسناد معتبر و حقایق غیرقابل انکار تاریخی تکیه میکند، این منطقه "قره‌باغ کوهستانی" از اراضی قدیمی آذربایجان میباشد و اصولاً "پیدایش مناقشه قره‌باغ از طرف گروههای ملی‌گرای افراطی است که خنواب "ارمنستان بزرگ" را می‌بینند. ایده ارمنستان بزرگ "در قفقاز به عنوان یک ملت در قرن گذشته نه تنها توسط خود ارامنه بلکه اشخاصی در کشورهای خارجی نیز که توسط ارمنی‌ها فریب خورده بودند تبلیغ می‌گشت، یکی از آنها نوشته بود "... در قفقاز، آینده از آن ارمنی‌ها است و برای همسایگان آنها (یعنی گرجیها و آذربایجانیه‌ها) راهی جز ارمنی شدن باقی نمی‌ماند". فکر توسعه‌طلبی ارامنه و ادعای ارضی آنها نه تنها مربوط به جمهوری آذربایجان و گرجستان میباشد، بلکه در مورد آذربایجان ایران و ترکیه نیز بوده است. در نقشه ارمنستان بزرگ که از دیوار ارامنه داشناک آویزان است، کلیه نواحی شرقی ترکیه (از مرزهای عراق گرفته تا دریای سیاه) و کلیه اراضی آذربایجان غربی تا ارونق و انزاب و بخش‌هایی از اهر، آرسباران را نیز احاطه نموده است."

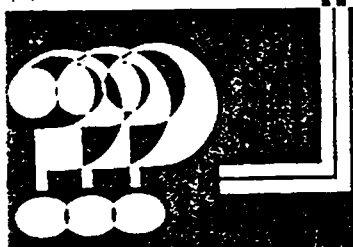
در کتاب نشان داده میشود که تحریک افکار مردم ساده، مداخله مسلحانه چه فاجعه دهشتناکی در طول تاریخ بوجود آورده و اکنون نیز صدها هزار نفر از مردم بیگناه اعم از زن و مرد و پیرو جوان به ناحق کشته شده و یا آواره و سرگردان گردیده اند. باید پذیرفت جنگ بزرگترین مصیبتی است که بشر میتواند تصور کند کشت و کشتار، قتل و غارت به زیان هر دو ملت آذربایجان و ارمنی تمام میشود و این خود بدیهی است که در شرایط فعلی جهان هیچگونه تغییری در مرزهای شناخته شده کشورها از طرف هیچیک از کشورهای جهان مورد تأیید نمیباشد.

کتاب بسیار ساده و سلیس و روان نوشته شده، کوشش و زحمت آقای عبدالاحد بهراد در تنظیم و ترجمه و تالیف این کتاب برای شناساندن حقایق تاریخی مناقشه قره باغ قابل قدر دانی است. ما مطالعه این کتاب را به تمام خوانندگان خود مخصوصاً به کسانی که به سرنوشت مردم مسلمان و ستمدیده برادران آذربایجانی ما علاقه دارند، توصیه میکنیم.

فرهنگ نامهای آذربایجانی

آذربایجان

بازتاب



- کتابین آدی: فرهنگ نامهای آذربایجانی
آذربایجانجا آدلار سؤزلوگو

مؤلیف: عبدالاحد بهراد

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قطع: رقعی

ناشر: انتشارات ارک تبریز

صحیفه: ۱۳۲

قیمتی:

نشر تاریخی: ۱۳۷۰

یوخاریدا آدینی چکدیگیم کتاب ۱۳۷۰- جی ایلده نشر اولماغینا باخما یاراق بو تزه لیکده مجموعه میزه بیئتیشیب، کتابین باشلانغیجی- ندا، مؤلف فارس دیلمینده، آذربایجان تورکجه سی باره سینده بئله یازیر بو دیلده ایران دان علاوه ۷ میلیون دان آرتیق آذربایجان جمهور- یسیندا و میلیونلار ایله انسان، عراقدا، تورکیه ده، سوریه ده و باشقا اولکه لرده دانیشیرلار و عصرلردن بری، بو خلقلر، اؤز اینجه حلرینی

اینا ملارینی، آرزو و ایسته کلرینی بو دیلده افاده ائدیب و بو دیلده ایلده مینلرجه، علمی، فلسفی، سیاسی و ادبی کتابلار و مجموعه لر یاییلیر... بو سۆزلوگده تخمیناً ۲۲۰۰ چیلخا آذربایجان تورکجه سینده کلمه لر قید اولونوب و اونلارین مقابلینده فارسجا معنالاری آیدینلا شدیریلیب دیر.

مقاله لردن سونرا آنادیلیمیزده اولان سسلی و سس سیز حرف لریسن (مصوت لر و صامت لر) اوخونما سینی عرب، کیریل و لاتین الیفبا سیله ترتیب ائتدیگی اوج جدول ده گؤستریلیب و سونرا لغت لر الیفبا سیرا سیله (آ) دان باشلانیر " ی " ده قورتاریر.

کتاب دئمک اولار تورکجه فارسجا قیسا بیر سۆزلوک دور و یاخشی اولاردی بو کتابا آذربایجانجا آدلار سۆزلوگو آدی وئریلمه ییدی، بو سۆزلوک اؤز یئرینده فایدالانمالی و مؤلفین چکدیگی زحمت دقتسه لایق دیر.

تبریک مکتوبلاری

دانشمند محترم جناب آقای دکتر جواد هیئت
مدیر مجله وزین وارلیق

خبر اعطای بالاترین جایزه علمی و ادبی دده قورقود از سوی
مردم آذربایجان به آنجناب موجب مسرت خاطر نویسندهگان تـسـرک
زبان و دوستان و ارادتمندان آن جناب گردید.
سلامت و سعادت آن استاد محترم و سربلندی و نصرت مردم شریف
آذربایجان را از خداوند متعال خواهانم.

ارادتمند: علی کمالی

عالم فرزانه جناب دکتر جواد هیئت

اعطای بزرگترین جایزه علمی - ادبی آذربایجان به آن استاد
گرانمایه تقدیر کوچکی از خدمات بزرگ شما به فرهنگ آذربایجان
و نشانی از پیوند عمیق دینی - ملی و عاطفی میان دولت شریف
مسلمان ایران و آذربایجان بوده و مایه مباهات اهل قلم
میباشد. توفیق روز افزون جناب عالی و اعتلای پرچم اسلام و سربلندی
مردم مسلمان آذربایجان را از خدای قادر و قهار خواستاریم.

ارادتمند: اسماعیل هادی

جناب آقای دکتر جواد هیئت

سلام علیکم،

احتراماً ضمن ابلاغ بهترین تحیات و صمیمانه‌ترین تبریکات
بمناسبت فرارسیدن نوروز باستانی - اهداء بزرگترین جایزه
فرهنگستان علوم جمهوری آذربایجان به آنجناب موجب مباهات
جامعه ایرانی و دوستانتان گردید.
توفیق و درخشندگی حضرتعالی در معرفی و ترویج فرهنگ غنی
ایرانی و اسلامی را مسئلت دارم.

عبدالحمید رحمانی خلیلی

جناب آقای دکتر جواد هیئت

استاد ارجمند، جراح عالیقدر، زبان شناس بزرگ اعطای بالاترین
نشان ادبی را به آن سرور شایسته تبریک عرض و ادامه خدمت و
موفقیت آن دانشمند بزرگوار را آرزو مندم.

تبریز - دکتر مجید فرهوش



فضولى ھىدرايى
اصولان مھىدزادە

فضولى نىن ۵۰۰ ايللىكى

آذربايجان غزشتىنن (۱۷/مارس / ۱۹۹۴) وئردىكى خېرە گۆرە آذر -
بايجان رسپوبلىكا سىنن جمھور رھىسى ھىدرەلىف بۇيوك شاعىر ىمىز
محمد فضولى نىن آنادان اولما سىنن ۵۰۰ ايللىكىنى طنطنەلى شكىلدە
كئچىرمك اوچون مھم بىر فرمان وئرمىشىر .
بو خېرە گۆرە ھىدرەلىف محمد فضولى نىن ۵۰۰ ايللىك يوبلىتىنىن
اساسلى حاضىرلانما سى و دۇلت سويە سىندە كئچىرىلمە سىنە فرمىبان
وئرمىشىر و بونا گۆرە دە بىر دۇلت كىمىسيونو يارا دىلما غى لازىم
گۇرموش و كىمىسيونون عضولرىنى تەيىن ائتمىشىر .
بو كىمىسيونون صدرى ھىدرەلىف اۇزو اولدوغو حالدا اوچ نغرى دە
معاون سئچمىشىر .

○ علی ای همای رحمت

شعرین اصلی اوستاد شهریاردان دیر و
فارسجادان تورکجهیه منظوم ترجمه‌سی
پروفور مبارز محمدعلیزاده دن دیر.

علی ای سمای رحمت علم ائیله‌یین خدانی
او هما کی، سایه‌سینده ائدهر حفظ ماسوانی
کؤنول ایسته‌سن خدانی بیله‌سن علینی یاد ائت
تانیدیم علینی واللہ تانیدیم او دم خدانی
ایکی دونپادا فنادان بیر اثر بئله تاپیلماز
اگر اؤز الینه آلسا علی چشمه بقانی
سو جیله دویونجا رحمت بؤلودو کی، بو جهنم
غضب آتشینده یوخسا کؤله دؤنده ره‌ر جهانی
گئدیبا ی یازیق دیلنچی قاپیسینی دؤی علی‌نین
کی، اؤزوک وئریب شاه ائیلهر کرمیله هر گدانی
علی‌دن سوای کیمدن ائله بیر اوغول دوغولموش
کی، تانیتدیرا جهاندا شهدای کربلانی
ائده عهد، دوستا قوربان وئره وار- یوخونو دوستلار
فقط هانسی دوست علی تک ائدهر عهدینه وفانی
دئیله بیلمه‌رم خدادیر بشر آد وئره‌م خطادیر
جاغیرام نه آدلا بیلمه‌م شه ملک‌لافتانی
قان آخیر ایکی گؤزوندن تله‌س ای نسیم رحمت
اونون آستانه‌سیندن آل گل منه خاک توتیانی
او اومیدیلله آیاغین توزونو زیارت ائتسین
قاپینا اوره‌ک سؤزومله یولا سالمیشام صبانی
سن علی قضا سووانسان بیزی دئنه بی‌نوا بیق
اوزاق ائیله جانیمیزدان کرمیله هر قضانی
اونون عشقی ایله نئی تک نئجه من گلیم فغانه
کی لسان غیب خوشدور ائده بیر دا بو توانی

گئجە صبحە دك. اوميدديم بونادير سحر نسيمي
 وئره آشنا پيامى ائده شاد آشانى
 قولاق آس گئجە او "ياحق" قوشونا كى شهربارا
 بيله سن نه خوشدور آچماق گئجە دوستا ماجرانى

آختاريرام

گئديرم داغلارا قار آختاريرام
 بىر سوسوز باخادا بار آختاريرام
 عۇمرومون دۇر خزانين سوروره
 بئله بىر حالدا باھار آختاريرام
 كىرييبال ، تۇ دئش گۇيدە دۇنور
 ھلە من قىرمىزى نار آختاريرام
 دالغالار بىر - بىرين اوستوندەن آشير
 من دنيزلردە قرار آختاريرام
 كونلومون نالەلرين سۇيله مگە
 بىر عاشىق، بىر دانا تار آختاريرام
 حسرتم بىر دە گۇرەم گول ياناغين
 گۇزلىرى مست و خمار آختاريرام
 اۇت ، علف يوخ دلى جيراندا كۇچوب
 بىر قورو چۇلدە شكار آختاريرام
 وطنيمدە وطن آوارەسىم
 قالميشام تەك بئله يار آختاريرام
 دئمە بىسنايە آغارىبدى ساچين
 آي بالا مندە وقار آختاريرام

دكتور جىمچاوش اكبرى "بىسنا" نى ئىبىرىزى

يېنى ايل

يېنى ايل ، يېنى گون اوغورلو اولسون
كۈنلۈنۈز چاناغى سئوينجلىنە دولسون
يوردموز گۇيوندە شېمشك تك شاخاق
ھاردا وار ظولمكار ياندىراق ، ياخاق
ياراراق ظولماتى آغ كۈنە چىخاق
قارانلىق سئوھننن ائوينى يىخاق
گونش تك ايتيرەك شاختانى ، قارى
ائليميز باغىرىنا باسسىن باھارى

يېنى ايل
گۈنلۈنۈز

ابوالفضل روزى طلب (شاهين)

○ ياواش - ياواش

دان سۇكولور ، گىتجە كۇچور ، ايشىقلانير ياواش - ياواش
اۇز گوجۈنە - قوۋەسىنە خالق اينانير ياواش - ياواش
گۈزلربىننن ياشىنى سىل ، اۆزۈمە باخ آنا وطن
سندن ائوترو قان آغلايان گۇزۈمە باخ آنا وطن
اۇزون كىمى مندە دە بىر دۇزۈمە باخ آنا وطن
درد اۇنوندە اگىلمەين دىزىمە باخ آنا وطن
دونيا سننن قىدرتىنى ايندى تانير ياواش - ياواش
منم دىنن دوشمانلارنن اۇددا يانير ياواش - ياواش
سن آغلاما آنا وطن ، سن آغلاسان من آغلارام
دشمە گىتتى كىلبجەرىم ، شوشام اليمىدن آغلارام
آنا وطن سىل گۇزۈنۈ ، مرد اوغلونا ، قىزىنا باخ
آغلاماغىن اولار سننن ، درد اوغلونا ، قىزىنا باخ
باشىن اوستە ايشىق ساچان او ظفر اولدوزونا باخ
تارىخ سننن تۆپۈرەجك قودوز دوشمان اۆزۈنە باخ
بخت اولدوزون سننن سۇنور منىم يانير ياواش - ياواش
ياتان بختىم ھوشا گىلب باخ - اويانير ياواش - ياواش

يالقيز بايقوش

داغلارين قوينوندا بير يالقيز بايقوش
گۆزله بيبير قارانلىق سونسوز گئجهنى
بوينو قورويوبدور آياغى تيتيرير
دويدوروب ياشايش اونا ، گئجهنى
بورولوب گۆزلىرى كيرييك جالما قدان
آختارير گۆز ايله اونو سچهنى
او سئومير تكله يگى، تگجه آدى پيس
اونداندير ايتيريب بيلمير نچهنى
ياشايبير اؤزونه تكله ياشاسادا
تانيمير قوزقونو- قارتال ، بئجهنى
آدين جكدىكلريم غنيمي- اولوب
گؤتوروب قاپييلار ائوى، گئجهنى
قوشلارين بگى ايدبم بايقوش دگيلدبم
هله ليك دئيبيرلر قانمير نچهنى

سئوگيليم

وورما او قارا تئللره هئى شانه سئوگيليم
آخرسن ائيله سن منى ديوانه سئوگيليم
قويما او گۆزلره باخا بير آيرى گۆز گۆزوم
قورخوم بودور كى گۆز وورا بيگانه سئوگيليم
گر يوخ محبتين بس او اوغرون باخيش نهدير؟
بسدير داها تكبرى قوى يانه سئوگيليم
پروانه اولموشام گۆزه ليم شمع حسنوه
يانديرما ساخلا حؤرمت پروانه سئوگيليم
هجرى سئور بير عده ولى منده تاب يوخ
رحم ائت اماندى سالما شرر جانه سئوگيليم
جانا مريض عشقيه غمزهن علاج ائدر
وار " اقبال " ين نيازى او درمانه سئوگيليم

تنظیم اشدن: ع. ح. ا. ردبیلی

| | | | | | | | | | | | | | | |
|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|----|
| ۱۵ | ۱۴ | ۱۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ |
| ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ | ۱ |
| ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ | ۲ |
| ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ | ۳ |
| ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ | ۴ |
| ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ | ۵ |
| ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ | ۶ |
| ۷ | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ | ۷ |
| ۸ | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ | ۸ |
| ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ | ۹ |
| ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ |
| ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ | ۱۱ |
| ۱۲ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۲ | ۱۲ |
| ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ | ۱۳ |
| ۱۴ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۴ | ۱۴ |
| ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ | ۱۵ |

ساغدان سولا:

- ۱- بایرامدا وئریلیر، آلانی سئویندیریر ۲- "سزه سلام گتیرمبشم"
- ماهنی سنین اردبیلی شاعیری - بیز انگلیس دیلینده ۳- تای، نظیر
- معناسیندا ایشله نیب - سلاح ۴- قابیغی دا یئبیلیر بو قوهونسا
- بنزه رین - وضعیت، اوضاع - احوال ۵- سئوینج گتیرن گئجه لردن.
- ۶- عددلرین سیراسینا مربوط دیر - اونون بوک ماشینی داها معروف
- دیر ۷- سون حرفینی ک ابله ده بیشمه، بوخسا اوزده یارایسا
- جئوریلر - برعکس - بوتوو دئلمیش باشی دا سینیب بو کرپیجین .
- ۸- "یاشیل" استانبول لهجه سینده - نامازدان قاباق گره ک دیر .
- ۹- لاتین الیفبا سنین سون بئشیگی - فارسین حایی ۱۰- منسوبیت
- آلیی اوله نین نویروغونو کسر میشلر ۹- لاتین الیفبا سنین سون بئشیگی
- فارسین حایی ۱۰- منسوبیت علامتی - انگلیسجه نئجه - اصلینده قهرمان
- معناسیندا دیر ۱۱- طبقه، لای - اثرکک ۱۲- اوچارلاردا آز یاشابسان

اینجه قانادا - قیزیل ارسلانین منسوب اولدوغو سلسله ۱۳- ناموسون
 جمعیه خلق آراسیندا بؤیوک جتینلیکلر توره دیر اونون گرگینلیگی ،
 ۱۴- "هرنه" ده ده وار ، "هریئر" ده ده - دولو بیله اولسا
 قره قانجیل ائله بیر ۱۵- توز تۆکرسن گوله دؤنر ایلین سون چرشنبه-
 سینده .

یوخاریدان آشاغییا :

- ۱- غفلت ۲- "پاگشایی" آنادیلیمیزده فارس بیئشینده آز قالیشیر-
 یئرینی جایا وئرسه ده آدی قالیر هله جای وئرین بیئرلیمیزده .
- ۳- برکتلی - یئرینی جایا وئرسه ده آدی قالیر هله جای - وئرین
 بیئرلیمیزده .
- ۴- ایش بیلن حیخارلی- کویر قیراغی شهرلردن ۵- دیلیمیز
 ده حیلده ، کلک معنا سیندا گلیب - تکمچینین الینده سئوینج گتیرردی
 بایرام قاباغی ۶- آت اوسته گۆر- ایندی آز قویولور بو قادین آدی
 ۷- بهشتینین روضه سی معروف دور- عربده تقصیر ، فارسدا گناه بیزده
 ده بو ورا بئیش قدیمدن ۸- بیله سی ده اضا فهدیر- دیش بیله اولسا
 چکیلمه سی یوبانار ۹- یارپاغین اوزونده مرواری - الیفب
 ایلکینین ائکیزی ۱۰- هامینی او ووردی منیم کیمین توکی سوورولان
 اولمادی - جوخ اونودان ۱۱- حوانین اری - آتماق فعلینین گئجمیش
 زاماندا ، اوجونجو شخص تکی ایله صرفی ۱۲- یاراشیقلی گؤزلر ،
 یابین بیله سینده بنزه دیلب - بغداد دان سونرا اودور عراقدا .
 مرهم ده گره کدی ، محبت ده اونلارا - موتورسوز ، اکلنجه طباره سی نین
 قویروق سوزو ۱۴- "سازمان" و هابئله قالینلاشمیش هیس معنا سیندا دیر .
 اونونلا جا غیریلیربق ۱۵- گؤیرتینی ده اوندان آتیربق .

| | | | | | | | | | | | | |
|----|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱ | ک | ا | ت | خ | ل | ع | ا | س | ا | ه | ا | ش |
| ۲ | ا | م | د | ا | ق | و | ن | ا | و | ا | ا | ا |
| ۳ | ا | د | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا |
| ۴ | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا |
| ۵ | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا |
| ۶ | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا |
| ۷ | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا |
| ۸ | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا |
| ۹ | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا |
| ۱۰ | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا |
| ۱۱ | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا |
| ۱۲ | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا |
| ۱۳ | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا |
| ۱۴ | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا |
| ۱۵ | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا | ا |

کجهن جداولین جا وایی:

○ آذربایجاندا دیر

ای مسلمانلار بو گون بحران آذربایجاندا دیر
جبهه لر آل قانیله الوان آذربایجاندا دیر
قان ایچن داشناکلار اؤز ظولمونده طفیان ائیله ییب
کفر الیلن قووزانان طوفان آذربایجاندا دیر
اشرمنی روسلار اولوبال بیر مسلمان خلقینی
ائیله ییب اؤز قانینا غلطان آذربایجاندا دیر
کلبه جر مظلومیت لن کئجدی دوشمان جنگینه
اون مئتیرده قویلانان قوربان آذربایجاندا دیر
اشرمنی دئیدی (۱) قاراباغ مولکونون دعواسی دیر
گنجه ده اوردو جکیب عدوان آذربایجاندا دیر
ای مسلمانلار فضولی سسله نیر هل مین معین
اٹمه سه ز یاردیم بیلین لینان آذربایجاندا دیر
فرستی گؤرسه مناسب او آرازدان ده کئچهر
تبریزه سؤیلر، بیزیم اوستان آذربایجاندا دیر
قورخما یین ای آذر ائولادی حسین (ع) تک جنگ ائدین
اجنبیه اویمایین قرآن آذربایجاندا دیر
قالدیرین دین بایراغین غیرت قانییز جوش ائیله سین
بئیله اقدام ائیله سه ز ایمان آذربایجاندا دیر
بوندان آرتیق باخما یین دای هر بزه کلی سؤزلره
دین سلاخیلن وورون شیطان آذربایجاندا دیر
قویمایین اوردوسونو محکم لده بو بیرتیجی
قان ایچن ائولر بیخان دوشمان آذربایجاندا دیر
بو ایگیدلر یوردو دور بیلسین بونو جمله جهان
ظولمه قارشی ، ادلی ستارخان آذربایجاندا دیر
بیز مسلمانیق بیزه یوخ تورک ، عرب ، فارس و عجم
بوسنی تک قیرقیندی واللہ قان آذربایجاندا دیر .

● جانيم قارا باغ.

باغ گۆزلىرىمدىن آخان ، قان ياشىما
غمىدىن ، كىردىن چاتىلمىش قاشىما
گۆر فلەكلەر گىتىرمىش باشىما
اينان ايچەرىمدە ، يانار كۆزۈم وار
بو دونىادا ، نەلەر چىكىدىم ، نەلەر من
گىنج ايكن آغاردى ساچلاريم دىن ، دىن
باش آراما دىم نىسكىلدىن ، حسرت دىن
طالغىمدە بىر غم نە دىر ، يۆزۈم وار
گونۈم آجى اولدۇ ، گىجەم دە قارا
بوغازىمدا خىنوۋ ، اورەك دە يارا
باغ دردىلىرىم قالاننىب ھاردان ھارا
اورەك دە سايسىز دىلەيىم ، آرزۇم وار
دۇيون ھارا يىمى ، دۇيون سىمى
كۆكسۈمدىن آخان اولدۇ نىسىمى
سېندىرىپ ، بىخىن دار قىسىمى
وطنداشلار سىزدىن سىزە سۆزۈم وار
من بىر اوشاق ايدىم نازىندە
آتام ، آنام ، باجىم ، قارداشىم ، مىندە
ياشايدىرىق آيىن شايىن وطندە
اۋتوب كىچىن گونلىرىمدە گۆزۈم وار
اۋزۇم خوجالى ، ما حالىم قارا باغ
قىزىل تورپا غىندا آچمىشام آياغ
ھەر داغى ، ھەر داشى منە بىر داياق
ازل گوندىن وطنىمدە ايزىم وار

يا بانجى منىم يوردوما قيسقاندى
 هوويتىمى، تارىخىمى داندى
 اوزونو يىترلى، منى يىترسىز ساندى
 بانلادى كى هاردان هارا مرزىم وار
 سيلاخلاندى قودوز، يىنگە دن چاردان
 ھىچ بىلمەدەيم هاردان سوخولدو هاردان
 تالايىب چاپدى، آپاردى يوخدان واردان
 دىدى يىئىنگە چار كىمى قودوزوم وار
 دىدى يوگوروب خوجاليدان آتشىن
 رحم سىزجە كسىن، كۆرپەلر باشىن
 آخىدىن آنالار يىن گۆز ياشىن
 قورخمايىن كى، يىنگە دن جاوازىم وار
 ھىچ اولارمى؟ مېنلر باشى اۆزەلر
 قانى آخمىش كۆكسولردە دۆزەلر
 مرد اوغوللار اونا باخىب دۆزەلر
 بىر ايگىد دە نە قدرسە دۆزوم وار
 قاينادى اصلانلار يىن غىرت قانى
 قوجاقلار سالدى مئىدان تا دومانى
 آلدى يا بانجى دوشماندان آمانى
 دىدەيم منىم، كوراوغلوم ايوازىم وار
 قارا باغ، خوجالى، شىرىن چانيمدىر
 دامارلار يىمدا آخان، آل قانيمدىر
 شرفىم، روحوم، دىنىم ايما نيمدىر
 اوردا قىشىم، يايىم، يازىم، گۆزوم وار
 يا بانجى نىن كسىم الين، آياغىن
 سۇندوردوم، روس آلىشدىران اوچاغىن
 هارا يىلادىم يىنگە كىمى داياغىن
 دىدەيم بوردا منىم ايزىم توزوم وار
 ائل منىم دىر، وطن منىم، دىل منىم
 يا بانجى قوجا قىچماز وطنىم
 بونو آنسىن بىر دوشونسون دوشمنىم

دایا غیمادا خوی اورمو، تبریزیم وار
زاماندا ن قوجا دیر شانیم شهرتیم
تاریخده یازیلیب شرفیم، عزتیم
عالمده آدلیمدیر سؤزوم، صحبتیم
ساغ الده توفنگ سولدا قویوزوم وار

اتحاف اولونور بوتون قارا باغ، کلبه جر، خوجالی و باشقا بیئرلیرده،
دؤیوشن شها متلی ایگیدلر و اصلانلارا و هامی آذربایجاندا یاشایان
اثللریمه .

□ آنکارا داتا ایران کولتور- صنعت، خبر بولتنی »

آنکارا داتا ایران اسلام جمهوریتی بؤیوک اثلچیلیگی کولتور مستشار-
لیفی (رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، آنکارا) آلتی آیدان
بری هر آیدا بیرسایبی اولماق اوزره فرهنگی، خبری بیر بولتن نشر
ااٹمگه باشلامیشدیر. بولتن استانبول تورکجه سیله ولاتین ایفبا سیله
نشر اولونور و صحیفه لرینده ایرانا عاید مهم خبرلرله برابر ایران
حقینده هر طرفلی بییغجام معلومات و ثریلمکده دیر. بولتنین آدی "ایران
کولتور- صنعت، خبر بولتنی" دیر. جلدی اوستاد شهریارین و ایران و
تورکیه نین دینی - ادبی آبیده لری شکیللریله بزنمیشدیر.

بولتنین سون گونلرده آلدیغیم آلتی ساییسینی بیر باغیشدا
گؤزدن کئچیردیم. ایران حقینده جوخ فایدالی معلومات و اطلاعات
و ثریلمیشدیر. بئله بیر بولتنین. یئری ایلردن بری بوئدو. یاز-
یلاردا بعضی کیچیک یئتسزلیکلره باخما یاراق بولتن دولفون یهتوالی
دیر. بولتن آقای زکریا طرزی، رایزن فرهنگی کیمی آنکارا یا گئدیپ
ایشه باشلایان سونرا، چیخماغا باشلامیشدیر. بولتن ده کی یازیلاری
اوخورکن تورکیه ایله ۵۰ ایلدن بری شاهی اولدوغوم گئچمیشده کی
مناسبتلریمیز و فرهنگی چالیشمالاریمیز گؤزومون اؤنونده جانلاندى
ایستر- ایسته مز بو سوال ذهنیمه گلدی. بس نییه ایندییه کیمی بئله
بولتن - درگیلریمیز چیخما میشدیر؟ بس آقای طرزی دن قابا قکسی
مستشاره رایزنلریمیز نه دن بئله فایدالی ایشری اونوموشلار؟ بپردن
شاه زامانیندا کی سفارت و فرهنگی مستشارلاریمیز یادیما دوشببدو.

اونلار تورکجه بولتن - درگی چيخارما غا هئج واخت تنزل ائتمير
ديلر ا اونلاردا ان بعضي لري معرفت لريني بيان ائدرکن بئله دئيرديلر:
اوچ - دؤرد ايلدير تورکيه ده چاليشيرام آما بير کلمه ده تورکي
اؤگرنمه ميشم! تورکي ده اؤگرنيله چک ديل مي؟! ونون يئرینه انگليزجه
اؤگرنه نرم!

البتة شاه زامانيندا کي وضعيت بئله اولدوغو اوچون او دؤره ده بئله
بير بولتن ين چيخما غيني گؤزله مک اولما زدي. اما اسلام انقلابيندان
سونرا کي دؤره ده دا حى بئله بولتن لز حيات اؤزو گؤرمه ميشديلر.
اؤگرنديگيمه گؤره بوندان ۴- ۳ ايل قاباق عيني وظيفه ده ايشله-
ينلردن بيرى تهرانا گؤندرمک اوچون يازديغى (يازديردىغى) رساله
کتاب حجمينده کي گزارشينده طاغوتى بير ادا و گوروشله استساد
شهر يارى بان تورکيست، خائن کيمي گؤسترميشدى و ايرانى تورکلره
تانيتماق عوضينه اؤز وطنداشلارينا تهمت وورماقلا آد- سان
قازانماق ايسته ميشدى! ايندى ايسه همان رايونليک ايرانى تورکيه
ده ياخشى تانيتماق اوچون استانبول تورکجه سيله بولتن چيخاردير و
بولتن ين هامى سا بييلارينين جلدينه رحمتليک اوستاد شهر يارى-
عكسينى قويور! بلکه ده آقاي طرزمى ناخلف سلفى نين گونا هينى يوماق
ايسته بير، نه اولورسا، اولسون آقاي طرزمى مسلمان بير ايرانلى و
فرهنگى بير شخصيت اولدوغو اوچون، آنکارادا داها خيرلى- فايده لى
فرهنگى ايشلرينى داوام ائتديرير و ايرانى تورکلره تانيتماقلا
ايکى مسلمان و قارداش ملتى بير بيرينه ياخينلاشديرماق و دوست
قيلماق مقصدى ايله مهم بير ايشه باشلاميشدير، اولو تانرى دان اونا
و همکارلارينا باشارى و اوغور ديله ييرم
گله چک سا بييلاريميزدا بو بولتن دن پارچا لار گتيرمگه چاليشا چاغيق.

ج. هيئت

○ بيزوطن اوچون دوغولدوق

وطنين آرخاسيندا
بيز هر زامان داغ اولدوق
وطن بيزيم اوچون دگيل
بيز وطن اوچون دوغولدوق
توخونما سين بو يوردا
بیر آن دوشمن نفسی
کلسين مناره لردن
الله اکبر سسی
باشيميزين اوستونده
محمد امين بايراغي;
گولله قورخار ايگيددن
گولله توتار قورخاغي

وطن آدلی اوجاغا
هر گون ايسينمک شرف
بو تورپا غین يولوندا
تورپاغا چؤنمک شرف
هم اولاد دیر بيزيم اوچون
هم آنا دیر بو تورپاق
وطن اولر، وطن اوچون
اؤلمهگی باشارماساق .

باکی - نيسان ۱۹۹۲

م. م. ناظر شرفخانه

وئرگی، بؤلگو

هئج بيلميرم نندن ؟ اوشاق جاغيمدان
بؤلگو آدين ائشيتجگين آغلاردیم
بابام بيزه پای بولنده هر زامان
قهرله نيب ايچين - ايچين آغلاردیم
نئجه حيات بؤلگو دئيبيل وئرگی دیر
گئنیش ليکله گئنیش لهنر چای کیمی
گونش کیمی هامی نین دیر بیرليکده
اونو هئج کیم بوله بيلمز پای کیمی

○ اورمیه دانشگاهیندا تورک دیلی کورسوسو آچیلیمیشدیر

اورمیه دانشگاهیندا آنا دیلیمیزده ایکی واحد آزاد کورسونون — آچیلما سی خبرینی ائشیتدیکده بو کلاسلا رین مسئولو و اوستادی آقای جمال آیریمی ایله تلفونلا دانیشیب و بو باره ده بیزیم اوخوجولارا داها آرتیق ایضا حات وثرمه سینی ایسته دیک ، او دئدی : بو کلاسلا رین تملی کئچن ایل قویولموش و بیر ترم ده تشکیل تا پمیش و سونرا بعضی معین سببلر اوزوندن تعطیل اولموشدو ، بو ایل ده (۷۲-۷۳ تحصیلیه ایلده) دیلیمیز و ادبیا تیمیزا اوره کدن با غلی اولان دوستلا ریمیزین خصوصیه همین دانشگاهین ادبیا ت دانشکده سینی رئیس آقای طلعی نین یورولما ز فعالیتی ایله یئنی دن قورولدو ، حال حاضریدا بو کلاسلا رین ۱۰۰-۶۰ قده ر اؤیرنجیسی وار و بو سایی گون — گوندن آرتما قدا دیر ، بونو دا دئمک لازیمدیرکی بو اؤیره نجیلر تکجه ادبیا ت دانشکده سینی دگیل بلکه دانشگاهین بوتون ساحه لرینده تحصیل ائدن اؤیره نجیلر دیر ، آقای آیریمی " بو کلاسدا هانسی موضوعلا ر تدریس اولونور و بونلا رین تدریسینده هانسی قاینا قلاردا ن فایدا لانیلیر " سئوالینی جا وابیندا دئدی: بیز بیرینجی نوبه ده آنا دیلیمیزین رسم الخطی و با زی قایدا لارینی اؤیره دیر و اؤیره نجیلری عربه لاتین و کیریل الیفالاری ایله تانیشا ئدیریک . سونرا دیلیمیزین گرامری و نهایت ادبیا ت تاریخی تدریس اولونور . ادبیا ت تاریخی ایکی دؤره یعنی اسلامدان قابق و اسلامدان سونرا کی دوره آیریلیرو اسلامدان سونرا کی دوره ده اها گئنیش یئر وثریلیر ، بو درس لرین اؤیره دیلمه سی اوجون بو ساحه لرده ایران دا چیخان کتا بلاردا ن و همده آذربایجان جمهوریی و تورکیه عالیملری نین اثر لریندن اولدوغو قده ر فایدا لانیرق .

آقای آیریمی سؤزلرینین سونوندا اورمیه دانشگاهینین کتا بخانا — سیندا تورک دیلی و ادبیا تی ایله علاقه دار کتا بلارین چوخ آز اولدوغونو سؤیله دی .

بیز تورک دیلی و ادبیا تی کورسوسونون آچیلما سیندا زحمت چکن بوتون

قالانی ۴۴- جی صحیفه ده

○ آذربایجان مهد قانون خواهی و دموکراسی

جنگ های ایران و روس که به انعقاد قراردادهای ننگین گلستان و ترکمانچای منجر شد و در نتیجه، بخشی از میهنمان تجزیه و با تحمیل حق کاپیتولاسیون برای اتباع روس و بعدها برای خارجیان دیگر، ملت ایران هرچه بیشتر، تحت فشار و اهانت قرار گرفت.

این ضربه سخت، مردم را به اندیشیدن واداشت و آن ها برای یافتن علل این عقب ماندگی و درماندگی به کندوکاو پرداختند و با آشنا شدن با اوضاع اجتماعی-سیاسی دیگر ملت ها، بیش از پیش، علت آن همه بدبختی ها را در وجود استبداد و عدم وجود حاکمیت قانون یافتند.

نخبگان جامعه، به این نتیجه رسیدند تا روزی که سرنوشت ملک و ملت در دست یک نفر خودکامه متحرکز هست، هرگونه اصلاحاتی که در کشور انجام گردد مثمرتر نخواهد بود. آن ها ناظر این واقعیت تلخ بودند که تقریباً همه کسانی که با اندیشه های نو، دست به کار اصلاحات زدند، جان خود را نیز بر سر این کار باختند. آنان به این باور رسیدند، روزی که آحاد مردم، خود سرنوشت خویش را به دست گیرند و با استقرار حاکمیت قانون، اعمال و رفتار سردمداران کشور، در چهارچوب قانون، تحت کنترل قرار گیرد، آن موقع، کشور در شاهراه پیشرفت به سوی تعالی پیش می رود. در آن شرایط نه تنها فردی به عنوان دیکتاتور نمی تواند ملت را تحت انقیاد در آورده و سرنوشت کشور را بازیچه قرار دهد، بلکه استعمار هم که به آسانی، حکومت های خودکامه را به زیر سلطه خود در می آورد، در صورت حاکمیت قانون و فعال بودن نهاد های قانونی و دموکراسی، تسلط بر آن ملت مشکل و بلکه غیرممکن می نماید.

خطه آذربایجان که خط مقدم جبهه‌های جنگ‌های ایران و روس بود و بار عظیم این پیکارها بر دوش مردم این سرزمین سنگینی می‌کرد و پس از پایان جنگ و انعقاد معاهدات ننگین گلستان و ترکمانچای، بخشی از آن با شمشیر بی‌عدالتی، تجزیه و به‌خاک‌روسیه تزاری ملحق گردید، بیش از سایر نقاط ایران، رنج و محنت این حوادث ناگوار را حس می‌کرد و در نتیجه، آن اندیشه‌های نو، بیش از همه جا در این دیار ریشه دواند و چنان که خواهیم دید، در دوران انقلاب مشروطیت، جوانه‌زد و خودکامگی، جای خود را به حاکمیت قانون داد. و به قول سعیدامیر — ارجمند: " این که هم مشروطه‌خواهی و هم اصطلاح " مشروطه " بس برای تعریف " حکومت محدود " در مقابل " حکومت مستبد " و هم اصطلاح قانون اساسی، از امپراطوری عثمانی و در واقع از تبریز به ایران آمد، روشن است. " (۱)

قبل از آن که مساعی تبریزیان را در شنا ساندن کلمه " قانون " و آثار و تبعات آن به سایر مردمان ایران توضیح دهیم لازم است که با واژه "قانون" و سیر تاریخی آن آشنا شویم:

" لفظ قانون، در اصل یونانی است و در متون حقوقی، از قرن دوم هجری به بعد، مترادف با لفظ فارسی دستور به معنای قواعد و دستور — العمل‌های مالیاتی و اداری به کار برده شده است. بعد از فتوحات صدر اسلام، عرب‌ها در شام و مصر، نظام اداری و مالیاتی امپراطوری روم شرقی را نگاه داشتند که زبان یونانی داشت و در ممالک تسخیر شده در شرق، نظام اداری و مالیاتی ساسانیان را ایفاء کردند. این مفاهیم از این دو طریق، وارد فرهنگ سیاسی و اداری اسلامی شد. در قرون وسطی، قانون به طور کلی به قواعد و دستورالعمل‌های اداری و حکومتی اطلاق گردید که تقریباً معادل حقوق عمومی جدید بود بعد از حمله مغول، تصورات ترکان از قانون و حقوق عمومی هم جزء فرهنگ حقوق اسلامی شد. یاسای چنگیزی خود دارای حقانیت مذهبی مقول بود، و مغولان چنگیزخان را پیاپی مبر می‌دانستند. ولی بعد از این که سلاطین ایلخان، تیموری، تراکمه و عثمانیان اسلام آوردند، یاسا به صورت

۱- سعیدامیر ارجمند - قوانین اساسی ایران در جارجوب تاریخی و تطبیقی - مجله نگاه نو - شماره ۱۶ - ص ۱۳

"یساق" و "یساق نامه" یا "یسق نامه" درآمد و اساس حقوق عمومی و سیاسی و قواعد مالیاتی را در دولت‌های مسلمان به وجود آورد. این سیر حقوقی، در عصر قانون نامه‌های معروف در امپراطوری عثمانی در قرون ۱۶ و ۱۵ میلادی است، یعنی قانون نامه‌های سلطان محمد فاتح، سلطان بایزید دوم و بخصوص سلطان سلیمان قانونی و همچنین قانون نامه اوزون حسن آق قویونلو در ایران.

در امپراطوری عثمانی، بخصوص در زمان سلیمان خان قانونی، معاصر شاه طهماسب، نظام حقوقی منظمی برقرار شد که قضات در آن، زیر سرپرستی شیخ الاسلام در استانبول مسئول اجرای قانون و شریعت بودند. در ایران که بعد از انقلاب مهدیگرا، تشیع مذهب رسمی شد، تحول مشابهی صورت نگرفت... (۱).

در دوران سلطنت ناصرالدین شاه بود که فرزندان خلف آذربایجان، برای مبارزه با استبداد ناصری از طرق مختلف به تلاش و کوشش پرداختند. در زمینه تشریح قانون و آشنا ساختن مردم با ثمرات آن نیز، مجاهدات ارجداری آغاز گردید که در رأس آن‌ها انتشار کتاب "یک کلمه" توسط میرزا یوسف خان مستشارالدوله تبریزی بود.

این اثر ارزشمند بود که توانست پس از انتشار، به خانه‌ها راه یابد و در ذهن‌های مستعد نفوذ کند، چنان نفوذی که افکار خواننده را منقلب و موجی در اندیشه‌های او ایجاد نماید. این نوشته، یک کتاب معمولی نبود، بلکه سطر به سطر باورهای هموطنانش را متحول و آنها را با دنیای جدیدی آشنا می‌ساخت. دنیایی که در آن، از استبداد، ظلم و ستم و تبعیض و بی‌عدالتی خبری نبود، بلکه جامعه‌ای سعادت‌مند، پیشرفته، مستقل، آزاد و سربلند را نوید می‌داد. و این کتاب جزو آثار انقلاب ساز بود، به طوری که زمینه انقلاب مشروطیت را فراهم آورد. محمدتقی دامغانی مقایسه جالبی بین "یک کلمه" و کتاب "بدیهیات" نوشته "توماس پین" کرده و چنین نوشته است:

"یک انگلیسی بی‌سروپا که نمی‌توانست از شغل پینه‌دوزی خود در انگلیس شکمی سیرکننده سرزمین آمریکا مهاجرت کرد. در آنجا به گروه

۱- سعید امیرارجمند- قوانین اساسی ایران در جارجوب تاریخی و تطبیقی - مجله نگاه نو- شماره ۱۶ - ص ۱۳.

جنگاوران استقلال که زیرپرچم " واشنگتن " گرد آمده بودند پیوسته و کتابجهای فراهم آورد که در طول چندسال جنگ، دهها بار تجدید چاپ شد، در کوله‌پشتی هر سرباز و در کیف‌دستی هر فرمانده دیده می‌شد. کتاب این انگلیسی‌بی‌سروپا، همچون انجیل، هر روز و هر شب به وسیله جنگاوران خوانده می‌شد و به آن‌ها، برای پیش‌بردن جنگ و به ثمر رساندن آن، نیروی تازه می‌بخشید. این رساله کوچک، " بدیهیات " نامیده می‌شد و نویسنده آن " توماس پین " همان انگلیسی‌بی‌سروپا یکی از بزرگترین قهرمانان جنگ‌های استقلال آمریکا بود، توماس پین پس از پایان جنگ‌های استقلال به انگلستان باز آمد و کتاب دیگری به نام " حقوق بشر " نوشت و بالاخره در فرانسه به گروه انقلابیون پیوست و از طرف مردم فرانسه به عضویت پارلمان انتخاب شد.

نمی‌دانم چه تشابهی بین توماس پین و میرزا یوسف مستشارالدوله و بین رساله بدیهیات او و رساله " یک‌کلمه " این وجود دارد که من هرگاه به نام مستشارالدوله یا کتاب " یک‌کلمه " برخورد می‌کنم به یاد توماس پین و رساله بدیهیات او می‌افتم.

شاید این تداعی از آن جهت باشد که تاثیر رساله " یک‌کلمه " را در ایجاد نهضت مشروطیت ایران همسنگ اثر رساله بدیهیات در پیشبرد جنگ‌های استقلال آمریکا میدانم و شاید این اعتقاد به خاطر نقلی باشد که صاحب کتاب " تاریخ بیداری ایرانیان " از این رساله آورده است.

ناظم الاسلام کرمانی صاحب کتاب تاریخ بیداری ایرانیان که خود از اعضای انجمن مخفی و در سلک پایه‌گذاران آن تشکیلات بوده است (تشکیلاتی که در ایجاد انقلاب سهمی داشته) نقل می‌کند که کتاب " یک‌کلمه " مستشارالدوله در انجمن مخفی خوانده می‌شد و در اعضای انجمن شور به وجود می‌آورد. او می‌نویسد که: "... نوشتجات مرحوم مستشارالدوله برای اجرای انجمن مخفی سرمشقی وافی بود و در واقع دستورالعملی بود که از آن قرار رفتار شد... (۱)".

مورخین به اتفاق، از این بزرگمرد بیدار دل، به نیکی یاد کرده و آرمانهای مترقی و شخصیت برجسته او را ستوده‌اند.

۱- محمدتقی دامغانی- اولین قوانین ایران قبل از مشروطیت ص ۲۳۸.

به اعتقاد دکتر فریدون آدمیت: " میرزا یوسف خان مردی پاک‌نهاد و راست‌کردار، بیداردل و شیفته عدالت بود. به یک مرد روحانی و عارف ایده‌آل پرست بیشتر شباهت داشت تا مأموری که خدمت‌دیوان کند. نامه‌های رسمی که از تفلیس و پترزبورگ و پاریس به دربار ناصرالدین شاه فرستاده از سوز دل و شعله آزادی که در قلبش روشن بود حکایت می‌کند و همه جا از لزوم اصلاحات مدنی و برقراری حکومت قانون و نشر تمدن اروپائی سخن می‌راند. "

و نیز می‌نویسد: "... در تاریخ نشر اندیشه آزادی در ایران، مستشارالدوله مقامی ممتاز دارد... تا جایی که به تحقیق پیوسته اودر ایران اولین نویسنده‌ای است که گفت‌منشاء قدرت دولت، اراده جمهور ملت است و می‌نویسد: اختیار قبول ملت اساس همه تدابیر حکومت است و این کلمه از جوامع‌الکلام است^(۱) .

مهدی با ممداد نیز بر این باور است که " وی از مردان روشنفکر، کاری علاقه‌مند به اصلاحات مملکت و وطن خویش بود و هر چه می‌گفته و می‌کرده به آن ایمان راسخ داشته است (۲) . "

مرحوم بحیی آرین پور نیز درباره صاحب‌ترجمه می‌نویسد:

" میرزا یوسف خان، پسر حاجی میرزا کاظم مهادمهینی، از بازرگانان آذربایجان، در شهر تبریز به دنیا آمد، فارسی و عربی و قدری از علوم شرعیه را آموخت و به سمت منشیگری وارد خدمت کنسولگری انگلیس در تبریز شد و بعد از چندی، از خدمت انگلیسی‌ها استعفا داد و به خدمت وزارت امور خارجه درآمد... "

مستشارالدوله مردی بیداردل و روشنفکر بود و همیشه آرزوی نظم و اقتدار کشور خویش را در سر می‌پرورانید. گویند در هنگام اقامت خود در تفلیس، به دوستان خود می‌گفته " چه می‌شد که در وطن عزیزم، نظم و آسایش و آبادی حاصل می‌گردید "

و از آرزوهای بزرگ او تا سیس راه آهن در ایران بوده و چنان می‌پنداشته که تمهید مقدمات جمیع ملزومات مملکتی و دولتی ابتدا راه آهن است و با ایجاد آن، حالت ایران در عرض سه سال، به کلی منقلب و در یک

۱- دکتر فریدون آدمیت - فکر آزادی - ص ۱۸۳

۲- مهدی با ممداد - شرح حال رجال ایران - (ج ۴) ص ۴۹۱.

کلمه " ایران گلستان خواهد شد " و با همین عقیده و ایمان راسخ بود که در سال ۱۲۸۶ ه.ق رساله‌ای به نام کتابچه بنفش درباره تاسیس راه آهن سرتاسری ایران نوشت و به شاه عرضه داشت و در سال ۱۲۹۰ ه.ق که در خراسان بود، جزوه دیگری در لزوم کشیدن راه آهن از تهران به خراسان تهیه و منافع آن را ذکر کرد و فتوای روحانیان را در آن باره به دست آورد.

مستشارالدوله در تاریخ نشر اندیشه آزادی در ایران، مقام ارجمندی دارد. او اصول افکار سیاسی خود را در رساله "یک کلمه" که به سال ۱۲۸۷ ه.ق در پاریس نوشته، بیان کرده است. او اول کسی است در ایران که اراده ملت را منشاء قدرت دولت دانسته است.

رساله "یک کلمه" اقتباس از اصول قانون اساسی فرانسه است و مؤلف خواسته است آن اصول را با مبانی دین اسلام تطبیق دهد و برای رسیدن به این منظور، به آیات و اخبار و احادیث و گفته‌های علمای بزرگ اسلامی استشهاد کرده است.

مستشارالدوله در سال ۱۳۰۶ ه.ق که کارگزار مهم خارج آذربایجان بود، توسط حسنعلی خان گروسی، پیشکار آن ایالت، نامه مفصلی به مظفرالدین میرزا ولیعهد نوشت و خواهش کرد که آن را از نظر شاه بگذرانند. وی در آن نامه از حکومت استبدادی و فساد دربار انتقاد و اصلاحات مملکتی و ایجاد حکومت قانون و برقراری آزادی و مساوات را خواستار شده و گوشزد کرده بود که اگر زمامداران ایران، خود در صدد تاسیس " دولت مقننه " بر نیایند، سیر حوادث تاریخ، آن را بر ما تحمیل خواهد کرد.

سخنان مستشارالدوله... تلخ و تند بود و با مزاج دربار ناصرالدین شاه سازگاری نداشت، پس نویسنده گرفتار همان سرنوشتی شد که دامنگیر همه آزادیخواهان آن زمان بود، بدین معنی که او را به فرمان شاه، در اوایل سال ۱۳۰۹ ه.ق محبوس و "مظلولا" از آذربایجان به قزوین آوردند و در عمارت رکنیه آنجا با زنجیر و کنده نگه داشتند. وی در زندان تنها بود و اجازه ملاقات با احدی، حتی با سایر محبوسین قزوین نداشت. گویند در زندان چندان آزارش دادند و کتابچه را بر سرش کوفتند که چشمانش آب آورد و چند سال بعد به سال ۱۳۱۳ ه.ق به بیجا

درگذشت (۱)."

"یک کلمه"، اولین رساله‌ای است که مفهوم قانون را به وضوح و روشنی شرح داده، درباره آن می‌نویسد که اگر ترقیات و پیشرفت‌ها ثنی در کشورهای غربی به چشم می‌خورد، نباید این پیشرفت‌ها و ترقیات را محصول اختراع وسایل جدید از قبیل تلگراف یا راه‌آهن و کشتی بخاردانست بلکه این اختراعات خود از قبیل نتایج هستند نه مقدمات، علت ترقیات در یک کلمه نهفته است و این یک کلمه قانون است. (۲)"

مستشارالدوله به شرح قانون پرداخته می‌گوید: "جمیع شرایط و انتظامات مربوط به امور دنیویه مردم فرنگستان در کتاب قانون محرر و مسطور است و دولت و امت معا" کفیل بقای آن است، چنان که هیچ فردی از سکنه فرانسه یا انگلیس یا نمسه یا پروس مطلقاً تصرف نیست، یعنی در هیچ کاری که متعلق به امور محاکمه و مرافعه و سیاست و امثال آن باشد، به هوای نفس خود عمل نمی‌تواند کرد و شاه و گدا و رعیت و لشکری در بند آن مقید هستند و احدی قدرت مخالفت به کتاب قانون ندارد... (۳)".

هنگامی اهمیت مجاهدات مستشارالدوله تیریزی روشن می‌گردد که شرایط سیاسی - اجتماعی آن روزگار، مورد مذاقه قرار گیرد. وی رساله "یک کلمه" و نامه مفصل خود خطاب به مظفرالدین میرزا ولیعهد را در اوج قدرت ناصرالدین شاه نوشت. در روزهایی که خفقان شدیدی مملکت را فرا گرفته بود و درباریان، تاب تحمل شنیدن کلمه قانون را نداشتند، چنان که: "معروف است ناصرالدین شاه، روزی در باغ سلطنتی قدم می‌زد. دید که بنا مشغول دیوارچیدن است، پرسید اوستا چرا این جوری آجرها را کار می‌گذاری؟ گفت قربان، قانونش این است. دستور داد بنا را طاب بیندازند. چون اسم قانون را بر زبان آورده بود... و به همین علت بود که دیگر قلمزنان، از به کار بردن واژه قانون واهمه داشتند. حتی پس از کشته شدن ناصرالدین شاه، در دوران سلطنت مظفرالدین شاه که استبداد ناصری تعدیل شده بود: ذکاء الملک (محمد

۱- بحیی آرین پور- از صبا تا نیما (ج ۱) ص ۲۸۱... ۲- دامغانی - پیشین ص ۲۴۰ . ۳- رساله "یک کلمه" - چاپ سنگی - تاریخ نامعلوم - ص ۸، به نقل از اولین قوانین ایران .

حسین) در روزنامه‌های به نام تربیت، گاه مطالبی از زبان فرانسه ترجمه می‌کرد، هر زمان که به کلمه "قانون" می‌رسید، ناگزیر به جای آن کلمه "قاعده" را به کار می‌برد (۱)

گردانندگان روزنامه اخترنیز که از تبریزیهای مبارز بودند، در تشریح و اشاعه کلمه "قانون" نقش سازنده‌ای ایفاء کردند. دکترهما ناطق، در مقدمه‌ای که بر مجموعه روزنامه قانون نوشته، درباره نقش روزنامه اختر، در زمینه شناساندن قانون به ایرانیان اعتقاد دارد که: "روزنامه اختر، اولین روزنامه‌ای است که مسئله قانون را به بحث گذاشت و مقاله‌های فراوانی در این زمینه انتشار داد... روزنامه اختر که پدر روزنامه قانون است برای اولین بار، مقاله‌ها -ئی درباره فواید قانون انتشار داد. قانون عثمانی را وسیله نیکیبختی ملل شرقیه و یا وسیله امنیت هر مملکت خواند و در مورد بسیاری از مسائل ایران از جمله امتیازهای گوناگونی که به اروپائیان داده شد، به مخالفت برخاست و همکاران اختر، همان کسانی بودند که بعدها با روزنامه قانون همکاری می‌کردند... (۲)".

"تفخیل قانون اساسی مدحت‌نپاشا را نخستین بار اختربه گوش ایرا - نیان رسانید، ترجمه متن کامل قانون اساسی ۱۱۹ ماده‌ای و دستخط سلطان (مورخ هفتم ذیحجه ۱۲۹۳) را با مقاله‌ای درباره آن منتشر گردانیده و نوشت: این قانون، همه نیکیبختی مشرق را اساس است و اقوام وطن را پس از وحشت و بیگانگی واسطه یگانگی (۳)".

نظر به اهمیت آذربایجان و آغاز فعالیت‌های از این دست در این خطه، در زمینه قانون خواهی و محدود ساختن استبداد، ناصرالدین شاه قاجار دستور می‌دهد که در این ایالت ولیعهدنشین، دیوانخانه‌ای منظم برپا گردد و برای تشکیل آن، مقررات مدونی تحت عنوان "دستور العمل رئیس و امنای آذربایجان" تنظیم می‌گردد که محمدتقی دامغانی از این

-
- ۱- رحیم رئیس‌نیا - زمینه اقتصادی و سیاسی انقلاب مشروطیت ایران - ص ۵۹. شماره اول روزنامه تربیت، روز پنجشنبه ۱۱ رجب ۱۳۱۴ در تهران منتشر شده است (صدرهاشمی - تاریخ جراید و مجلات ایران (۲) ص ۱۱۶.
 - ۲- همانا طق، مقدمه مجموعه روزنامه قانون، ص ۴-۱ -۳. دکتر فریدون آدمیت اندیشه ترقی و حکومت قانون - ص ۴۰۸

مقررات مدونه به عنوان کرده آئین دادرسی مدنی ایران یاد کرده و در این زمینه چنین نوشته است :

" جزوهای که اینک در برابر ماست، با " صورت دستخط مبارک " به شرح زیر شروع گردیده :

" دستورالعمل دیوانخانه تبریز از این قرار که وزیر خارجه نوشته است به حکم ما صحیح است. امنای دیوانخانه از همین قرار بایست رفتار کنند، بدون تخلف و این کتابچه باید چاپ شده و در همه آذربایجان منتشر شود که رعایای خارجه و داخله از این احکام مستحضر شوند. "

متاسفانه این جزوه فاقد تاریخ می باشد، فقط از نحوه نگارش آن می توان استنباط کرد که از دستورالعمل دیوان بیگیان (۱۲۷۵ ه. ق) تازه تر است و بعلاوه از نام هایی که در سازمان دیوان خانه تبریز در مقدمه آن مرقوم رفته است شاید بتوان تاریخ احتمالی انتشار آن را تعیین نمود آنجا که می نویسد :

"... مغرب الخاقان آقا خان میرپنجه که از معتبرین جاگران دولت است و در مهام خطیره خاصه در تسویه امور متعلقه به محاکمات آثار کفایت و حقانیت از او در حضور همایون کرار" مشهود افتاده به ریاست دیوانخانه مملکت آذربایجان سرافراز و مقرر گردید که به معاونت و دخالت امناء و اجزای مخصوصه معینه چنان که در ضمن این دستورالعمل مندرج است به دعاوی و امورات دایره در آن مملکت رسیدگی و موافق قوانین دین و دولت قطع و فصل نماید .

.... و اجزای دیوانخانه را به ترتیب زیر تعیین کرده است :

آقا خان رئیس دیوانخانه، میرزا رضی مستوفی تبریزی، حاج میرزا علی اصغر تبریزی، میرزا علی اشرف نایب سابق کارپرداز، حافظ آقا کارپرداز سابق طرابوزان، حاج غلامغلی خان سرحددار سابق واللهیارخان نایب آجودان باشی.

جهت ترجیح آذربایجان و اختصاص آن به تشکیل یک دیوانخانه منظم با قواعد (باصطلاح امروز) دنیا پسند همان است که در مقدمه ابــــن دستورالعمل آمده که چون " ... مملکت آذربایجان سرحد دول و مجمع طوایف و ملل است ... (۱) ".

این مقررات در ۴۵ ماده تنظیم گردیده و مواد مزبور نیز با عنوان قاعده ذکر گردیده است. اینک قاعده اول: "جمع دعاوی و منازعات از قبیل مظالم و تعدیات و مطالبات و دعاوی ملکی و تجارتي که محل حرف باشند در دیوانخانه رسیدگی و قطع و فصل خواهد شد و هر امری که در دیوانخانه می‌گذرد هیچ وقت تجدید نمی‌شود و کسی حق آن نخواهد داشت که تجدید آن دعوا را نماید، مگر از حاکم شرع جامع الشرايط حکمی بر بقای دعوی خود و غبن در حقوق خود بیاورد که در هنگام صدور حکم دیوانخانه از اجرای حق خود متعذر بوده است لیکن دیوانخانه همیشه حق آن خواهد داشت که اگر یکی از متداعیین عارض شود اگر چه در خارج از دیوانخانه رسیدگی آن دعوا شده باشد باز تجدیدنظر و احقاق حق در آن باب نماید".

مجاهدات آذربایجانی‌ها در زمینه قانون خواهی و استقرار دموکراسی آثار خود را در انقلاب مشروطیت نشان داد. این نوشته‌ها و آگاهی‌دانه‌ها علاوه بر این که منجر به خیزش مردم بر علیه استبداد و استعمار گردید و مردم به پا خاسته، خواستار محدود شدن قدرت استبداد و استقرار دموکراسی گردیدند، مردم آذربایجان که سابقه ممتد در قانون خواهی داشتند، در تحریر، تدوین، و تصویب متمم قانون اساسی و در واقع حاکمیت قانون در برابر خودکامگی، نقش تعیین کننده‌ای بازی کردند. احمد قاسمی اعتقاد دارد: "در واقع تبریز بود که متمم قانون اساسی را که از لحاظ تصریح حقوق خلق، بسی گرانبها تر از خود قانون اساسی است گرفت. (۱)"

خود قانون اساسی که در ۵۱ ماده تنظیم و به تصویب مظفرالدین شاه رسیده بود، نه تنها قانون اساسی شناخته نمی‌شد بلکه: "در تأمین اصل اول، یعنی تضمین حقوق مدنی و آزادی‌های فردی و حکومت قانون، بسیار نارسا بود (۲)".

چرا که: "آزادخواهان تهران سعی داشتند با سرعت سروه قضیه را به هم آورند و تا تنور گرم استنان آزادی را بپزند. بنا بر این نه در تدوین نظام انتخابات دقت کردند و نه در تدوین قانون اساسی، حتی در کار انتخابات هدف سرعت بود نه دقت... اما در تبریز چسبن

۱- احمد قاسمی، سال انقلاب مشروطیت ایران، ص ۲۳۷-سعید امیرارجمند پیشین - ص ۱۵.

نمود و بیداری مردم، اجازه این بی‌دقتی‌ها را نمی‌داد....
این ۵۱ فصل، درحقیقت نظام‌های بود برای اداره مجلس و حدود وظایف آن. در این قانون از وظایف مردم نسبت به دولت، و وظایف دولت نسبت به مردم، از حدود قدرت فردی و حدود قدرت دولت و به طور کلی از روابط ملت با دولت سخنی نرفته بود. هنوز مفاهیم عالی فلسفی از قبیل قوای مملکت‌ناشی از ملت است، طریقه استعمال آن قوا را قانون اساسی معین می‌کند و... در آن قانون گنجانده نشده بود. بنابراین این لازم بود اساسی به وجود آید که بنای آزادی بر آن اساس استوار گردد و روح حکومت را نشان دهد.^(۲)

بنابراین " در بهمن ماه ۱۲۸۵ که متن قانون اساسی در تبریز انتشار یافت، مردم آن را دلخواه نیافتند و برای تکمیل آن شوریدند و تدوین متمم قانون اساسی را از مجلس خواستار شدند.^(۲)"

شادروان طاهرزاده بهزاد، فصلی از کتاب خود را به این موضوع اختصاص داده و تعدادی از تلگراف‌هایی را که مابین مردم تبریز و انجمن ایالتی آذربایجان با نمایندگان مجلس شورای ملی رد و بدل شده در آنجا نقل کرده است. برای اجتناب از اطاله کلام، بخشی از آن فصل به اضافه یکی از تلگراف‌ها را در اینجا می‌آوریم:

" خدمات آذربایجان‌ها و تاکید آنان در تحریر، تدوین و تصویب (متمم) قانون اساسی کمتر از ایستادگی و جنگ در مقابل نیروی دولت استبداد نبوده است. اگر تلگراف‌های روزانه پراز اصرار و ابرام آذربایجان‌ها نبود، تهیه و تدوین قانون اساسی را طول داده و بالاخره هم به طور ناقص به تصویب می‌رسانیدند.

چقدر مایه تاسف است که جریان روزانه اجتماعات تلگرافخانه تبریز نوشته نشده و صورت مخابرات را نتوانسته‌اند نگهداری کنند تا معلوم شود دلدادگان آزادی چه فداکاری‌ها و از خودگذشتگی‌ها برای وصول قانون اساسی از خود بروز داده‌اند. ماهها زبده آذربایجان‌ها از کسب و کار و تجارت خود دست‌کشیده و در حیات تلگرافخانه اجتماع نموده و از تهران قانون اساسی می‌خواستند.

۱- دکتر محمد اسماعیل رضوانی- انقلاب مشروطیت ایران - ص ۱۴۴ و ۱۳۸.

۲- دکتر هوشنگ ابرامی - ستارخان سردار ملی- ص ۲۱.

این فکر برای هر شخص منصف تولید می‌شود که اگر تلگرافات پسراراج و گفتارهای آتشین رهبران مشروطه تبریز، عشق و علاقه و فعالیت نما بیندگان خود را در تهران به جوش نیاورده و آنان هم ساکت و بدون جوش و خروش مثل سایر نمایندگان با محافظه‌کاری و احتیاط رفتار می‌کردند حتماً با آن عجله و شتاب و کارکردن شب و روز مشغول تهیه و تدوین قانون اساسی نمی‌شدند. و اینک یکی از آن تلگرافها :

حضور مبارک آقایان حجج الاسلام و وکلای آذربایجان دامت برکاتهم تلگراف مبارک، برای عموم علمای اعلام و قاطبه ملت که بنازار و دکاکین را بسته و در تلگرافخانه مبارکه حاضرند قرائت و جواب عموم آقایان علما و ملت، خواستن قانون است. مادامی که قانون نامه را به طرف آذربایجان حرکت ندهند (ارسال نکنند) بازار و دکاکین باز نخواهد شد و از تلگرافخانه مبارکه بیرون نخواهیم رفت (انجمن ملی تبریز) (۱) ."

جالب توجه است، ۵۱ ماده‌ای که بعدها تحت عنوان قانون اساسی شناخته شد، هنگام تدوین و تصویب، قانون اساسی نامیده نمی‌شد، بلکه: "لفظ قانون اساسی، بعد از کمی کشمکش میان مجلس و محمدعلیشاه به کرسی نشانده شد، چون در خلال مذاکرات بین ۵ مجلس اول و مظفرالدین شاه و چه در خود قانون اساسی که در آخرین روزهای حیات آن پادشاه در روز ۱۴ ذیقعد ۱۳۲۴.ق به امضای او رسید، به لفظ "قانون اساسی" بر نمی‌خوریم.

در آن روزها اصطلاحاتی که به کار می‌رفت "نظامنامه" بود یا "نظامنامه اساسی" و گاهی "کتابچه". محمدعلی‌شاه نیز که به تخت سلطنت جلوس کرد نسبت به اصطلاحات "مشروطه" و "قانون اساسی" حساسیت نشان می‌داد، چرا که این دو اصطلاح، نشانه اولویت قانون بر سلطنت بود. او ترجیح می‌داد لغت خارجی و تاحدودی نامفهوم "کنستیتوسیون" را به کار برد. ولی نویسندگان متمم، لفظ "قانون اساسی" را در آن گنجاندند و از نظامنامه قبلی به عنوان "قانون اساسی" یاد کردند. هنگامی که قانون اساسی یاد شده و متمم آن در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵.ق به امضای محمدعلی شاه رسید، این دو قانون اساسی پایه نظام سلطنت

۱- طاهرزاده بهزاد- قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران، ص ۵۱-۵۰

مشروطه در ایران شد.

موادی که به‌عنوان اصل هشتم تا بیست و پنجم متمم قانون اساسی تصویب شد، امنیت جان و مال و ناموس ایرانیان را تضمین کرد و به ایشان در مقابل هر نوع عمل و مداخله مفاخر با حکومت قانون مصونیت داد. بدین ترتیب، حقوق عمده مدنی عصر جدید و آزادی‌های فردی، در لوی قانون برای نخستین بار به صراحت و با شرح جزئیات، وارد حقوق عمومی ایران شد. ضمناً متمم در تفکیک قوا و شرح اختیارات مجلس و سازمان مالیاتی و قضائی کشور، قانون اساسی را تکمیل کرد. به علاوه این متمم، اصل مسوولیت وزیران را که مورد اختلاف بود تثبیت کرد.^(۱) چون ایده مترقی تنظیم و تدوین متمم قانون اساسی از مردم انقلابی تبریز بود، موانع مهم بر سر راه آن نیز به دست فرزندان خلف آذربایجان از سر راه برداشته شد. از جمله آن موانع، وجود میرزا علی‌اصغر خان امین السلطان بود که با ترور عباس‌آقا صراف تبریزی از پادشاه درآمد.^(۲)

تصویب این قانون مترقی نیز به آسانی میسر نبود، چون محمدعلی شاه خودکامه به هیچ وجه حاضر نبودن به محدودیت قانونی بدهد. لذا در این برهه حساس هم، مردم تبریز پا پیش گذاشتند، و آن خیره سر را به پذیرفتن متمم قانون اساسی مجبور کردند. دکتر نواشی می‌نویسد:

"اوضاع تبریز، آرامش‌ناپذیرفت، شور و هیجان ملی، مردم را وادار کرد تا در خیابان‌ها به حال اجتماع بابیرق سرخ کرده و نطق‌هایی بر ضد حکومت محمدعلی شاه و تمایل به جمهوریت ایراد کردند."^(۳)

مرحوم نصرت‌الله فتحی نیز جگونگی تظاهرات مردم تبریز و نقش مرکز غیبی تبریز را در رهبری این آمادگی‌ها چنین ترسیم می‌کند:

"با تمام این احوال طوفانی که در تبریز برخاسته، به این سادگی فرو نمی‌نشیند. بلکه آن به آن خیزاب آن به عمیق اقیانوس خواسته‌های مردم فرو می‌رود و در برگشتن با صلابت تمام خود را به صخره‌های ساحل می‌کوبد. و دلیل آن این است که شورشیان تبریز از زیربنای کارهای

۱- سعید امیرا رجمند- پیشین ۲- برای اطلاع بیشتر از جگونگی مراحل تنظیم، تدوین و تصویب متمم قانون اساسی رجوع کنید به "مرکز غیبی تبریز" به همین قلم (ص ۱۵۲-۱۳۷) ۳- دکتر عبدالحسین نواشی - فتح تهران ص ۲۱۹

تهران و از نیات باطنی محمدعلی شاه و تعلیماتی که پشتیبانش دولت‌تزاری روسیه می‌دهد، آگاه هستند و هم روزبه روز آگاه‌تر می‌شوند کسروی می‌نویسد: این آگاهی‌ها را مرکز غیبی با هیئت مدیره انقلاب به‌وسیله تقی‌زاده و مستشارالدوله دریافت می‌دارند و آنان هر خبر پرخطر را به‌وسیله کتابچه‌های رمز که بین خود و ثقه‌الاسلام شهید دارند به مرکز غیبی می‌رسانند و در نتیجه فشار مردم را تشدید می‌کنند، در واقع اخبار دست‌اولی که از زیربنای کار به‌تبریز می‌رسد، در تهران نزدیکترین افراد به مقامات درباری نمی‌دانند تا چه رسد به انجمن‌های چهل‌گانه تهران یا سایر شهرستان‌های ایران. در اینجا برای نشان دادن اهمیت موضوع، عباراتی چند از تلگراف‌اعیان و اشراف تبریز را با همه محافظه‌کاری که این طبقه دارد ذیلاً می‌آوریم:

"اگر تا روز سه‌شنبه ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۲۵، قانون اساسی از صحنه همایونی امضا و وزیر مسوول گذشته تسلیم مجلس شورای ملی کردند، فبها و الا ناچاریم مظلومیت و بی‌تقصیری خودمان را در حضور کور دیپلماتیک دول متحابه مقیمین تبریز به مقام ثبوت رسانیده، بگوئیم آنچه نباید گفت و بکنیم آنچه نباید کرد".^(۱)

یک روز به آخر مهلت مانده و هنوز تهران نتوانسته جواب مثبت به تبریز هیجان‌آلود بدهد، روز جمعه ۱۱ ربیع الثانی است، دستجات و افواج مجاهدان، در خیابان‌ها به تعداد هزارنفر و هزارنفر پخش شده، بالباس‌های مخصوص متحدالشکل با پرچم‌هایی که روی آن جمله "یا صاحب‌الزمان" نوشته‌اند می‌گردند و شعار می‌دهند و به ترتیب نظامیان گام برمی‌دارند و از ته‌دل فریاد می‌کشند "یا شاسین مجلس"، "یا شاسین مشروطه" و "یا شاسین آزادلیق"... نابود باد استبداد و فکر آن... از شهرهای دیگر آذربایجان نیز جواب "هل من ناصر ینصرنی" تبریز می‌رسد، من جمله از مراغه ده‌هزارنفر مسلح، آمادگی خود را اعلام نموده‌اند که به تبریز آمده و در راه مقاصد ملی جان‌بازی کنند... مردم تلگرافخانه را ترک نمی‌کنند تا از نتیجه قطعی گذشتن متمم قانون اساسی مطمئن گردند.^(۲)

۱- حرف آخر تبریز یا آنچه که ناگفتنی بوده (خلع سلطنت از محمدعلیشاه) بوده و با اعلام جمهوریت یا مطلب دیگری که از دهان اشراف تبریز هم بیرون می‌آمده است تاجه رسد به سطوح انقلابی دیگر.
۲- نصرت‌الله فتحی- سخنگویان سه‌گانه آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران - ص ۲۴۵.

سرانجام قانون یادشده در ۱۰۷ اصل تنظیم گردید و برای امضاء تقدیم شاه شد. اما شاه از امضای قانون سرباززد و بار دیگر هیچ‌مان مردم آغاز شد و باز بازارها بسته شد و چندین هزار نفر به سوی مجلس رفتند. مردم تبریز که با نمایندگان خود پیمان بسته بودند در همه جا و در همه کار به یاری آنان برخیزند، در تلگرافخانه تبریز تحمّن جستند. آزادیخواهان اصفهان، شیراز، رشت، کرمان با مردم تهران و تبریز هم‌صدا شدند. علمای نجف در مقام نصیحت شاه برآمده و به وسیله تلگراف به او توصیه نمودند که در مقابل تقاضای مردم تمکین کند. شاه بینوا این بار نیز خود را شکست خورده یافت و به امضای متمم قانون اساسی تن در داده چنین نوشت:

" متمم نظامنامه اساسی ملاحظه شد، تماماً صحیح است و شخص‌ها بیون ما انشاءالله حافظ و ناظر کلیه آن خواهیم بود. اعیان و اولاد ما هم انشاءالله مقوی این اصول و اساس مقدس خواهند بود!"^(۱)

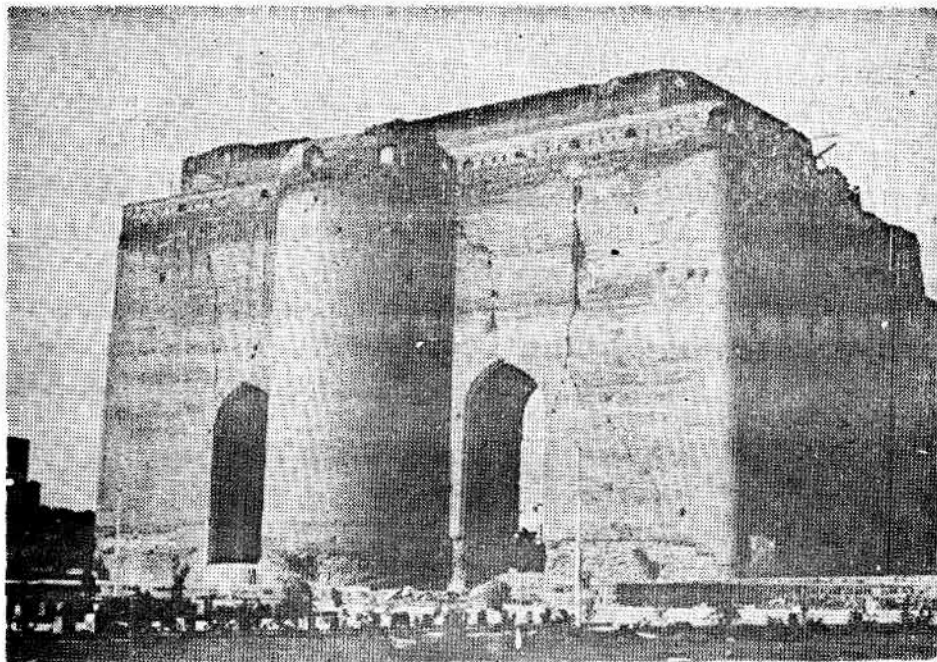
احمد کسروی که خود در آن روزهای سرنوشت‌ساز، این رخدادهای تاریخی را با باریک‌بینی نظاره می‌کرد، در این زمینه نیز جمع‌بندی جالبی ارائه می‌دهد. او می‌نویسد:

" در تبریز چون اندیشه‌ها بلندتر و آگاهی از معنی مشروطه و قانون بیشتر و خوی‌ها استوارتر می‌بود، و از این سو پیشروان دلسوز و کوشنده پادرمیان می‌داشتند، در نتیجه این‌ها جنبش و کوشش پایه استسوار می‌یافت، و به یک رشته کارهای ارجدار و سودمندی از پدید آوردن دسته مجاهدان و بنیاد نهادن دبستان‌ها و مانند این‌ها پرداخته شد و چنان که دیدیم، در آن نه‌ماه، تبریز چند بار با خودکامگی نبرد کرد و همگی فیروز درآمد.

در تبریز، هر چیز را به معنی درست خود می‌فهمیدند و هرکاری را دلسوزانه پیش می‌بردند. خرده گرفتن این شهر به قانون اساسی، برخاستن آن به شمردن کمی‌های قانون و ایستادگیش برای پیشرفت خواست خود که یاد کردیم، بهترین نمونه از نیک‌فهمی و کوشش دلسوزانه تبریزی‌ها می‌باشد.^(۲)

۱- دکتر رضوانی - پیشین - ص ۱۴۵.

۲- کسروی - تاریخ مشروطه ایران - ص ۲۶۲.



توجه

- ۱- اداره مجله در حرك و اصلاح و حذف مقالات وارده مختار است.
- ۲- مقالات وارده هرگز برگشت داده نمیشود.
- ۳- هرگونه مسئولیت مقالاتیکه با امضای نویسندگان در مجله چاپ میشود مر بوط به خود نویسندگان است و چاپ آنها الزاماً دلیل نایبند اداره مجله نیست.

وارلیق

| | |
|--|--|
| <h1>VARLIQ</h1> <p>PERSIAN AND TURKISH JOURNAL</p> <p>15-th. Year No 92-1 April. May. Jun. 1994 Add : 151, Nord Felestin Ave Dr. Javad Heyet Tehran - Iran</p> | <h1>وارلیق</h1> <p>مجله فرهنگی ، ادبی ، هنری به زبانهای فارسی و ترکی صاحب امتیاز و مدیر مسئول : دکتر جواد هیئت</p> <p>تهران : خیابان فلسطین شمالی پلاک ۱۵۱ عصرهای زوج تلفن : ۶۴۶۶۳۶۶</p> |
|--|--|

شرکت چاپ خواجه ، خیابان فردوسی جنوبی ، کوچه خندان شماره ۱۴